بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی وقف عام

پاسخنامه

دوازدهم انسانی

۱۵ آبان‌ماه ۱۴۰۵

سؤالاتی که با نشانگر نهایی مشخص شده‌اند، مشابه سؤالات امتحانات نهایی هستند. با تمرین این دسته از سؤالات می‌توانید در امتحانات نهایی عملکرد بهتری داشته باشید.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی (وقف عام)

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین پلاک ۹۲۳ – بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی (وقف عام) ۶۴۶۳-۰۲۱

«تمام دارایی‌ها و درآمدهای بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی وقف عام است بر گسترش دانش و آموزش»

پدیدآورندگان آزمون

طراحان به ترتیب حروف الفبا

نام درس	نام طراحان
ریاضی و آمار	محمد اسدی، محمد بحیرایی، عارف بهرام‌نیا، احمد حسن‌زاده‌فرد، علی حسینی‌نوه، محمد حمیدی، رضا خانبابائی، احمد ذاکرزاده، شکیب رجبی، نسترن صمدی، هادی فولادی، علی قهرمان‌زاده، عباس مالکی، سید محمدعلی مرتضوی
علوم و فنون ادبی	سید علیرضا احمدی، امیرحسین اشتری، حسن اصحابی، محسن اصغری، عزیز الیاسی‌پور، سعید جعفری، سید محسن رضوی، رضا رنجبری، مجتبی فرهادی، الهام محمدی، یاسین مهدیان، هومن نمازی، اکبر یحیوی
جامعه‌شناسی	ریحانه امینی، آزیتا بیدقی، جواد جلیلیان، امیرحسین خزایی، یاسین ساعدی، کوثر شاه‌حسینی، فاطمه صفری، سینا غلامی، مهراد کرمی، سید محمد مدنی دینانی، سید آرش مرتضائی‌فر، محمدمهدی یعقوبی
روان‌شناسی	هانا احمدزاده، محمد حبیبی، محمدعرفان فرهادی، نگین مرسلی
عربی زبان قرآن	محمود بادبرین، ولی برجی، مجید بیگلری، عمار تاجبخش، ابوطالب درانی، محمدرضا سوری، امیرعلی فردین، حمیدرضا قائدامینی، مصطفی قدیمی‌فرد، مرتضی کاظم‌شیرودی، روح‌الله گلشن، سید محمدعلی مرتضوی، پیروز وجان
تاریخ و جغرافیا	علیرضا آزادی‌زاده، راضیه ابراهیمی‌نژاد، فاطمه احمدی، علیرضا پدرام، هادی توکلی، فائزه رحیمی لهی، یاسین ساعدی، علیرضا سالمی، حامد صفرخانیان، فاطمه عزیزی، مهدی کاردان، محیا مالکی، محمد مهدی یعقوبی
فلسفه و منطق	حسین آخوندی راهنماچی، جواد پاکدل، پرگل رحیمی، موسی سپاهی، حمید سودیان، فرهاد قاسمی‌نژاد، محمد قربانی، امیرمحمد قلعه‌کاهی، فیروز نژادنجف
اقتصاد	آفرین ساجدی، سارا شریفی، مهدی ضیائی، احسان عالی‌نژاد، مهدی کاردان، محمدحسین متولی

گزینشگران و ویراستاران

نام درس	گزینشگر	مسئول درس	ویراستاران	مستندسازی
ریاضی و آمار	محمد بحیرایی	محمد بحیرایی	عباس مالکی عرشیا محمدی	مسئول درس: ابراهیم نوری ویراستار: معصومه صنعت‌کار، سجاد سلیمی
علوم و فنون ادبی	سیدعلیرضا احمدی فرهاد علی‌نژاد	سیدعلیرضا احمدی فرهاد علی‌نژاد	محمد مشهدبان محمدمهدی اسلامی	مسئول درس: فریبا رئوفی ویراستار: محسن جمشیدی، مهشید سعیدی
جامعه‌شناسی	سید آرش مرتضائی‌فر	سید آرش مرتضائی‌فر	ـــــ	مسئول درس: سجاد حقیقی‌پور ویراستار: سیدمجتبی رضازاده
روان‌شناسی	محمد حبیبی	محمد حبیبی	سینا غلامی ملیکا ذاکری	مسئول درس: محمدصدرا پنجه‌پور ویراستار: مریم عابدی، محمدحسن سعیدی
عربی زبان قرآن	احسان کلاته‌عربی	سید محمدعلی مرتضوی	درویشعلی ابراهیمی	مسئول درس: لیلا ایزدی ویراستار: محمدحسین صادق‌پور، محسن جمشیدی
تاریخ و جغرافیا	محمدمهدی یعقوبی	محمدمهدی یعقوبی	علیرضا سالمی فاطمه عزیزی	مسئول درس: محمدصدرا پنجه‌پور ویراستار: محمدحسن سعیدی
فلسفه و منطق	محمد قربانی	امیرمحمد قلعه‌کاهی	ایمان کلاته‌عربی	مسئول درس: سوگند بیگلری ویراستار: محمدحسین صادق‌پور
اقتصاد	مهدی ضیائی	سارا شریفی	سینا غلامی	مسئول درس: سجاد حقیقی‌پور ویراستار: علی ابراهیمی آرانی،زهرا شمسایی

گروه فنی و تولید

مدیر گروه	سید محمدعلی مرتضوی
مسئول دفترچه	فاطمه منصورخاکی
گروه مستندسازی	مدیر: محیا اصغری، مسئول دفترچه: لیلا ایزدی
حروف‌چین و صفحه‌آرا	مهشید ابوالحسنی
ناظر چاپ	حمید عباسی

ریاضی و آمار (۳)

۱- گزینهٔ «۳» *(محمد بحیرایی)*

اعداد اول روی تاس عبارتند از ۲، ۳ و ۵ که در این صورت ۲ سکه را پرتاب می‌کنیم در غیر این صورت برای اعداد ۱ و ۴ و ۶ دو تـاس دیگـر پرتـاب می‌کنیم. بنابراین:

$$n(S)=۳\times۲\times۲+۳\times۶\times۶=۱۲+۱۰۸=۱۲۰$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۵)

۲- گزینهٔ «۴» *(احمد حسن‌زاده‌فرد)*

می‌دانیم فضای نمونه این آزمایش تصادفی ۱۲ عضو دارد.

$$n(S)=۱۲$$
$$\{(۱,ر),(۲,ر),(۳,ر),(۴,ر),(۵,ر),(۶,ر)$$
$$(۱,پ),(۲,پ),(۳,پ),(۴,پ),(۵,پ),(۶,پ)\}$$

اعداد اول $\{۲,۳,۵\}$

$$P(A)=\frac{n(A)}{n(S)}=\frac{۶}{۱۲}=\frac{۱}{۲}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحهٔ ۲۰)

۳- گزینهٔ «۲» *(علی قهرمان‌زاده)*

حالات مطلوب :

$$n(A):\ \frac{۴}{}\times\frac{۱}{}\times\frac{۱}{}\times\frac{۱}{}$$

کل حالات:

$$n(S):\ \frac{۴}{}\times\frac{۴}{}\times\frac{۴}{}\times\frac{۴}{}$$

$$P(A)=\frac{۴\times۱\times۱\times۱}{۴\times۴\times۴\times۴}=\frac{۱}{۴^{۳}}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲۰ و ۲۱)

۴- گزینهٔ «۳» *(رضا قانبابائی)*

سه تاس داریم در ابتدا $۶^{۳}=۲۱۶$ حالت‌ها را به ۳ دسته تقسیم می‌کنیم.

۱- هر سه عـدد یکسـان ← ۶ حالـت داریـم و بـرای هـر کـدام ۲ سـکه می‌اندازیم.

$$۶\times۲^{۲}=۲۴$$

۲- دقیقاً دو عدد یکسان ←

$$۶\times۱\times۵\times۳=۹۰$$

و برای هر ۹۰ حالت، ۳ سکه پرتاب می‌کنیم.

$$۹۰\times۲^{۳}=۷۲۰$$

۳- هر سه عدد متفاوت

$$\frac{۶}{}\times\frac{۵}{}\times\frac{۴}{}=۱۲۰$$

و برای هر کدام ۴ سکه پرتاب می‌کنیم.

$$۱۲۰\times۲^{۴}=۱۹۲۰$$

$$\text{کل حالت‌ها}=۲۴+۷۲۰+۱۹۲۰=۲۶۶۴$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۲ تا ۱۴)

۵- گزینهٔ «۱» *(عباس مالکی)*

$$\binom{۵+n}{۲}=۳۶\Rightarrow\frac{(n+۵)(n+۴)(n+۳)!}{۲\times۱\times(n+۳)!}$$

$$=\frac{(n+۵)(n+۴)}{۲}=۳۶\Rightarrow(n+۵)(n+۴)=۷۲$$

$$\left.\begin{matrix}۷۲=۹\times۸\\(n+۵)(n+۴)=۷۲\end{matrix}\right\}\Rightarrow n=۴$$

$$\left.\begin{matrix}n(S)=\binom{۹}{۳}=\frac{۹\times۸\times۷\times۶!}{۳\times۲\times۱\times۶!}=۳\times۴\times۷=۸۴\\n(A)=\binom{۵}{۲}\times\binom{۴}{۱}=\frac{۵\times۴\times۳!}{۲\times۱\times۳!}\times۴=۱۰\times۴=۴۰\end{matrix}\right.$$

$$\Rightarrow\frac{n(A)}{n(S)}=\frac{۴۰}{۸۴}=\frac{۱۰}{۲۱}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۶ تا ۲۱)

۶- گزینهٔ «۲» *(رضا قانبابائی)*

برای این‌که دقیقاً دو نفر بین علی و رضا باشد، فاصلهٔ جایگاه آن‌هـا بایـد ۳ باشد.

$$\frac{۱}{},\frac{۲}{},\frac{۳}{},\frac{۴}{},\frac{۵}{},\frac{۶}{},\frac{۷}{},\frac{۸}{}\{(۱,۴),(۲,۵),(۳,۶),(۴,۷),(۵,۸)\}$$

پنج حالت برای انتخاب جایگاه‌ها داریم و علی و رضا نیز می‌توانند جایشان را عوض کنند.

$$۵\times۲=۱۰$$

از ۸ جایگاه دو جایگاه متعلق به رضا و علی و حسن نمی توانـد بـین آن دو نفر باشد، پس حسن می‌تواند در ۴ جایگاه قرار بگیرد.

۵ دانش‌آموز باقی‌مانده هم به $۵!$ حالت قرار می‌گیرند.

$$\text{تعداد حالت‌های مطلوب}=۱۰\times۴\times۵!$$

$$\text{تعداد کل حالت‌ها}=۸!$$

$$P=\frac{۱۰\times۴\times۵!}{۸!}=\frac{۱۰\times۴\times۵!}{۸\times۷\times۶\times۵!}=\frac{۵}{۴۲}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۶ تا ۲۱)

۷- گزینهٔ «۲» *(محمد اسدی)*

چون پیشامد $A'\cap B'$ را می‌خواهیم پس عدد باید هـم فـرد باشـد و هـم مضرب ۳ نباشد.

اعداد فرد بین ۱ تا ۲۰ عبارت‌اند از:

$$۱,۳,۵,۷,۹,۱۱,۱۳,۱۵,۱۷,۱۹$$

از میان آن‌ها ۳,۹,۱۵ مضرب ۳ هستند، بنابراین ۷ حالت مطلوب داریـم.

کل حالات $n(s)$ نیز ۲۰ تاست، پس:

$$P(A'\cap B')=\frac{۷}{۲۰}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۱۶ تا ۲۴)

ایران توشه — توشه‌ای برای موفقیت

۸- گزینهٔ «۳» *(سیدمحمدعلی مرتضوی)*

قرار است ۴ پیراهن از میان ۹ پیراهن انتخاب شود، پس داریم:

$$n(S)=\binom{9}{4}=\frac{9!}{4!5!}=\frac{9\times8\times7\times6}{4\times3\times2}=126$$

برای این‌که حداقل ۳ پیراهن آبی باشند، باید ۳ پیراهن آبی یا ۴ پیراهن آبی داشته باشیم:

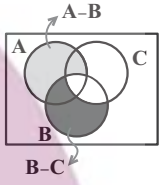
$$n(A)=\binom{4}{3}\times\binom{5}{1}+\binom{4}{4}=(4\times5)+1=21$$

$$\Rightarrow P(A)=\frac{n(A)}{n(S)}=\frac{21}{126}=\frac{1}{6}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحه‌های ۲۳ و ۲۴)

۹- گزینهٔ «۴» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

می‌دانیم که $B\cap C'=B-C$ و در شکل مشخص است که $(A-B)\cap(B-C)=\varnothing$، پس دو پیشامد $A-B$ و $B-C$ ناسازگار هستند.



(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحهٔ ۱۸)

۱۰- گزینهٔ «۱» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

سؤال گفته $P(A)=P(A')+0/25$؛ از طرفی می‌دانیم:

$$P(A)+P(A')=1\Rightarrow P(A')=1-P(A)$$

بنابراین: $P(A)=(1-P(A))+0/25\Rightarrow 2P(A)=1/25$

$$\Rightarrow P(A)=\frac{1/25}{2}=\frac{\frac{5}{4}}{2}=\frac{5}{8}$$

(ریاضی و آمار (۳)، آمار و احتمال، صفحهٔ ۲۳)

ریاضی و آمار (۱)

۱۱- گزینهٔ «۳» *(احمد حسن‌زاده‌فرد)*

$$f(x)=2(x+a)^2+b$$

عبارت داخل پرانتز $(x+a)^2$ مقداری مثبت است و حداقل مقدار آن برابر صفر است.

$$x+a=0\Rightarrow x=-a=-1\Rightarrow a=1$$

$$f(x)=2(x+1)^2+b\Rightarrow f(-1)=b=4$$

$$f(x)=2(x+1)^2+4\Rightarrow f(0)=2(0+1)^2+4=6$$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۶۶ تا ۷۰)

۱۲- گزینهٔ «۴» *(نسترن محمدی)*

عرض از مبدأ خط -1 است. نقطهٔ $\begin{bmatrix}-2\\-4\end{bmatrix}$ روی خط قرار دارد:

$$y=ax-1\xrightarrow{\begin{bmatrix}-2\\-4\end{bmatrix}}-4=-2a-1$$

$$\Rightarrow 2a=3\Rightarrow a=\frac{3}{2}$$

$$\Rightarrow y=\frac{3}{2}x-1\Rightarrow 2y=3x-2\Rightarrow 2y-3x=-2$$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۵۶ تا ۶۲)

۱۳- گزینهٔ «۳» *(عباس مالکی)*

دو تابع خطی وقتی در دو نقطه با هم برخورد داشته باشند بر هم منطبق‌اند یعنی ضابطهٔ دو تابع برابر است. بنابراین نقاط داده‌شده روی یک تابع خطی است. بنابراین:

$$\left.\begin{matrix}A\left|\begin{matrix}6\\20\end{matrix}\right.\\B\left|\begin{matrix}1\\5\end{matrix}\right.\end{matrix}\right\}\Rightarrow \text{شیب خط}=\frac{20-5}{6-1}=\frac{15}{5}=3$$

$$f(x)=3x+b\xrightarrow{B\left|\begin{matrix}1\\5\end{matrix}\right.}f(1)=3+b=5\Rightarrow b=2$$

$$\Rightarrow f(x)=3x+2$$

$$\Rightarrow f(-1)=3(-1)+2=-3+2=-1$$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۵۶ تا ۶۳)

۱۴- گزینهٔ «۴» *(هادی فولادی)*

عرض از مبدأ سهمی برابر ۱ است. بنابراین $c=1$ است زیرا:

$$\begin{bmatrix}0\\1\end{bmatrix}\in f\Rightarrow f(0)=1\Rightarrow c=1$$

همچنین $x=-2$ ریشه سهمی است، بنابراین $f(-2)=0$ می‌باشد، پس:

$$f(-2)=0\Rightarrow 4a-2b+1=0$$

$$\Rightarrow 4a-2b=-1$$

$$2a-b=\frac{-1}{2}\Rightarrow 2a-b-3=-3-\frac{1}{2}=-\frac{7}{2}$$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۶۳ تا ۷۰)

۱۵- گزینهٔ «۲» *(هادی فولادی)*

تابع خطی می‌تواند شیب مثبت یا شیب منفی داشته باشد. اگر:

الف) شیب مثبت باشد، ابتدای دامنه، ابتدای برد و انتهای دامنه، انتهای برد را می‌دهد. یعنی تابع خطی از نقاط $\begin{bmatrix}1\\1\end{bmatrix}$ و $\begin{bmatrix}3\\5\end{bmatrix}$ می‌گذرد.

$$y=ax+b\Rightarrow\begin{cases}1=a+b\\5=3a+b\end{cases}\Rightarrow a=2,b=-1$$

ب) شیب منفی باشد، در این حالت ابتدای دامنه، انتهای برد و انتهای دامنه، ابتدای برد را می‌دهد یعنی تابع از نقاط $\begin{bmatrix}1\\5\end{bmatrix}$ و $\begin{bmatrix}3\\1\end{bmatrix}$ می‌گذرد.

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

$$y=ax+b\Rightarrow\begin{cases}۵=a+b\\۱=۳a+b\end{cases}\Rightarrow a=-۲,\ b=۷$$

میانگین مقادیر قابل قبول برای b برابر خواهد بود با:

$$\frac{۷+(-۱)}{۲}=۳$$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۵۶ تا ۶۲)

۱۶- گزینهٔ «۴» *(علی حسینی‌نوه)*

برای به‌دست آوردن ماکسیمم سود روزانه ابتدا تابع سود را می‌نویسیم.

$$\text{سود}=\text{درآمد}-\text{هزینه}\ \begin{cases}\text{تابع درآمد}=۵۰۰x\\\text{تابع هزینه}=x^۲+۵۰x+۱۰۰\end{cases}$$

$$\text{سود}=۵۰۰x-(x^۲+۵۰x+۱۰۰)$$

$$\text{سود}=۵۰۰x-x^۲-۵۰x-۱۰۰$$

$$\text{سود}=-x^۲+۴۵۰x-۱۰۰$$

برای بدست آوردن ماکسیمم سود روزانه باید بدانیم که به‌ازای چه تعداد کالا سود، ماکسیمم می‌شود که از فرمول $x_S=\frac{-b}{۲a}$ بدست می‌آید.

$$x_S=-\frac{b}{۲a}=\frac{-۴۵۰}{-۲}=۲۲۵$$

با جایگذاری $x=۲۲۵$ در تابع سود، ماکسیمم سود روزانه بدست می‌آید.

$$y(۲۲۵)=-(۲۲۵)^۲+۴۵۰(۲۲۵)-۱۰۰=۵۰۵۲۵$$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحهٔ ۷۰)

۱۷- گزینهٔ «۴» *(شکیب رجبی)*

طول رأس سهمی از روی شکل $x_S=۱$ است.

از طرف دیگر $x_S=\frac{-\text{ضریب }x}{۲\times(\text{ضریب }x^۲)}$

$$\Rightarrow x_S=\frac{-a}{۲(-۳)}=۱\Rightarrow a=۶$$

پس سهمی به صورت $y=-۳x^۲+۶x+b$ خواهد بود.

و چون از نقطهٔ $\left|\begin{matrix}-۲\\۰\end{matrix}\right.$ هم عبور می‌کند، پس این نقطه هم در آن صدق می‌کند.

$$۰=-۳(-۲)^۲+۶(-۲)+b\Rightarrow b=۲۴$$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحه‌های ۶۳ تا ۷۰)

۱۸- گزینهٔ «۲» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

راه حل اول: از رابطهٔ $۴x+۲a=۱۲۰$، متغیر a را بر حسب x می‌یابیم:

$$۴x+۲a=۱۲۰\Rightarrow ۲a=۱۲۰-۴x\xrightarrow{\div ۲}a=۶۰-۲x$$

با جایگذاری a در عبارت $y=ax$ خواهیم داشت:

$$y=ax\xrightarrow{a=۶۰-۲x}y=(۶۰-۲x)x=-۲x^۲+۶۰x$$

بیشترین مقدار y یا همان عرض رأس سهمی برابر است با:

$$y_{max}=y_S=-\frac{\Delta}{۴a}=-\frac{۶۰^۲-۴(-۲)(۰)}{۴(-۲)}$$

$$=\frac{۶۰\times۶۰}{۴\times۲}=۱۵\times۳۰=۴۵۰$$

راه حل دوم: طبق نکتهٔ درس، با توجه به اینکه $۴x+۲a=۱۲۰$، زمانی ax ماکزیمم می‌شود که دو مقدار با هم برابر و هر کدام نصف مقدار ثابت باشند:

$$۴x=۲a=\frac{۱۲۰}{۲}=۶۰\Rightarrow\begin{cases}۴x=۶۰\Rightarrow x=\frac{۶۰}{۴}=۱۵\\۲a=۶۰\Rightarrow a=\frac{۶۰}{۲}=۳۰\end{cases}$$

$$\xrightarrow{y=ax}y_{max}=۳۰\times۱۵=۴۵۰$$

(ریاضی و آمار (۱)، تابع، صفحهٔ ۷۰)

۱۹- گزینهٔ «۳» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

شرکت x کالا تولید می‌کند و هر کالا را ۱۸۰ تومان می‌فروشد، بنابراین درآمد شرکت $R(x)=۱۸۰x$ است. تابع سود برابر است با:

$$\text{سود}=\text{درآمد}-\text{هزینه}\Rightarrow P(x)=R(x)-C(x)$$

$$\Rightarrow P(x)=۱۸۰x-(۱۲۰x+۴۰۰۰)=۶۰x-۴۰۰۰$$

می‌خواهیم سود $P(x)=۸۰۰۰$ شود، بنابراین:

$$P(x)=۸۰۰۰\Rightarrow ۶۰x-۴۰۰۰=۸۰۰۰\Rightarrow ۶۰x=۱۲۰۰۰$$

$$\Rightarrow x=\frac{۱۲۰۰۰}{۶۰}=۲۰۰$$

(ریاضی و آمار (۱)، معادلهٔ درجهٔ دوم، صفحهٔ ۷۰)

۲۰- گزینهٔ «۴» *(سیدمحمدعلی مرتضوی)*

تابع درآمد تولیدی به شکل زیر است:

$$R(x)=a\times x=ax$$

بنابراین می‌توان تابع سود را به‌دست آورد:

$$P(x)=R(x)-C(x)=ax-(x^۲+۱۰۰x+۳۰۰)$$

$$=-x^۲+(a-۱۰۰)x-۳۰۰$$

برای محاسبهٔ ماکسیمم تابع درجهٔ دو $P(x)$، ابتدا x رأس تابع را برابر ۲۰۰ قرار داده و a را به‌دست می‌آوریم:

$$x_S=\frac{-b}{۲a}=\frac{-(a-۱۰۰)}{۲(-۱)}=۲۰۰\Rightarrow a=۵۰۰$$

حال کافی است x_S را در تابع سود جایگذاری کنیم:

$$\text{حداکثر سود}=P(۲۰۰)=-(۲۰۰)^۲+۴۰۰(۲۰۰)-۳۰۰$$

$$=-۴۰۰۰۰+۸۰۰۰۰-۳۰۰=۳۹۷۰۰$$

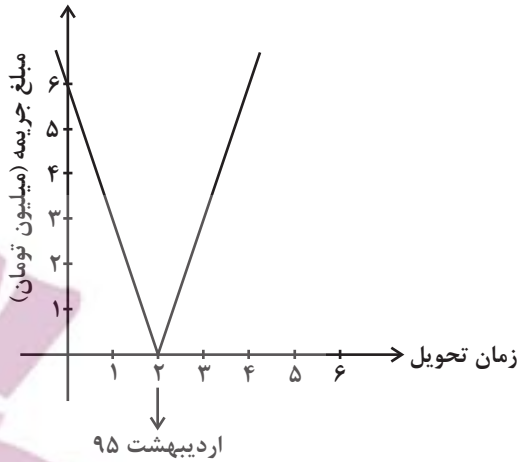
(ریاضی و آمار (۱)، معادلهٔ درجهٔ دوم، صفحهٔ ۷۰)

ایران توشه — توشه‌ای برای موفقیت

ریاضی و آمار (۲)

۲۱- گزینهٔ «۴» *(علی حسینی‌نوه)*

ابتدا نمودار را کامل تحلیل می‌کنیم.



پروژه در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۹۵ باید تحویل داده شود چون در این تاریخ پیمانکار جریمه نمی‌شود، اگر بعد از اردیبهشت‌ماه پروژه را تحویل بدهد باید جریمه بدهد و چون شیب خط ۳ است پس به‌ازای هر یکماه دیرکرد باید ۳ میلیون تومان جریمه بدهد همچنین اگر پروژه را زودتر هم تحویل بدهد باید جریمه بدهد و چون شیب خط ۳- است پس به‌ازای هر یکماه زودتر از موعود مقرر باید ۳ میلیون تومان جریمه بدهد.

گزینهٔ «۱»: تحویل پروژه در خرداد ماه سال ۹۵، یعنی پیمانکار یک ماه دیرتر پروژه را تحویل داده است و باید ۳ میلیون جریمه بدهد (درست)

گزینهٔ «۲»: طبق تحلیل پروژه در اردیبهشت‌ماه سال ۹۵ باید تحویل داده شود (درست)

گزینهٔ «۳»: شیب خط منفی دقیقاً به این اشاره دارد که اگر پروژه زودتر تحویل داده شود باید جریمه بدهد (درست)

گزینهٔ «۴»: اگر پیمانکار ۹ میلیون تومان جریمه شود، یعنی پروژه را سه ماه دیرتر یا سه ماه زودتر تحویل داده است پس پروژه در مرداد سال ۹۵ یا در بهمن ماه سال ۹۴ به اتمام رسیده است (نادرست)

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحهٔ ۴۱)

۲۲- گزینهٔ «۳» *(احمد حسن‌زاده فرد)*

$$[x]+[-x]=\begin{cases}0 & , \ x\in Z\\ -1 & , \ x\notin Z\end{cases}$$

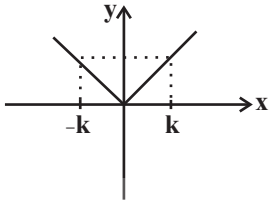
$$f(x)=\begin{cases}k-k+1=1 & , \ x\in Z\\ -1 & , \ x\notin Z\end{cases}$$

بنابراین نمودار گزینهٔ «۳» درست است.

(ریاضی و آمار (۲)، معادلهٔ درجهٔ دوم، صفحه‌های ۳۷ تا ۳۹)

۲۳- گزینهٔ «۴» *(محمد حمیدی)*

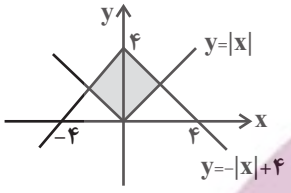
از نمودار تابع $f(x)=|x|$ نتیجه می‌گیریم که دامنهٔ f برابر $\mathbb{R}$ و برد آن برابر $\{y\geq 0\}$ است. ضمناً نمودار از نواحی اول و دوم می‌گذرد. از روی نمودار، معلوم است که $f(k)$ و $f(-k)$ همواره برابرند ولی رابطهٔ $f(kx)=kf(x)$ همواره برقرار نیست.



(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۴۰ تا ۴۴)

۲۴- گزینهٔ «۳» *(احمدرضا ذاکرزاده)*

ابتدا نمودار دو تابع را در یک دستگاه محورهای مختصات رسم می‌کنیم.



شکل بین دو نمودار یک مربع است. پس:

$$\text{مساحت مربع}=\frac{\text{مجذور قطر}}{2}=\frac{4\times 4}{2}=8$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۴۰ تا ۴۴)

۲۵- گزینهٔ «۲» *(علی قهرمان‌زاده)*

$$|x|+2ax-b\xrightarrow{x\geq 0}x+2ax-b=(1+2a)x-b$$

$$5[-x]+5[x]-\text{sign}(x)\xrightarrow[x\notin Z]{x<0}5\big([x]+[-x]\big)-\text{sign}(x)$$

$$=5(-1)-(-1)=-5+1=-4$$

باید دو ضابطه با هم برابر باشند:

$$(1+2a)x-b=-4$$

$$\begin{cases}1+2a=0\Rightarrow a=\frac{-1}{2}\\ -b=-4\Rightarrow b=4\end{cases}\Rightarrow ab=\frac{-1}{2}\times 4=-2$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۳۵ تا ۴۴)

۲۶- گزینهٔ «۲» *(هادی فولادی)*

می‌دانیم اگر تابع قدرمطلق به‌صورت $y=|x-a|+b$ باشد، (با فرض $a,b\geq 0$) باید نمودار تابع را a واحد به سمت راست و b واحد بالا ببریم با توجه به نمودار، تابع قدرمطلق ۲ واحد سمت راست رفته و به سمت بالا جابه‌جا نشده است. یعنی نمودار آن باید به صورت $y=|x-2|+0$ باشد، بنابراین $a=-2$ و $b=0$ است.

دقت کنید $f(0)=f(4)$ بنابراین $f(4)=|-2|$، چون از $x\geq 4$ ضابطهٔ تابع، تابع ثابت است، بنابراین $c=2$ می‌باشد و با توجه به نقطهٔ مرزی باید $d=4$ باشد.

$$\frac{b+c+d}{a}=\frac{0+2+4}{-2}=-3$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۴۰ تا ۴۴)

۲۷- گزینهٔ «۳» *(عارف بهرام‌نیا)*

ابتدا $f(x)$ را ساده‌تر می‌کنیم.

$$f(x)=[x]+[x]+ax=2[x]+ax$$

$$\begin{cases} f(\sqrt{2}+1)=2[\sqrt{2}+1]+a(\sqrt{2}+1)=4+a\sqrt{2}+a \\ f(\sqrt{2}-1)=2[\sqrt{2}-1]+a(\sqrt{2}-1)=a\sqrt{2}-a \end{cases}$$

$$\Rightarrow 4+a\sqrt{2}+a=a\sqrt{2}-a \Rightarrow 4=-2a \Rightarrow a=-2 \Rightarrow [-2]=-2$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۳۷ تا ۳۹)

۲۸- گزینهٔ «۱» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

با توجه به اینکه $3/14 \simeq \pi$، بنابراین $\pi-3$ عددی منفی است، بنابراین:

$$A=\frac{[2\pi]-\overbrace{\text{sign}(1-\sqrt{2})}^{\text{منفی}}}{\underbrace{|\pi-3|}_{+}-\pi}=\frac{\overbrace{[2\times 3/14]}^{6/28}-(-1)}{-(\pi-3)-\pi}$$

$$=\frac{6+1}{-\pi+3-\pi}=-\frac{7}{3}$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۳۴ تا ۴۴)

۲۹- گزینهٔ «۲» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

برای محاسبهٔ مالیات، ابتدا نمودار مالیات را رسم کرده و سپس مساحت زیر نمودار از $x=0$ تا $x=5$ را به دست می‌آوریم:



$$\text{مالیات}=S_1+S_2+S_3$$

$$=\%20(5-4/5)+\%17(4/5-3/5)+\%12(3/5-2/4)$$

$$=0/20\times 0/5+0/17\times 1+0/12\times 1/1$$

$$=0/1+0/17+0/132=0/402 \text{ میلیون تومان}=402000 \text{ تومان}$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحهٔ ۴۳)

۳۰- گزینهٔ «۲» *(سیدمحمدعلی مرتضوی)*

$$f(0)=[1]+[-1]=0$$

$$f(1/1)=[1/1]+[-1/1]=1+(-2)=-1$$

$$f(1/2)=[1/2]+[-1/2]=1+(-2)=-1$$

$$f(1/3)=[1/3]+[-1/3]=1+(-2)=-1$$

با توجه به روند فوق مشخص است که مقدار تابع $f(x)$ به‌ازای اعداد صحیح (مثل ۱) برابر با صفر است و به‌ازای اعداد غیرصحیح (مثل ۱/۱) برابر با -1 است، بنابراین داریم:

$$f(1)+\underbrace{f(1/1)+\ldots+f(1/9)}_{9\text{جمله}}+f(2)=0+(9\times -1)+0=-9$$

(ریاضی و آمار (۲)، تابع، صفحه‌های ۳۷ تا ۳۹)

علوم و فنون ادبی (۳) و (۱)

۳۱- گزینهٔ «۴» *(حسن اصحابی)*

ملک‌الشعرا پیش از انقلاب اسلامی و در دورهٔ معاصر ادب فارسی درگذشت. دورهٔ بازگشت، مشروطه و معاصر آخرین دوره‌های شعر فارسی در طبقه‌بندی بهار هستند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی، صفحهٔ ۶۱)

۳۲- گزینهٔ «۴» *(مجتبی فرهادی)*

موارد مربوط به گزینهٔ «۴» یعنی «ب و د» نادرست است.

«ب»: در توصیف پدیده‌ها بیشتر از تشبیه حسی بهره گرفته می‌شود.

«د»: شعر واقع‌گراست، اما ویژگی‌های زبانی مثل کاربرد دو نشانه برای یک متمم از ویژگی‌های زبانی سبک خراسانی است و در این دوره رواج دارد.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۶۲ و ۶۳)

۳۳- گزینهٔ «۱» *(مجتبی فرهادی)*

در ابیات گزینهٔ «۱» ویژگی سبک خراسانی دیده می‌شود (به‌ترتیب: قافیه و ردیف بسیار ساده (بیت «ب»)، کهنه و مهجوربودن برخی از لغات (ختنبر در بیت «هـ» و استفاده از دو حرف اضافه برای یک متمم در بیت «د»)

تشریح گزینه‌های دیگر:

الف) در سبک خراسانی برای توصیف پدیده‌ها از تشبیهات حسّی بهره گرفته می‌شود که در این بیت تشبیه (تو به عقل) از تشبیهات حسی نیست.

ج) معشوق در سبک خراسانی عمدتاً زمینی و در سبک عراقی آسمانی است که در بیت مورد نظر معشوق مربوط به سبک عراقی است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۶۲ و ۶۳)

۳۴- گزینهٔ «۳» *(هومن نمازی)*

این مورد مربوط به نثر دورهٔ سلجوقی و غزنوی است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۶۴ و ۶۵)

۳۵- گزینهٔ «۳» *(هومن نمازی)*

کلمهٔ «سورت» در عبارت سه بار تکرار شده است و این از ویژگی‌های نثر دورهٔ سامانی است.

ویژگی‌های گزینه‌های دیگر مربوط به نثر دورهٔ غزنوی و سلجوقی‌اند و در عبارت دیده نمی‌شوند.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، صفحه‌های ۶۴ و ۶۵)

۳۶- گزینهٔ «۲» *(عزیز الیاسی‌پور)*

در این عبارت، هدف اصلی نویسنده گزارش یک رویداد تاریخی است. ساختار «چون... و چون...»، افعال ساده‌ای مانند «فرستاد»، «پیش خواند» و «گفت» و نبودِ آرایه‌پردازی پیچیده، از ویژگی‌های نثر ساده (مرسل) حکایت دارد.

(علوم و فنون ادبی (۱)، سبک‌شناسی، ترکیبی)

ایران‌نوشه
توشه‌ای برای موفقیت

۳۷- گزینهٔ «۴» *(امیرحسین اشتری)*

بیت صورت سؤال طلوع خورشید را وصف می‌کند که در ابیات گزینه‌های «۱» تا «۳» هم همین تصویر را داریم، اما بیت گزینهٔ «۴» دربارهٔ طواف کعبه توسط همه موجودات است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: منظور از «یوسف زرین‌نقاب» خورشید است که از چاه بالا می‌آید و طلوع می‌کند.

گزینهٔ «۲»: «نیزه‌کشیدن آفتاب بر شب» همان طلوع آفتاب است.

گزینهٔ «۳»: «کوس سفر کوفت خواب» و «بال فروکوفت مرغ» نشان از رسیدن صبح دارند.

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهوم، صفحهٔ ۳۷)

۳۸- گزینهٔ «۱» *(محسن اصغری)*

مفهوم مشترک ابیات «الف» و «ج»: تجلی خداوند در موجودات عالم

مفهوم بیت «ب»: بیان اشتیاق عاشق برای دیدن چهرهٔ معشوق

مفهوم بیت «د»: توصیف زیبایی چهره و موی ممدوح یا معشوق

(علوم و فنون ادبی (۳)، مفهوم، صفحهٔ ۳۲)

۳۹- گزینهٔ «۴» *(محسن اصغری)*

در بیت صورت سؤال عاشق از معشوق می‌خواهد تا به او آزار ندهد و نسبت به او بی‌وفا نباشد؛ زیرا در صورت رنجیدن، او را ترک خواهد کرد، اما در بیت گزینهٔ «۴» مفهوم مقابل آن مطرح شده است؛ یعنی عاشق در مقابل آزار معشوق آزرده نخواهد شد.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: با بیت صورت سؤال قرابت مفهومی دارد.

گزینهٔ «۲»: به ترک تعلقات مادی و پرداختن دل از اغیار دعوت می‌کند.

گزینهٔ «۳»: عاشق به معشوق توصیه می‌کند در عشقش وفادار باشد.

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحهٔ ۶۹)

۴۰- گزینهٔ «۲» *(سعید جعفری)*

مفهوم بیت‌ها:

الف) دربارهٔ شور و شوق سراینده است برای رسیدن به زادگاهش.

ب) برای رسیدن به یار باید در برابر سختی‌ها تاب آورد.

پ) شاعر می‌گوید ما از خود چیزی نداریم و مثل نی و کوه، نوا و صدای ما از توست.

ت) خوشا به حال کسی که همواره سرخوش و سرزنده است.

(علوم و فنون ادبی (۱)، مفهوم، صفحه‌های ۷۷ و ۷۸)

۴۱- گزینهٔ «۳» *(سید علیرضا احمدی)*

در این بیت یک تشبیه وجود دارد: سراچهٔ دل (اضافهٔ تشبیهی)

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: تشبیه «تیر» به بلا، «دل» به هدف، «جفا» به تیغ، «جان» به سپر به‌صورت تشبیه فشرده به کار رفته است.

گزینهٔ «۲»: «گل بستان خرد» تشبیه فشردهٔ اضافی، «لفظ من مانند گل» تشبیه اسنادی، «باغ سخن» تشبیه فشردهٔ اضافی و «منطق من مانند بلبل» تشبیه اسنادی است.

گزینهٔ «۴»: مصراع اول دو تشبیه گسترده دارد؛ «بناگوش» به «مه» و «چراغ» تشبیه شده و «دل‌افروز بودن» وجه شبه است. «شب زلف» تشبیه فشردهٔ اضافی و «بناگوش چون شمع شبستان تافته است» تشبیه گسترده است.

(علوم و فنون ادبی، بیان)

۴۲- گزینهٔ «۴» *(سید علیرضا احمدی)*

الف) استعاره‌های مصرحه: کمند: مو / مه: صورت / بنفشه: کبودی صورت / گل: سرخی چهره

ب) استعاره‌های مکنیه: چشم مست / چشم شیرگیر

ج) لاله: استعارهٔ مصرحه از چهره

د) فاقد استعاره

(علوم و فنون ادبی، بیان)

۴۳- گزینهٔ «۱» *(سید علیرضا احمدی)*

بررسی ابیات:

ابیات دارای موازنه: ابیات «الف» و «د».

در بیت «الف»، برخی کلمات متناظر (مانند «مثل» و «کان») سجع متوازن دارند.

در بیت «د»، برخی کلمات دو مصراع تقابل سجع متوازن دارند؛ مانند «خصم» با «غیر» و «طرز» با «نظم».

ابیات دارای ترصیع: ابیات «ب»، «ج» و «هـ».

در این ابیات تمامی واژه‌های متناظر در دو مصراع تقابل سجع‌های متوازی دارند و ترصیع تشکیل داده‌اند.

(علوم و فنون ادبی، بدیع لفظی)

۴۴- گزینهٔ «۲» *(الهام محمدی)*

موازنه:

از	زمین	گویی	برآوردند	گنجِ	شایگان
در	چمن	گویی	پراکندند	درِّ	شاهوار

تشبیه: «گویی گنج شایگان برآوردند» و «گویی درّ پراکندند» (تشبیه ضمیر مستتر در افعال به گنج شایگان و درّ شاهوار)

تلمیح: اشاره به «گنج شایگان» که همان گنج بادآورده است که گنج دوم خسرو باشد.

(علوم و فنون ادبی، بیان و بدیع)

ایران توشه
توشه‌ای برای موفقیت

۴۵- گزینهٔ «۴» *(رضا رنجبری)*

در این بیت، آرایه‌های تلمیح، مجاز و موازنه مشاهده نمی‌شود.

توجّه: در برخی موارد، طراحان واژه‌هایی مثل «طوبی»، «سدره»، «چشمهٔ کوثر» و امثال آن را به‌عنوان تلمیحی به توصیف بهشت در نظر می‌گیرند، اما در اینجا صرفِ به‌کار رفتن واژهٔ «طوبی» به‌تنهایی بارِ تلمیحیِ ندارد؛ چون می‌تواند صرفاً نام یک درخت بهشتی باشد. بنابراین بهتر است از تلمیح گرفتن در این بیت صرف‌نظر کنیم.

بررسی موازنه: (واژه‌های «پیش» و «بر»، «شکرت» و «رهگذرت» سجع متوازن یا متوازی ندارند.)

طوطی	چو	سخن	گویی	پیش	شکرت	میرد
طوبی	چو	روان	گردی	بر	رهگذرت	میرد

بررسی سایر آرایه‌ها:

استعارهٔ مکنیّه (تشخیص): در تعبیر «مردنِ طوبی در رهگذار معشوق»، درخت بهشتیِ طوبی به‌صورت انسانی تصور شده که می‌تواند «بمیرد»؛ بنابراین به طوبی صفت یا فعلی انسانی نسبت داده شده و این از نوع استعارهٔ مکنیّه (تشخیص) است./ تشبیه: شاعر در دو سطح، برتری معشوق را بیان کرده است: ۱. در شیرین‌زبانی، معشوق را از طوطی برتر می‌داند.۲. در قد و قامت و زیبایی، معشوق را از طوبی برتر می‌شمارد. در نتیجه، این‌جا با «تشبیه تفضیل» روبه‌رو هستیم که در آن معشوق در دو ویژگی مختلف از دو چیز برتر دانسته شده است.

توجه: «شکر» استعارهٔ مصرحه از سخنان یار است و مجاز محسوب نمی‌شود. معمولاً مجاز به علاقهٔ مشبهه را فقط استعاره می‌گیرند، نه مجاز.

(علوم و فنون ادبی، بیان و بدیع)

۴۶- گزینهٔ «۱» *(رضا رنجبری)*

بررسی آرایه‌های هر مصراع:

مصراع اوّل: تشبیه: «لبِ یاقوت» (لب: مشبّه، یاقوت: مشبّه‌به) / استعاره: «لؤلؤ» استعارهٔ مصرّحه از دندان‌ها / «لالا» می‌تواند معنای «درخشان و تابان» و «غلام، بنده و خدمتکار» دهد، ولی با توجّه به معنای بیت، «غلام و نگهبان» مدنظر است.

نکته: در درس اوّل علوم و فنون دهم آموختیم که خواندن دقیق متن، نخستین گام مؤثّر در رویارویی با متن است و این امر بر درک محتوا تأثیر مستقیم دارد. بنابراین، خوانش صحیح بیت اوّل به این صورت است:«لؤلؤ، لبِ یاقوت تو را لالا شد.» در واقع نهاد جمله، «لؤلؤ» است. معنای مصراع: دندان‌های تو (لؤلؤ)، نگهبانِ لبِ هم‌چون یاقوت تو شدند.

مصراع دوّم: تشبیه: «گنجِ فقر» (مشبّه: فقر، مشبّه‌به:گنج) / تلمیح: «گنجِ روان» اشاره دارد به داستان گنجِ قارون/ دقّت کنید که «به» در معنای بهتر آمده است.

توجّه: «گنجِ روان» سازندهٔ تشبیه نیست! اگر «روان» در دو معنای «روح و روان» و «جاری» قابل پذیرش بود، می‌شد «گنجِ روان» را اضافهٔ تشبیهی گرفت.

نکته: قارون از خویشان حضرت موسی (ع) بود و به ثروتی افسانه‌ای شهرت داشت. گفته‌اند که او دانش کیمیاگری را از موسی آموخت و از این راه، مال و گنج فراوانی به دست آورد، امّا همین ثروت سبب غرور و سرکشی او شد. سرانجام، به دعای موسی، در حالی که بر گنج‌های خود تکیه زده بود، در زمین فرو رفت. بر اساس باورها، گنج‌های قارون همچنان در دل زمین در حرکت و فرورفتن‌اند؛ به همین دلیل، از آن‌ها با عنوان «گنجِ روان» یاد می‌شود.

مصراع سوّم: استعاره: «بیخِ ارادت» اضافهٔ استعاری است. / به یاد داشته باشید که هر گردی، گردو نیست و هرجایی که کلیدواژهٔ تلمیح‌ساز وجود داشت، به معنای وجود آرایهٔ تلمیح نیست. بلکه باید شاعر، اشاره یا گوشه‌چشمی به داستان مورد نظر بکند. در این مصراع، «خلیل» به معنای «دوست و محب» آمده و به حضرت ابراهیم (ع) اشاره‌ای ندارد.

مصراع چهارم: تشبیه: در این بیت به صورت پنهان، شاعر لبِ شیرین (معشوقه) را بر شکر (مادهٔ بلورین و سفید) برتر دانسته است. ← تشبیه تفضیل یا مرجّح / استعاره: «عقیق» استعارهٔ مصرّحه از لب/ دقّت کنید که «شکر» سازندهٔ استعاره نیست و در معنای حقیقی خود به کار رفته است./ تلمیح: اشاره به داستان خسرو و شیرین

مصراع پنجم: تشبیه: عنکبوت‌آسا (تشبیه گسترده - «آسا» ادات تشبیه است.)/ استعاره: این‌که چیزی همچون عنکبوت جوانمردی کند و خبر بدهد، استعارهٔ مکنیّه و تشخیص است./ تلمیح: این مصراع به ماجرای هجرت حضرت محمد (ع) اشاره دارد که ایشان همراه ابوبکر برای در امان ماندن از کافران در غار ثور پنهان شدند؛ در این هنگام عنکبوت بر دهانهٔ غار تار تنید و کبوتری در آنجا تخم گذاشت و همین نشانه‌ها باعث شد دشمنان گمان کنند کسی وارد غار نشده است، بنابراین بازگشتند و پیامبر از خطر نجات یافت. («نِعمَ الفَتی» یک ترکیب عربی و معنای «چه جوانمرد خوبی!» می‌دهد و فاقد تلمیح است.)

(علوم و فنون ادبی، بیان و بدیع)

۴۷- گزینهٔ «۳» *(رضا رنجبری)*

در این بیت، استعارهٔ مصرّحه مشاهده نمی‌شود. معنای بیت: شاعر می‌گوید: همان‌طور که بیمار با رسیدن به سلامت و درمان آرامش و نجات پیدا می‌کند، جانِ عاشق نیز فقط با آمیزش و وصلِ یار به آرامش واقعی می‌رسد.

بررسی موازنه: متناظر واژهٔ «بیمار» در مصراع دوم، دو واژه داریم (ای یار)، بنابراین بیت موازنه هم ندارد.

جانم	به چه	آرامد	ای یار	به	آمیزش
صحّت	به چه	دریابد	بیمار	به	آمیزش

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: تلمیح: اشاره به داستان باغ ارم یا بهشت شدّاد/ استعاره: گوهر استعاره از علم و معرفت

نکته: «باغ ارم» یا همان «بهشت شدّاد»، بر اساس آیات ۶ و ۷ سوره فجر با تعبیر «ارم ذات‌العماد» به قوم عاد اشاره دارد؛ قومی نیرومند و باشکوه که با وجود قدرت و تمدن، به سبب سرکشی و غرور دچار عذاب الهی شدند. در روایات و منابع ادبی، «شدّاد بن عاد» پادشاهی مغرور و خودکامه معرفی می‌شود که پس از شنیدن توصیف بهشت، تصمیم گرفت نمونه‌ای از آن را بر روی زمین بسازد. او با جمع‌آوری جواهرات و مصالح گران‌بها، شهری بسیار باشکوه و افسانه‌ای ایجاد کرد که به «ارم» شهرت یافت. این شهر در توصیف‌ها، دارای باغ‌های سرسبز، نهرهای روان، قصرهای متعدد و دیوارهایی از طلا، نقره و سنگ‌های قیمتی مانند یاقوت و زمرد دانسته شده و ساخت آن را بسیار طولانی و شگفت‌انگیز نقل کرده‌اند، اما به دلیل سرپیچی شدّاد و قومش از دعوت پیامبرشان حضرت هود (ع)، در نهایت با عذاب الهی نابود شدند و آن شهر افسانه‌ای نیز از میان رفت یا از دید انسان‌ها پنهان گردید.

گزینهٔ «۲»: تلمیح: اشاره به داستان هاروت و ماروت و چاه بابل / تشبیه: رخِ معشوق به گل مانند شده و از آن برتر دانسته شده است (تشبیه تفضیلی)؛ همچنین ذقنِ (زنخدان، چانه) معشوق به چاهِ بابل تشبیه شده و برتری آن نسبت به چاهِ بابل القا شده است (تشبیه تفضیلی). «چاهِ ذقن» نیز اضافهٔ تشبیهی است.

نکته: هاروت و ماروت دو فرشته در روایات اسلامی هستند که به شهر بابل فرستاده شدند تا در میان مردم زندگی کنند و ماهیت گناه و جادو را به انسان‌ها نشان دهند و به آن‌ها آموزش دهند، در حالی که مأمور بودند از گناهان بزرگی مثل شرک، قتل، زنا و شراب‌خواری دوری کنند، اما در برخی روایت‌ها آمده که این دو فرشته در برخورد با انسان‌ها دچار لغزش شدند و به وسوسه افتادند و حتی دلباختهٔ زنی به نام زهره (بیدخت / آناهید) شدند و شرط‌هایی را شکستند و مرتکب گناه شدند. در نتیجه خداوند آن‌ها را دچار عذاب کرد و گفته می‌شود در بابل به صورت وارونه در چاهی گرفتار شدند و تا روز قیامت در همان حالت در عذاب باقی می‌مانند.

گزینهٔ «۴»: تشبیه: یار تو را مانند شمع بکشد.

بررسی موازنه: فاقد موازنه

گَر	چو	شمعت	بکشد	یار	ازو	روی	متاب
ور	چو	چنگت	بزند	دوست	ز	دستش	مخروش

(علوم و فنون ادبی، بیان و بدیع)

۴۸- گزینهٔ «۱» *(یاسین مهریان)*

بیت، فاقد موازنه است؛ زیرا «دادن و ملک» و «جان و جهان» هم‌وزن نیستند و سجع متوازی یا متوازن، و هم‌چنین آرایهٔ موازنه رد می‌شود. / استعارهٔ مکنیه: خیمه‌زدن عشق تشخیص و استعارهٔ مکنیه دارد.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: تلمیح: اشاره به ماجرای فرهاد کوه‌کن و شیرین / مجاز: «دل» مجاز از «ذهن و فکر»

گزینهٔ «۳»: تشبیه: شاعر به‌صورت پنهانی و تفضیلی، «معشوق» را به «حور» تشبیه کرده است و از آن برتر و زیباتر دانسته است. / مراعات نظیر: «روز جزا، حور و جنان»

گزینهٔ «۴»: استعاره: اینکه بلبل دل داشته باشد، تشخیص و استعارهٔ مکنیه است. / تشبیه: «تیغ زبان»: اضافهٔ تشبیهی

(علوم و فنون ادبی، بیان و بدیع)

۴۹- گزینهٔ «۳» *(یاسین مهریان)*

استعاره: «الف»: «چشم نرگس» و «دهان باغ»: اضافهٔ استعاری

تلمیح: «هـ»: اشاره به ماجرای منصور حلاج

تشبیه: «د»: بذر و تخم آتش دوزخ، شراره‌های حسد هستند.

مجاز: «ب»: «چمن» مجاز از باغ

کنایه: «ج»: «به جان رساندن» کنایه از بیچاره کردن

(علوم و فنون ادبی، بیان و بدیع)

۵۰- گزینهٔ «۱» *(الهام محمدی)*

ج: تشبیه: «گردباد روح مجنون است»

د: «چشم» دوم مجاز از نگاه

هـ: ترصیع:

برگ	بی‌برگی	بود ما را	نوال
مرگ	بی مرگی	بود ما را	حلال

الف: موازنه:

مضمر	اندر	سخنش	هرچه	قضا	را	مقدور
مدغم	اندر	قلمش	هرچه	فلک	را	اسرار

ب: تلمیح به داستان حضرت یوسف (ع) دارد. (واژه‌های زندان (به زندان رفتن حضرت یوسف) و چاه (به چاه انداخته‌شدن او به دست برادرانش)، اشاره به این داستان دارد.)

(علوم و فنون ادبی، بیان و بدیع)

۵۱- گزینهٔ «۴» *(کتاب آبی پیمانه‌ای - خارج از کشور ۸۹)*

نا	دان	هـَ	مِ	جا	با	هـَ	مِ
-	-	U	U	-	-	U	U
چُن	غر	قِ	بِ	هر	چِ	دیـ	د
-	-	U	U	-	U	-	U

کس	آ	میـ	زد
-	-	-	-
دسـ	تا	ویـ	زد
-	-	-	-

(علوم و فنون ادبی، موسیقی شعر)

۵۲- گزینهٔ «۲» *(محسن رضوی)*

وزن این مصراع فعولن فعولن فعولن فعولن است. یعنی ۴ پایهٔ آوایی دارد به صورت زیر:

چ نین دو	ر از خی	ش بی گا	نِ گش تم

بنابراین طبق خوانش صحیح همزهٔ «از» در خط عروضی حذف نمی‌شود.

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: مفاعیلن مفاعیلن فعولن مطابق گزینه. به حذف همـزه (از و آن) و تجزیهٔ هجای کشیده دقت شود.

گزینهٔ «۳»: فاعلاتن فاعلاتن فاعلن. به نمایش تشدید در خط عروضی توجه شود.

گزینهٔ «۴»: فعولن فعولن فعولن فعـل. بـه تجزیـهٔ هجـای کشـیده در خـط عروضی توجه شود.

(علوم و فنون ادبی، موسیقی شعر)

۵۳- گزینهٔ «۳» *(محسن رضوی)*

مصراع اول:

سار / رِ / وان / با / رِ / مَـ / نُفـ / تاد / خُ / دا / را / مَـ / دَ / دی (چهارده هجا)

مصراع دوم:

کِـ / اُ / می / دِ / کَـ / رَ / مَم / هَمـ / رَ / هِ / این / مَحـ / مِل / کرد (چهارده هجا)

دقت کنید که هجای کشیدهٔ «تاد» در مصراع اول و هجای کشـیدهٔ «کـرد» در مصراع دوم به همین صورت کشیده تلفظ می‌شوند و یک هجـا محسـوب می‌شوند، اما در تقطیع برای «تاد» در میان مصراع علامت « U – » و بـرای «کرد» در انتهای مصراع علامت «-» قرار می‌گیرد (بلند محسوب می‌شود.)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: مصراع اول ۱۱ هجا ـ مصراع دوم ۱۲ هجا

گزینهٔ «۲»: مصراع اول ۱۴ هجا ـ مصراع دوم ۱۵ هجا

گزینهٔ «۴»: مصراع اول ۱۲ هجا ـ مصراع دوم ۱۱ هجا

(علوم و فنون ادبی، موسیقی شعر)

۵۴- گزینهٔ «۳» *(اکبر یعیوی)*

علامت هجاهای بیت، چهار بار (U – – –) است و واژه‌ها فاقد حذف همزه‌اند:

مَ نِ آ زُر	دِ دِل را کَسَ	گِ رِه از کا	رنگ شا ید
مَـ گَر اِی اَش	کِ غم اِم شَب	تُ از دِل عُق	دِ بگ شا یی

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) خط عروضیِ هر سه واژه مطابق قواعد خط عروضی نوشته شده است.

۲) در مصراع نخست، «و» عطف باید به صورت «ـُ» نوشـته شـود («جِسـمُ جان») و در مصراع دوم، «خویش» بایـد «خـیش» نوشـته شـود؛ بنـابراین، تعداد خطاها برابر است.

۴) در مصراع «آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا»، هجـای آغـازین «آ» و هجای پایانی «را» در تقطیـع عروضـی، هـر دو بـا علامـت «-» نشـان داده می‌شوند.

(علوم و فنون ادبی، موسیقی شعر)

۵۵- گزینهٔ «۳» *(اکبر یعیوی)*

ابیات «ب» و «د» دارای اوزان ناهمسان و قابل دسته‌بندی هجایی دوگانه هستند:

ب) مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلن (مستفعلن مفاعِلُ مفعولن)

د) مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن (مستفعلن مفاعِلُ مستفعلن فَعَل)

بررسی سایر بیت‌ها:

الف) فاعلاتُ مفعولن فاعلاتُ مفعولن (فـاعلن مفـاعیلن فـاعلن مفـاعیلن) از اوزان همسان دولختی و قابل دسته‌بندی هجایی دوگانه است.

ج) «مستفعلن فاعلاتن مستفعلن فاعلاتن» از اوزان همسان دولختی است.

هـ) «فاعلاتن مفاعلن فعلن» از اوزان ناهمسان است، اما فقط به یـک شـیوهٔ هجایی قابل دسته‌بندی است.

(علوم و فنون ادبی، موسیقی شعر)

۵۶- گزینهٔ «۱» *(محسن رضوی)*

گزینهٔ «۱»: وزن: مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن یا مستفعلن مفاعل مستفعلن فعل (ناهمسان)

هجای کشیده ندارد. دقـت کنیـد خـوانش «بـخ تـین» و «حَ سـو دُ» باعـث می‌شود هجای کشیده‌ای باقی نماند.

گزینهٔ «۲»: وزن: مانند گزینهٔ «۱» و ناهمسان

هجای کشیده: فقط «ایم» در شکسته‌ایم

گزینهٔ «۳»: وزن: مفتعلن فاعلات مفتعلن فع (ناهمسان)

هجای کشیده: فقط گنج (دقت کنید «ترک» یک هجای کشیده نیست، «تر کِ» دو هجاست.)

گزینـهٔ «۴»: وزن: مفـاعلن فعلاتـن مفـاعلن فعلاتـن (همسـان دولختـی) هجای کشیده: فقط «هشت» در «بهشت». «دستِ و مسـتِ و رویِ» همگـی کسره دارند و دو هجا هستند!

(علوم و فنون ادبی، موسیقی شعر)

۵۷- گزینهٔ «۴» *(رضا رنجبری)*

بیت در وزنِ «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» یا «مستفعلن مفاعل مستفعلن فعل» سروده شده است.

تشبیه فشرده: شاعر لعل (لب) را به صورت پنهان، در باریکی به رشتهٔ مـریم مانند کرده است./ تشبیه گسترده: سوزن مسیح (مشبّه) شـکلِ (ادات) میـان یار (مشبّه‌به) است.

توجّه: رشتهٔ مریم از این جهت به‌کار مـی‌رود کـه بـه مـریم (مـادر حضـرت عیسی) پیشهٔ خیاطی نسبت داده‌اند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: بیت در وزنِ همسانِ «فعلاتن فعلاتن فعلاتن فعلن» سروده شده است، بنابراین نمی‌تواند پاسخ ما باشد./ تشبیه فشرده: زمینِ دل ← زمینِ جان/ تشبیه گسترده: «دانهٔ مهر» اضافهٔ تشبیهی است که با وجه‌شبه (کاشتن) همراه شده و تشبیه فشرده تبدیل به گسترده شده است. (مهر و محبّت همچون دانه‌ای قابل کاشتن در زمینِ دل و جان است.)

نکته: با آن‌که اغلبِ اضافه‌های تشبیهی در حکمِ تشبیه بلیغ‌اند، در برخی موارد، همین ترکیب اضافی می‌تواند وجه‌شبه را نیز در کنار خود جای دهد. در این حالت، با یک تشبیه گسترده روبه‌رو هستیم که به‌صورت فشرده در قالب اضافه بیان شده است.

مثال:کنار نام تو لنگر گرفت کشتیِ عشق / بیا که یاد تو آرامشی است طوفانی

در ترکیبِ «کشتیِ عشق»، «عشق» به «کشتی» تشبیه شده است و «لنگر گرفتن» وجه شباهت میان آن دو است.

مثال از کنکور ۱۴۰۴: گفتم که برپرم سوی بام سرای او / چه سود، مرغِ همتِ من بال و پر نداشت

در «مرغِ همت»، «همت» به «مرغ» تشبیه شده و «نداشتنِ بال و پر» وجه شباهت این دو محسوب می‌شود.

توجّه: گاهی صفتی که در کنارِ مشبّه‌به آمده است، در حقیقت به مشبّه نیز قابل نسبت است و می‌توان آن را وجه شبه در نظر گرفت.

مثال از کنکور ۱۴۰۴: خوش آن روزی که بینم باغِ خشکِ آرزویم را / به جادوی بهار خنده‌هایت می‌شکوفانی

در «باغِ خشکِ آرزو»، «آرزو» به «باغ» تشبیه شده است و «خشک و بی‌ثمر بودن» وجه شباهت میان آن‌هاست.

گزینهٔ «۲»: بیت در وزنِ «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» یا «مستفعلن مفاعل مستفعلن فعل» سروده شده است./ تشبیه فشرده: ندارد/ تشبیه گسترده: گوهر (استعاره از دندان = مشبّه) همچون (ادات) اشک عاشقان (مشبّه‌به) لطیف و آبدار (وجه‌شبه) است./ توجّه: لعل بدخشان استعاره از لب است.

گزینهٔ «۳»: بیت در وزنِ «مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ مستف» یا «مفعول مفاعیل مفاعیل فعولن» سروده شده است./ تشبیه فشرده: ندارد./ تشبیه گسترده: ریاضت‌کشان و سجاده‌نشینان (مشبّه) همچو (ادات) ملک (مشبّه‌به) سر بر سماوات برآرید (وجه‌شبه)

نکته: ادات تشبیه واژه‌ای است که آن را برای بیان شباهت میان دو پدیده به‌کار می‌بریم.

رایج‌ترین ادات تشبیه عبارت‌اند از: سا، آسا، سار، سان، آنه، ین، دیس، فام، فَش، وَش، وار، واره، نما، مانا، ماناک، به‌سانِ، برسانِ، به‌کردارِ، به‌صورتِ، به‌شکلِ، به‌منزلهٔ، به‌شیوهٔ، به‌گونهٔ، به‌هیئتِ، در حُکمِ، چون، چونان، چنان، همچون، گون (گونه)، گو، گویی، گوییا، گفتی، پنداری، انگار، شبه، شبیه، شکل، رنگ، صفت، مثل، مثال، عین، نظیر، مانستن، مانند، همانند و ...

(توجّه: پسوندهای شباهت همیشه به «مشبّه‌به» متّصل می‌شوند.)

یادآوری: در برخی اوزان عروضی، امکانِ بیش از یک نوع دسته‌بندی هجایی (برش آوایی) وجود دارد. از مهم‌ترینِ این موارد، اوزانی هستند که با «مفعولُ» (– – U) آغاز می‌شوند که قابلیت دسته‌بندی به دو صورت متفاوت را دارند. توجّه: اگر ساختار وزن، بر پایهٔ تکرارِ «مستفعلن» (– – U –) شکل گرفته باشد، تنها یک نوع دسته‌بندی هجایی خواهیم داشت. در عین حال، این ویژگی به اوزانِ آغازشونده با «مفعولُ» محدود نیست؛ برخی اوزان دیگر نیز، با وجود تفاوت در آغاز، قابلیت دسته‌بندی هجایی به دو شیوه را دارند که این نکته در کنکور اردیبهشت ۱۴۰۴ مورد توجّه قرار گرفته است.

(علوم و فنون ادبی، بیان و موسیقی شعر)

۵۸- گزینهٔ «۳» *(رضا رنجبری)*

وزن گزینهٔ «۳»، «مستفعل مستفعل مستفعل فع» یا «مفعول مفاعیل مفاعیل فعل» است و در حالت همسان، با حذف یک هجای «فَع» از پایان مصراع، یک رکن کم می‌شود.

یادآوری: نظم همسان بر نظم ناهمسان برتری دارد و وزن بیت را بهتر نشان می‌دهد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: وزن بیت، «مستفعل مستفعل مستفعل مستف» یا «مفعول مفاعیل مفاعی (فعولن)» است. ← با حذف یک هجا از «مستف» یا «فعولن»، یک رکن کم نمی‌شود.

گزینهٔ «۲»: وزن بیت، «مستفعلن مفاعل مستفعلن فعل» یا «مفعول فاعلات مفاعیل فاعلن» است. ← با حذف یک هجا از «فعل» یا «فاعلن»، یک رکن کم نمی‌شود.

گزینهٔ «۴»: وزن بیت، «مفاعلن فاعلن مفاعلن فاعلن» است. ← با حذف یک هجا از «فاعلن»، یک رکن کم نمی‌شود.

یادآوری: ارکان عروضی چیست؟ همان‌طور که در صرف عربی، قوالبی برای کلمات اختراع کرده‌اند (همهٔ کلمات را با «ف – ع – ل» می‌سنجند)، در عروض عرب و فارسی نیز برای کلمات (یا مجموعهٔ چند هجای کوتاه و بلند) قوالبی وضع کرده‌اند. مثلاً می‌گویند «کودکی» بر وزن فاعلن (– U –) است. بنای این قوالب بر «ف - ع - ل» است و البته این قرارداد است و می‌توان به‌جای آن هر معادل دیگری را به‌کار برد. بعد از تقطیع اشعار به هجاها، با توجّه به جدول ارکان، به‌جای هرچند هجا، یک رکن قرار می‌دهیم. به این عمل، رکن‌بندی می‌گویند. برای مثال: مستفعلن، فعلاتن، مفاعیلن، مفعول و ...

(علوم و فنون ادبی، موسیقی شعر)

۵۹- گزینهٔ «۱» *(رضا رنجبری)*

بررسی وزن مصراع‌های «ب» و «و»:

پایه‌های آوایی	چُ	عُم	رِ	نَفس		پَ	رَس	تان
	چُ	جا	نُ	دِل	زِ	مِ	یِ	عشـ
نشانه‌های هجایی	U	–	U	–	U	U	–	–
وزن	مفاعلن			فعلاتن				

پایه‌های آوایی	کِ	بَر	مَ	حال		گُ	ذَش	تان
	ق	دوش		جوش		بَ	را	وَرد
نشانه‌های هجایی	U	–	U	U	–	U	–	–
وزن	مفاعلن			فعلاتن				

بررسی وزن مصراع «ج»:

پایه‌های آوایی	بِ	رَن	گِ	زَرد		قِ	نا	عَت
نشانه‌های هجایی	U	–	U	U	–	U	–	–
وزن	مفاعلن			فعلاتن				

پایه‌های آوایی	کُ	نَز	رِ	یا	ضِ	جَ	هان
نشانه‌های هجایی	U	–	U	–	U	U	–
وزن	مفاعلن			فعلن			

بررسی وزن سایر مصراع‌ها:

الف) فعولن فعولن فعولن فعل

د) فعلاتن مفاعلن فعلن

هـ) مفاعیل مفاعیل مفاعیل فعولن

(علوم و فنون ادبی، موسیقی شعر)

۶۰- گزینهٔ «۴» *(سید علیرضا احمدی)*

مفهوم بیت بیان‌شده در گزینهٔ «۴»: بیم دادن معشوق توسط عاشق که اگر موجب رنجش دل وی گردد برای همیشه او را ترک خواهد کرد و سفر بی‌بازگشتی خواهد داشت./ مفهوم بیت صورت سؤال: دلی که شیفتهٔ جمال یار شود هرگز از او جدا نمی‌شود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: مصراع بیان‌شده و ابیات، بر وزن «مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن» سروده شده‌اند.

گزینهٔ «۲»: رکن تکرار شده «مفاعلن» است و از چهار هجا (U – U –) تشکیل شده است. همچنین در اوزان ناهمسان، وزن‌واژه‌ها ناهمگون‌اند.

گزینهٔ «۳»: مراعات نظیر: «کبوتر، پراندن، باز» و «ناوک، جوشن، کمان، تیر» / جناس: باز (نوعی پرنده)، باز (دوباره و مجدد)/ تشبیه: حسن (مشبه) را مانند باز (مشبه‌به) به پرواز درآوردن (وجه‌شبه) ← تشبیه گسترده/ تشبیه فشرده: کبوترِ دل، ناوکِ ناز، جوشنِ جان (اضافهٔ تشبیهی) - کمان‌ابروان (درون‌واژه‌ای)

(علوم و فنون ادبی، موسیقی شعر، بیان و بدیع و مفهوم)

جامعه‌شناسی (۳)

۶۱- گزینهٔ «۱» *(سید آرش مرتضائی‌فر)*

علوم اجتماعی زمینهٔ فهم متقابل انسان‌ها و جوامع مختلف از یکدیگر را فراهم می‌سازد و به افزایش همدلی و همراهی انسان‌ها کمک می‌کند. علوم اجتماعی با داوری دربارهٔ پدیده‌های اجتماعی و انتقاد از آنها فرصت موضع‌گیری اجتماعی مناسب و صحیح را برای دانشمندان فراهم می‌آورد.

(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحهٔ ۱۳)

۶۲- گزینهٔ «۴» *(آزیتا بیدقی)*

- علوم طبیعی را به دلیل اینکه ابزار تسلط انسان بر طبیعت و ابزار رهاسازی انسان از محدودیت‌های طبیعی‌اند علوم ابزاری می‌گویند.
- قواعد اجتماعی از طریق ساختار اجتماعی، با هم مرتبط، سازگار و هماهنگ می‌شوند.
- رشد جمعیت از جمله تغییراتی است که یک نظام اجتماعی در خود ایجاد می‌کند.

(جامعه‌شناسی (۳)، ترکیبی، صفحه‌های ۱۵، ۲۳ و ۲۴)

۶۳- گزینهٔ «۲» *(جوار جلیلیان)*

نظام اجتماعی یک ساختار اجتماعی پویاست.

(جامعه‌شناسی (۳)، ترکیبی، صفحه‌های ۱۳، ۱۶، ۲۰ و ۲۴)

۶۴- گزینهٔ «۳» *(ریحانه امینی)*

- در جامعه‌شناسی براساس دوری و نزدیکی به علوم طبیعی رویکردهای مختلفی شکل گرفته است.
- در زندگی ما انسان‌ها نظم‌های پنهان و شگفت‌انگیزی وجود دارد که با آشنایی‌زدایی از امر مأنوس می‌توان آنها را کشف کرد.

(جامعه‌شناسی (۳)، ترکیبی، صفحه‌های ۱۶، ۲۰ و ۲۱)

۶۵- گزینهٔ «۳» *(محمدمهدی یعقوبی)*

به گفتهٔ گیدنز گردشگران غربی وقتی برای نخستین بار از یک کشور مسلمان دیدن می‌کنند، از صدای اذان که روزی پنج مرتبه از مناره‌ها به گوش می‌رسد شگفت‌زده می‌شوند. این صدای زیبا و گیرا برای اکثر غربی‌ها نامأنوس اما برای ساکنان محلی جزئی از زندگی روزمره است.

(جامعه‌شناسی (۳)، نظم اجتماعی، صفحهٔ ۲۱)

۶۶- گزینهٔ «۲» *(یاسین ساعدی)*

نظم اجتماعی پیش‌بینی رفتار دیگران و همکاری با آنها را امکان‌پذیر می‌نماید.

(جامعه‌شناسی (۳)، نظم اجتماعی، صفحهٔ ۲۱)

۶۷- گزینهٔ «۱» *(سینا غلامی)*

- مدیریت و مردم‌شناسی جزء علوم اجتماعی هستند.
- رهاسازی انسان از ظلم‌ها و اسارت‌ها یکی از فواید علوم اجتماعی است.
- اگر ساختار اجتماعی را به خودرویی تشبیه کنیم که در یک جا پارک شده، نظام اجتماعی همان خودرو است که روشن شده و در حرکت است.

(جامعه‌شناسی (۳)، ترکیبی، صفحه‌های ۱۳، ۱۶ و ۲۴)

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

۶۸- گزینهٔ «۴» *(سید آرش مرتضائی‌فر)*

علوم انسانی به‌دلیل این‌که به فهم معانی کنش‌های انسان‌ها می‌پردازد، علوم تفهمی نامیده می‌شوند.

(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحهٔ ۱۵)

۶۹- گزینهٔ «۳» *(آزیتا بیدقی)*

تصویر بهتری از خود برای آیندگان به جا بگذارد ← شناخت و فهم معانی کنش‌های آدمیان و پیامدهای آن‌ها

استفاده از دینامیت ← تسلط بر طبیعت

بدون آسیب رساندن به ساختمان‌های اطراف ← نشان دادن شیوهٔ صحیح استفاده از علوم طبیعی و دانش‌های ابزاری

(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحه‌های ۱۳ و ۱۴)

۷۰- گزینهٔ «۱» *(مبیناسادات تاجیک)*

ـ علوم طبیعی از حوادث طبیعی پیشگیری می‌کند تا بر طبیعت تسلط یابد.

ـ علوم اجتماعی تلاش می‌کنند نظم و قواعد جهان اجتماعی را کشف کنند تا تأثیر اجتماعات بر زندگی انسان را توضیح دهند.

(جامعه‌شناسی (۳)، علوم اجتماعی، صفحه‌های ۱۳ و ۱۵)

جامعه‌شناسی (۱)

۷۱- گزینهٔ «۳» *(سید آرش مرتضائی‌فر)*

بخش اول گزاره دقیقاً متن کتاب و صحیح است؛ اما نتیجه‌گیری بخش دوم («از این‌رو، حق و باطل بر مدار بینش و گرایش جهان‌های اجتماعی دچار تغییر و دگرگونی می‌شود») غلط است، زیرا جهان‌های اجتماعی می‌توانند بر مدار حق یا باطل بچرخند، اما حق و باطل بر مدار بینش و گرایش آن‌ها دچار تغییر نمی‌شود.

رد سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: هر دو بخش غلط است (آرمان‌های جهان اجتماعی در ارزش‌ها متبلور می‌شوند و مرز میان آنها متغیر است و به عمل مردم بستگی دارد).

گزینهٔ «۲»: هر دو بخش صحیح است.

گزینهٔ «۴»: هر دو بخش صحیح است.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۵۶ تا ۶۱)

۷۲- گزینهٔ «۲» *(مهراد کرمی)*

بررسی بخش اول: بر اساس متن کتاب، برنامه‌ریزان فرهنگی از طریق «تعلیم و تربیت» تلاش می‌کنند زمینه تحقق بیشتر آرمان‌ها و ورود آن‌ها به قلمرو واقعی را مهیا کنند.

بررسی بخش دوم: روش‌های اجرایی و فنون (مثل شیوهٔ مداوای بیماران) لایه‌هایی هستند که با «علوم تجربی» داوری می‌شوند؛ اما حق و باطل بودن عقاید و ارزش‌های کلان با روش‌های تجربی قابل شناخت نیست و نیازمند «عقل و وحی» است.

بررسی بخش سوم: امنیت در کشور آشوب‌زده در قلمرو آرمانی است، اما در جامعهٔ بسامان محقق شده و در «قلمرو واقعی» قرار دارد.

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۵۶، ۵۸ و ۵۹)

۷۳- گزینهٔ «۲» *(امیرحسین خزایی)*

جوامعی که علم را به دانش تجربی محدود می‌کنند، امکان داوری علمی دربارهٔ حق یا باطل بودن عقاید را از دست داده و صرفاً پیامدها و بود و نبود آن‌ها را توصیف می‌کنند؛ بنابراین اگر علوم اجتماعی، علم را به دانش تجربی محدود نکند و از ظرفیت عقل و وحی بهره ببرد، «می‌تواند دربارهٔ حق یا باطل بودن واقعیت‌ها و آرمان‌های جهان‌های اجتماعی داوری کند».

(جامعه‌شناسی (۱)، زندگی اجتماعی، صفحه‌های ۵۸ و ۵۹)

۷۴- گزینهٔ «۴» *(ریحانه امینی)*

ـ ناراحتی یک فرد که باعث درد معدهٔ او می‌شود: نفسانی بر طبیعی

ـ جهان متجدد مانع از شکوفایی فطرت معنوی انسان می‌شود: اجتماعی بر نفسانی

ـ سرما باعث مهاجرت گروهی از چادرنشینان می‌شود: طبیعی بر اجتماعی

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۷۱ و ۷۲)

۷۵- گزینهٔ «۱» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

- ما گاه دربارهٔ ویژگی‌هایی از خود که به آن واقف نیستیم، تأمل می‌کنیم؛ مثلاً از دوستان دربارهٔ نقاط قوت و ضعف خویش سؤال می‌کنیم. این موارد، مربوط به بخش‌هایی از هویت هستند که به آن، آگاهی نداریم.

- برخی از ویژگی‌های هویتی توسط خود ما پدید آمده و یا ما در پدیدآمدن آن نقش داریم. مانند بسیاری از خصوصیات اخلاقی (مثلاً راستگو بودن) ویژگی‌هایی را که افراد در پدیدآمدن آن‌ها اثرگذار هستند، خصوصیات اکتسابی نامیده می‌شوند.

- بعضی از ویژگی‌های هویتی، اجتماعی و فرهنگی هستند، یعنی فرد بدون حضور در اجتماع نمی‌تواند آن خصوصیات را داشته باشد. مثلاً ما با عضو بودن در جامعهٔ ایران، ایرانی محسوب می‌شویم. برخی از خصوصیات تغییر نمی‌کنند یا حتی قابل تغییر نیستند؛ مثلاً مکان و زمان تولد. این خصوصیات از ویژگی‌های ثابت هویت هستند. پس ایرانی بودن اجتماعی و ثابت است.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۶۸ و ۷۷)

۷۶- گزینهٔ «۳» *(کوثر شاه‌حسینی)*

جهان اجتماعی برای بقا و تداوم، اعتقادات، ارزش‌ها و شیوهٔ زندگی خود را به فرد آموزش می‌دهد. فرد نیز برای مشارکت در جهان اجتماعی، شیوهٔ زندگی در آن را می‌آموزد و به‌تدریج با موقعیتش در جهان اجتماعی و حقوق و تکالیفی که برعهده دارد، آشنا می‌شود.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۸۰ و ۸۲)

۷۷- گزینهٔ «۲» *(کوثر شاه‌حسینی)*

ـ در جهان اسلام، امر به معروف و نهی از منکر در فرایندهای جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی نقش مهمی دارد و دارای آثار فردی و اجتماعی و نتایج معنوی و دنیوی بسیاری است.

ـ اقناع روشی است که به واسطهٔ آن، فرهنگ در افراد درونی می‌شود.

ـ هویت اجتماعی هر فرد، درون جهان اجتماعی و براساس عقاید و ارزش‌های آن شکل می‌گیرد.

ـ وجود نظریات متفاوت دربارهٔ هویت، نشانهٔ این است که امکان خطا و اشتباه در شناخت هویت وجود دارد.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۷۷، ۷۸، ۸۳ و ۸۴)

۷۸- گزینهٔ «۲» *(سیدآرش مرتضائی‌فر)*

روش خانواده و همسالان، غیررسمی و روش ادارات و پلیس و ... رسمی است که روش غیررسمی آثار عمیق‌تری دارد.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحهٔ ۸۳)

۷۹- گزینهٔ «۳» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

جهان اجتماعی برای بقا و تداوم، اعتقادات، ارزش‌ها و شیوهٔ زندگی خود را به فرد آموزش می‌دهد.

فرد نیز برای مشارکت در جهان اجتماعی، شیوهٔ زندگی در آن را می‌آموزد و به تدریج با موقعیتش در جهان اجتماعی و حقوق و تکالیفی که برعهده دارد، آشنا می‌شود.

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحهٔ ۸۰)

۸۰- گزینهٔ «۴» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

شیوهٔ رسمی تشویق و تنبیه: مجازات مجرمین توسط دادگاه

انطباق افراد با انتظارات جامعه: کنترل اجتماعی.

تقلب: کژروی اجتماعی

(جامعه‌شناسی (۱)، هویت، صفحه‌های ۸۲ و ۸۳)

جامعه‌شناسی (۲)

۸۱- گزینهٔ «۲» *(سید آرش مرتضائی‌فر)*

کشورهای استعمارزده به دو نوع تقسیم می‌شوند:

برخی از آنها توسط استعمارگران به اشغال کامل نظامی درآمدند؛ مانند هندوستان (کمپانی هند شرقی)، اندونزی (هند هلند) و الجزایر

ولی جوامعی که از قدرت مقاومت بیشتری برخوردار بودند و کشورهای غربی نمی‌توانستند به صورت مستقیم آنها را تحت سلطه‌ی سیاسی خود درآورند، از طریق نفوذ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در نظام نوین جهانی ادغام شدند. در دوره‌ی استعمار این گونه جوامع تحت نفوذ کشورهای استعمارگر قرار می‌گرفتند و در شرایط نیمه‌استعماری به سر می‌بردند؛ مانند چین، عثمانی و ایران.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه‌های ۶۰ و ۶۱)

۸۲- گزینهٔ «۳» *(یاسین ساعدی)*

- روابط استاد - شاگردی که همراه انتقال مهارت‌های فنی ایجاد می‌شد بر انسجام صنفی این گروه می‌افزود.

- لژهای ماسونی در دهه‌های نخست ورود خود به کشورهای غیرغربی از جاذبه‌ی سیاسی و فرهنگی برخوردار بودند ولی در دهه‌های بعد پس از آنکه دیدگاه‌های غربی از طریق نظام آموزشی به اندیشه و ذهن جامعه راه یافت، جاذبه‌ی فرهنگی خود را از دست دادند و بیشتر به‌صورت گروه‌های سیاسی باقی ماندند.

- فراماسونرها تلاش می‌کردند تاریخچه‌ی حرکت خود را به تلاش‌های حضرت سلیمان (ع) برای ایجاد جامعهٔ جهانی نسبت دهند.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه‌های ۵۹ و ۶۰)

۸۳- گزینهٔ «۴» *(ریحانه امینی)*

تشریح گزینه نادرست:

رشد تجارت و برده‌داری، انتقال برده‌های سیاه‌پوست افریقایی به مزارع امریکایی و انتقال ثروت به جوامع اروپایی، موجب شد که بازرگانان نسبت به زمین‌داران جایگاه برتری پیدا کنند.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه‌های ۵۸ و ۵۹)

۸۴- گزینهٔ «۳» *(ریحانه امینی)*

ـ تک‌محصولی شدن اقتصاد کشورهای استعمارزده، قدرت چانه زنی در اقتصاد جهانی را از آنان می‌گیرد و این پدیده، موجب وابستگی اقتصادی آن‌ها به کشورهای استعمارگر می‌شود.

ـ به دلیل وابستگی اقتصادی کشورهای استعمارزده به کشورهای استعمارگر، مبادلات تجاری در سطح جهانی نامتعادل می‌شود و انتقال ثروت، به طرف کشورهای غربی ادامه پیدا می‌کند.

ـ کشورهای غربی به اقتضای بازار مصرف، برخی صنایع وابسته را به کشورهای استعمارزده منتقل می‌کنند ولی این انتقال، در جهت استقلال این کشورها یا تعدیل جهانی ثروت نیست بلکه در جهت منافع بیشتر کشورهای استعمارگر است.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه‌های ۶۵ و ۶۶)

۸۵- گزینهٔ «۱» *(کتاب آبی پیمانه‌ای – کنکور خارج از کشور ۹۹)*

دولت‌ملت‌ها، حاکمیت‌های سیاسی‌اقتصادی جدیدی بودند که نخستین بار در اروپای غربی با افول قدرت کلیسا پدید آمدند. آن‌ها برخلاف حاکمیت‌های پیشین، خود را با هویت دینی و معنوی نمی‌شناختند و کاملاً سکولار بودند. هویت آن‌ها اغلب ناسیونالیستی و قومی است. این کشورها در مسیر توسعهٔ خود به صورت قدرت‌های استعماری درآمدند و به دنبال فتوحات استعماری، جغرافیای سیاسی جدیدی را در مناطق حضور خود برای دیگر فرهنگ‌ها پدید آوردند. سپس برای هر یک از این مناطق، هویت جدیدی ساختند. بدین ترتیب، دولت‌ملت های جدید در بخش‌های دیگری از جهان شکل گرفت. هویت‌های جدیدی که برای هر یک از این مناطق جغرافیایی جدید ساخته می‌شود، هویتی قومی و سکولار است.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه‌های ۵۹ و ۶۷)

ایران توشه — توشه‌ای برای موفقیت

۸۶- گزینهٔ «۲» *(سیرمحمد مدنی ریناني)*

بـا شـکل‌گیـری نهادهـای بـین‌المللـی و بازارهـای مشـترک منطقـه‌ای، سرمایه‌گذاری شرکت‌های بین‌المللی به منطقه‌ای خاص محدود نمی‌شود.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه‌های ۶۸ و ۶۹)

۸۷- گزینهٔ «۱» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

ـ کشورهای غربی برای تأمین منافع اقتصادی خود، نیازمند درهم شکستن مقاومت فرهنگی اقوامی بودند که سلطه و نفوذ آن‌ها را تحمل نمی‌کردند؛ برای این منظور از مبلغان مذهبی و سازمان‌های فراماسونری استفاده کردند.

ـ نیازمندی دولت‌ها برای افزایش قدرت خود به سرمایه و پول بازرگانان و نیازمندی بازرگانان به حمایت ناوگان نظامی دولتمردان برای تجارت و سود، باعث پیوند قدرت با ثروت و تجارت شد.

ـ ترویج علوم انسانی غربی در کشورهای غیرغربی، عمیق‌ترین تأثیر را در توزیع جهانی فرهنگ غرب داشت.

(جامعه‌شناسی (۲)، فرهنگ معاصر غرب و نظام نوین جهانی، صفحه‌های ۵۸، ۵۹ و ۷۱)

۸۸- گزینهٔ «۲» *(آزیتا بیدقی)*

الف) اشتراک مالتوس، ریکاردو، راسل ← آزادی فعالیت صاحبان سرمایه

ب) چالش درون فرهنگی و کلان و مقطعی ← بلوک شرق و غرب

ج) دو رویکرد جامعه‌گرا

د) طبقه و نظام طبقاتی را محصول سرمایه‌داری می‌دانست. ← مارکس

(جامعه‌شناسی (۲)، چالش‌های جهانی، صفحه‌های ۷۶ تا ۸۱)

۸۹- گزینهٔ «۲» *(فاطمه صغری)*

آیزایا برلین در نقد لیبرالیسم اولیه، از دو مفهوم آزادی مثبت و منفی سخن گفته است.

جان راسل مخالف هر نوع مداخلهٔ دولت در اقتصاد بود. در همین جهت از هر اقدامی برای مقابله با قحطی ایرلند خودداری کرد.

ریکاردو افزایش دستمزد کارگران و رفاه آنان را موجب افزایش تولید نسل آن‌ها و پیدایش مشکلات بعدی می‌دانست.

مارکس، حل چالش‌های جامعهٔ سرمایه‌داری را فقط با یک انقلاب قابل حل می‌دانست.

(جامعه‌شناسی (۲)، چالش‌های جهانی، صفحه‌های ۷۷ تا ۷۹)

۹۰- گزینهٔ «۴» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

بلوک غرب و بلوک شرق با آن‌که از نظر سیاسی، اقتصادی و جغرافیایی، در دو بخش متمایز و جدا قرار می‌گرفتند ولی از جهت فرهنگی، به فرهنگ واحدی تعلق داشتند؛ به‌عبارتی چالش آن از نوع چالش‌های درون‌فرهنگی بود.

(جامعه‌شناسی (۲)، چالش‌های جهانی، صفحهٔ ۸۱)

روان‌شناسی

۹۱- گزینهٔ «۳» *(هانا احمدزاده)*

بررسی سایر گزینه‌ها:

الف) برقراری «روابط با همسالان» مربوط به جنبهٔ اجتماعی رشد است. (رد گزینه‌های ۱ و ۲)

ب) مطالعه و بررسی تغییرات در طول دورهٔ زندگی، از زمان تشکیل نطفه تا زمان مرگ، مربوط به روان‌شناسی رشد است. (رد گزینهٔ ۴)

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحهٔ ۳۷)

۹۲- گزینهٔ «۲» *(هانا احمدزاده)*

بررسی سایر گزینه‌ها:

الف) تغییراتی که در طول دورهٔ زندگی، از دورهٔ جنینی تا سالمندی در افراد رخ می‌دهد، در حوزهٔ روان‌شناسی رشد بررسی می‌شود. (رد گزینه‌های ۱ و ۳)

ب) تغذیه و ورزش جزو عوامل محیطی تأثیرگذار بر رشد هستند. (رد گزینهٔ ۴)

ج) بلندقامت بودن پدر و مادر و انتقال آن به فرزند مربوط به عوامل وراثتی و ژنتیکی می‌باشد.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۳۷ و ۳۸)

۹۳- گزینهٔ «۳» *(محمدعرفان فرهادی)*

تشریح عبارات نادرست:

«الف»: امروزه اکثر روان‌شناسان رشد، به رشد مرحله‌ای اعتقاد دارند، نه همهٔ آن‌ها.

«ج»: ویژگی‌های مربوط به رشد انسان را به‌دلیل پیوستگی رشد، نمی‌توان به راحتی به مراحل مشخص تقسیم‌کرد.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۴۲ تا ۴۴)

۹۴- گزینهٔ «۴» *(محمدعرفان فرهادی)*

عواملی همچون سن مادر، کیفیت تغذیه، فشار روانی، آلودگی محیط، حالت‌های هیجانی، آرامش به ویژه ارتباط معنوی با خالق هستی، استفاده از داروها و حتی عوامل شیمیایی بر چگونگی رشد قبل از تولد تأثیر دارد که جزو عوامل محیطی هستند، زیرا مربوط به شرایط بیرونی جنین هستند. رحم مادر، محیطی است که جنین در آن قرار گرفته است و هر عاملی که بر روی مادر اثر می‌گذارد و شرایط موجود در رحم او را تغییر می‌دهد، برای جنین عامل محیطی محسوب می‌شود (رد گزینه‌های ۱ و ۳) «حالت‌های هیجانی»، «آرامش و ارتباط معنوی»، «فشار روانی» و ... زیرمجموعهٔ عوامل روان‌شناختی هستند اما چون در صورت سؤال از وضعیت فیزیکی مادر و جنین صحبت شده در نتیجه به عوامل فیزیولوژیکی مؤثر بر رشد قبل از تولد اشاره دارد مثل تغذیه!

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحهٔ ۴۵)

۹۵- گزینهٔ «۴» *(محمد حبیبی)*

گزینهٔ «۱»: درست؛ متن به توانایی‌های زبانی اشاره دارد که بخشی از رشد شناختی است. ضمناً پردازش این کودک در این سن، از نوع ادراکی است.

گزینهٔ «۲»: درست؛ راه‌رفتن مستقل در ۱۲ تا ۱۵ ماهگی رخ می‌دهد. این کودک ۲ ساله است، بنابراین این مرحله و مراحل قبلی را پشت سر گذاشته است.

گزینهٔ «۳»: درست؛ کودکان قبل از دبستان، به‌دلیل پردازش ادراکی هدایای بزرگ کم‌ارزش را بر هدایای کوچک پرارزش ترجیح می‌دهند.

گزینهٔ «۴»: نادرست؛ کودکان در ابتدا قادر به حرکات درشتی همچون بالا رفتن از پله‌ها هستند سپس مهارت حرکات ظریف همچون بستن بند کفش را به‌دست می‌آورند.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۴۶ تا ۴۸)

۹۶- گزینهٔ «۱» *(محمد حبیبی)*

پشیمانی یک هیجان مرکب است؛ ربات تعامل دوطرفه با محیط پویا ندارد، و سگ هم فاقد آگاهی کافی برای تعمیم هیجان ساده به مرکب است.

نکته: حیوانات دارای هیجانات ساده هستند.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۴۹ و ۵۰)

۹۷- گزینهٔ «۳» *(محمد حبیبی)*

دلیل درستی گزینهٔ «۳»:

رشد اجتماعی: لبخند اجتماعی (اولین علامت رشد اجتماعی) در ۳-۲ ماهگی و بازی موازی (کنار هم، ولی جداگانه) در ۳-۲ سالگی رخ می‌دهد.

رشد اخلاقی: کودکان ابتدا هیچ تصوری از خوب و بد ندارند و رشد درک اخلاقی یک فرایند تدریجی است.

دلیل نادرستی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: لبخند اجتماعی را ۸ ماهگی گفته (غلط، صحیح ۳-۲ ماهگی است) و بازی گروهی را مربوط به ۳-۲ سالگی دانسته (درحالی که این سن مربوط به بازی موازی است).

گزینهٔ «۲»: ترس از غریبه را ۳-۲ ماهگی گفته (غلط، صحیح ۸-۷ ماهگی است) و بازی موازی را مربوط به دبستان دانسته (درحالی که در دبستان بازی گروهی است)؛ همچنین گفته کودکان خوب و بد را تشخیص می‌دهند که برخلاف متن کتاب درسی است.

گزینهٔ «۴»: بازی موازی را مربوط به دبستان دانسته (غلط) و در مثال نوجوانی که عمداً سهم برادر را خورده، کار را «کاملاً اخلاقی» قلمداد کرده، درحالی که چنین کاری غیراخلاقی محسوب می‌شود (تنها بخش درست این گزینه، ترس از غریبه در ۸ ماهگی است).

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۵۰ تا ۵۲)

۹۸- گزینهٔ «۱» *(نگین مرسلی)*

یکی از ویژگی‌های رشد در دورهٔ نوجوانی، ناگهانی بودن آن است؛ ۱- یعنی اندازهٔ بدن به سرعت افزایش می‌یابد و ۲- تناسب بدن به سرعت تغییر می‌کند. این تغییرات در اغلب اجزای بدن دیده می‌شود. ۳- وزن و قد نوجوان افزایش می‌یابد. در حدود یک سال پس از افزایش قد و وزن، ۴- ماهیچه‌ها رشد بیشتری می‌کنند. ۵- در دورهٔ نوجوانی اندام‌های داخلی بدن نیز رشد قابل توجهی دارند؛ به‌طوری که اندازه و ظرفیت شش سه‌برابر و اندازهٔ قلب دو برابر قبل می‌شود و حجم کلی خون افزایش پیدا می‌کند. این تغییرات باعث می‌شود نوجوانان احساس توانمندی زیادی کنند. ۶- رشد دستگاه تولید مثل، تغییر اساسی دورهٔ نوجوانی است که با بلوغ جنسی رخ می‌دهد.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۵۳ و ۵۴)

۹۹- گزینهٔ «۳» *(نگین مرسلی)*

تشریح عبارت‌های نادرست:

عبارت دوم، مبنای استدلال در دورهٔ کودکی، واقعیت‌های ملموس و بیرونی است؛ در نظر گرفتن فرضیه‌ها و احتمال‌های مختلف مربوط به تفکر فرضی در دورهٔ نوجوانی است.

عبارت چهارم، فراحافظه به تلاش برای یادگیریِ چگونگی به‌حافظه سپردن اطلاعات گفته می‌شود.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۵۵ و ۵۶)

۱۰۰- گزینهٔ «۲» *(نگین مرسلی)*

تشریح عبارت‌ها:

ـ علی هنگام عصبانیت بدون فکر واکنش نشان می‌دهد و بعد پشیمان می‌شود؛ بنابراین برای این‌که هیجانات در جهت صحیح به‌کار گرفته شود، لازم است مهارت‌هایی برای کنترل هیجان آموخته شود.

ـ این نوجوان انرژی و هیجان خود را از طریق ورزش منظم در مسیر مناسبی هدایت می‌کند. پس این رفتار نمونه‌ای از استفادهٔ سازنده از هیجان است.

ـ ترجیح دادن دوستان هم‌سن برای تفریح، نشان‌دهندهٔ افزایش گرایش نوجوان به گروه همسالان است که یکی از ویژگی‌های رشد اجتماعی در دورهٔ نوجوانی محسوب می‌شود.

(روان‌شناسی، روان‌شناسی رشد، صفحه‌های ۵۷ و ۵۸)

ایران توشه — توشه‌ای برای موفقیت

عربی زبان قرآن (۳) و (۱)

۱۰۱- گزینهٔ «۴» *(روح‌الله گلشن)*

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «هذا خلقُ اللّه: این آفرینش خدا است»؛ «برای» اضافه است.

گزینهٔ «۲»: ضمیر «ـه» در «سکینتَه: آرامشش» ترجمه نشده است.

گزینهٔ «۳»: «الخلقَ» منصوب شده و مفعول است، بنابراین ترجمهٔ عبارت به‌صورت «آفرینش را آغاز کرد» درست است.

(ترجمه)

۱۰۲- گزینهٔ «۱» *(محمود باربرین - یاسوج)*

«کان ... یظنّون»: (فعل ماضی استمراری) تصوّر می‌کردند، گمان می‌کردند (رد گزینهٔ ۲) / «أنّ»: که (رد گزینهٔ ۳) / «یستطیعون»: می‌توانند / «أن یقتلوا»: به قتل برسانند / «لکنّ»: ولی، اما / «امرأة شجاعة»: زن شجاعی، زنی شجاع، یک زن شجاع / «وقفت»: ایستاد / «أمامهم»: در برابر آن‌ها / «ساعدَت النّبیّ»: به پیامبر کمک کرد (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

(ترجمه)

۱۰۳- گزینهٔ «۱» *(ولی برهی - ابهر)*

«المشهور فی العالم»: معروف در جهان، مشهور در جهان (رد گزینهٔ ۴) / «یُحصَی» (مضارع مجهول): به شمار می‌آید، شمرده می‌شود (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «قد سُجِّل» (ماضی نقلی و مجهول): ثبت شده است، به ثبت رسیده است (رد گزینهٔ ۳)/ «قائمة التّراث العالمیّ»: فهرست میراث جهانی (رد گزینهٔ ۳)

(ترجمه)

۱۰۴- گزینهٔ «۳» *(حمیدرضا قائدامینی - اصفهان)*

«لا خَیر فی الغَضب»: هیچ خیری در خشمگین شدن نیست (رد گزینه‌های ۱ و ۴)/ «یَعدّ»: به‌شمار می‌آورند (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «عملاً»: (اسم مفرد و نکره) کاری (رد سایر گزینه‌ها)/ «العُلماء و الأفاضل»: عالمان و شایستگان، دانایان و شایستگان (رد گزینه‌های ۲ و ۴)/ «لا یَقدر»: نمی‌تواند (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

«برای آدمی» در گزینه‌های «۲» و «۴» اضافی است (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

نکات مهم درسی:

۱) «لا»ی نفی جنس بر سر اسم می‌آید، وجود چیزی را به‌صورت کامل نفی می‌کند و به معنای «هیچ ... نیست (فعل منفی)» می‌باشد.

۲) در ترجمهٔ فعل، همواره به نوع و صیغهٔ فعل دقّت کنید.

(ترجمه)

۱۰۵- گزینهٔ «۲» *(کتاب تاک - کنکور انسانی ۹۸)*

«ما»: آنچه (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «صَبرَنا»: صبر ما (رد گزینهٔ ۳) / «فی اُمور»: در کارهایی (رد گزینهٔ ۴) / «لا طاقة لنا بها»: هیچ توانی برای آن‌ها نداریم (رد سایر گزینه‌ها)

(ترجمه)

۱۰۶- گزینهٔ «۴» *(ابوطالب درانی)*

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: لا یُصدّقُ: باور نمی‌کند

گزینهٔ «۲»: أن یُنیر: نورانی کند

گزینهٔ «۳»: یَنجَذِبُ السّائحونَ: گردشگران جذب می‌شوند

(ترجمه)

۱۰۷- گزینهٔ «۳» *(مصطفی قدیمی‌فرد)*

با توجه به ترجمهٔ آیه (نمی‌دانی شاید خداوند پس از آن، پیشامدی نو پدید آورَد) که بیانگر امیدواری و گشایش در بن‌بست‌ها است، درمی‌یابیم آیهٔ مبارکهٔ گزینهٔ «۳» که اشاره به نقش اراده و عمل انسان در تغییر سرنوشت خویش دارد، با آن تناسب مفهومی ندارد.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: دربارهٔ خروج از بن‌بست و روزی غیرمنتظره است که با مفهوم «احداث امر جدید» کاملاً هم‌سو است.

گزینهٔ «۲»: دلالت بر وقوع گشایش پس از سختی‌ها دارد.

گزینهٔ «۴»: بشارت به آسانی بعد از سختی، با مفهوم آیهٔ صورت سؤال همخوانی دارد.

(مفهوم)

۱۰۸- گزینهٔ «۴» *(عمار تاج‌بخش)*

در عبارت اول گزینهٔ «۴» آمده است: «بدانید که نیازهای مردم به شما از نعمت‌های خدا بر شما است» درحالی که در مقابل آن آمده است: «درخواست نیاز از فرد غیرشایستهٔ آن، سخت‌تر از مرگ است»؛ این دو عبارت ارتباط مفهومی با هم ندارند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «در دین هیچ اجباری نیست»: این آیه به آزادی عقیده برای همهٔ مردم اشاره دارد! (درست)

گزینهٔ «۲»: «پروردگارا، چیزی را که هیچ توانی برای آن نداریم، بر ما تحمیل مکن»: از خدا می‌خواهیم که ما را جز به اندازهٔ آنچه در توانمان هست، تکلیف نکند! (درست)

گزینهٔ «۳»: «هرگاه بر دشمنت توانایی یافتی، گذشت از او را سپاسی برای توانایی بر وی قرار بده»: هیچ چیزی زیباتر از گذشت در هنگام توانایی نیست! (درست)

(مفهوم)

۱۰۹- گزینهٔ «۳» *(پیروز وجدان - گنبدکاووس)*

ترجمهٔ عبارت: «بزرگترین نـادانی، زیـاده‌روی در سـتایش و نکـوهش اسـت!»؛ مفهوم این عبارت فقط با گزینهٔ «۳» معادل است.

تشریح گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: اگر در ستایش مردم حدّ اعتـدال را رعایـت نکنـی، از افـراد نـادان هستی! (فقط به زیاده‌روی در ستایش اشاره کرده است.) (نادرست)

گزینهٔ «۲»: کسانی که در ستایش دیگران زیاده‌روی می‌کننـد، از مسـیر خِـرد منحرف شده‌اند! (فقط به زیاده‌روی در ستایش اشاره کرده است.) (نادرست)

گزینهٔ «۳»: هرکس در تحسین دیگران یا سرزنش آنان غلو کنـد، روش تعامـل با ایشان را نشناخته است! (درست)

گزینهٔ «۴»: پدرمان ما را به میانه‌روی در تمام امور زندگی‌مان سفارش کـرد تـا به زندگی پاک و سعادتمندی دست یابیم! (در این عبارت، نه بـه زیـاده‌روی در ستایش و نکوهش و نه به نادانی اشاره شده اسـت، فقـط هـدفش سـفارش بـه اعتدال در کارها بوده است.) (نادرست)

(مفهوم)

۱۱۰- گزینهٔ «۱» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

ترجمهٔ عبارت: «به مردم دشنام ندهید که [با ایـن کـار] میـان آن‌هـا دشـمنی کسب می‌کنید!»؛ مفهوم این عبارت فقط با گزینهٔ «۱» متناسب است.

تشریح گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: ناسزا گفتن به دیگران، کینه و بغض جامعه را برای انسـان بـه بـار می‌آورد؛ پس خودداری از آن، آدمی را از گرفتارشدن به دشـمنی‌هـای آنـان و ایجاد خصومت حفظ می‌کند! (درست)

گزینهٔ «۲»: هدف از نهیِ دشنام این است که انسان عـاملی بـرای ایجـاد نـزاع میان خود مردم و تحریک آنان علیه یکدیگر نباشد! (ربطی بـه مفهـوم عبـارت صورت سؤال ندارد.) (نادرست)

گزینهٔ «۳»: هرکس به مردم ناسزا بگوید، دشمنانی می‌یابد که تـوان رویـارویی با آن‌ها را ندارد؛ پس از روی تـرس از کثـرت دشـمنی‌هـایی کـه بـر او چیـره می‌شود، سکوت کردن بهتر است! (عبارت صورت سؤال به رویارویی با دشمنان و سکوت اشاره‌ای نکرده است.) (نادرست)

گزینهٔ «۴»: هر کس بخواهد دوسـتی مـردم را بـه دسـت آورد، بایـد در برابـر توهین‌هایشان شکیبایی کند؛ زیرا پاسخ دادن به دشنام با ناسـزاگویی، دوسـتی را به دشمنی شدیدی تبدیل می‌کند! (عبارت صورت سـؤال بـه صـبر در برابـر توهین یا مقابله به مثل اشاره‌ای نکرده است و مفهوم متفاوتی دارد.) (نادرست)

(مفهوم)

ترجمهٔ متن درک مطلب:

آفتاب‌پرست حیوانی تخم‌گذار است و در همه‌جا زندگی می‌کند. او حیـوانی شکارچی است که می‌تواند بسیاری از حشرات و خزندگان را که بتوانند وارد دهانش شوند، بخورد. سپس آفتاب‌پرست با زبان بلند خود شکار می‌کند؛ به این صورت که آن را با سرعت به سمت حشرات دراز می‌کند و به کمک آن می‌تواند آن‌ها را از فاصله‌های دور شکار کند. آفتاب‌پرسـت دوسـت دارد آب جاری بنوشد و فقط زمانی گیاهان را می‌خورد که آب بدنش کم شود و آب پیدا نکند. همچنین او مـی‌توانـد چشـمان خـود را هـم‌زمـان در دو جهـت متفاوت حرکت دهد، بدون اینکه سرش حرکت کند. آفتاب‌پرست بـه دلیـل توانایی‌اش در تغییر رنگ بدنش شناخته می‌شود؛ رنگ زرد آن نشانهٔ تـرس، رنگ سبز نشانهٔ آرامش، رنگ آبی نشانهٔ خواب عمیـق و رنـگ سـیاه نشـانهٔ خشم است. آفتاب‌پرست از تغییر رنگ برای پنهـان شـدن و تنظـیم دمـای بدن نیز استفاده می‌کند. چنان که در صبح سـرد، رنگـش بـه سـیاه تغییـر می‌کند تا بیشترین میزان گرمای خورشید را جذب کند و در روز، رنـگ آن به خاکستری تبدیل می‌شود. ویژگی خاص آفتاب‌پرست، تغییر رنـگ اسـت که برای حیله‌گری به آن مثل زده شـده و گفتـه مـی‌شـود: «فلانـی ماننـد آفتاب‌پرست است». آفتاب‌پرسـت پنجـه‌هـایی قـوی دارد کـه بـه او کمـک می‌کند از درختان بالا برود. گفته می‌شود آفتاب‌پرست به‌صورت تنها زندگی می‌کند و اگر بیش از یکی از آن‌ها (در یک مکـان) جمـع شـوند، میانشـان درگیری پیش می‌آید.

۱۱۱- گزینهٔ «۳» *(محمدرضا سوری - نهاوند)*

«اگر آفتاب‌پرست آب جاری پیدا نکند، نخواهد توانست آب موردنیاز برای خود را تأمین کند!» نادرست است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: او معمولاً با آفتاب‌پرست‌های دیگری در یک جا زندگی نمـی‌کنـد! (درست)

گزینهٔ «۲»: هنگامی که این حیوان خوابیده است، رنگ بـدنش بـه آبـی تغییـر می‌کند! (درست)

گزینهٔ «۴»: هنگام سرما رنگش به سیاه و هنگام گرما به رنگی مایل بـه سـفید تغییر می‌کند! (درست)

(درک مطلب)

۱۱۲- گزینهٔ «۲» *(محمدرضا سوری - نهاوند)*

آفتاب‌پرست نوعی از خزندگان است که در طبیعـت، زنـدگی اجتمـاعی نـدارد! (درست)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: آفتاب‌پرست مانند حیوانات پستاندار بچه‌هـایش را شـیر مـی‌دهـد! (نادرست)

گزینهٔ «۳»: آفتاب‌پرست می‌تواند چیزی را که بزرگتر از انـدازهٔ دهـانش اسـت، بخورد و حشرات را نیز شکار کند! (نادرست)

گزینهٔ «۴»: آفتاب‌پرست می‌تواند به کمک دُمش که به او بسیار کمک می‌کند، از درختان بلند بالا برود! (نادرست)

(درک مطلب)

۱۱۳- گزینهٔ «۴» *(محمدرضا سوری - نهاوند)*

به دلیل حرکت‌های سریع و مخفی شدنش با حیله‌گری، به آفتاب‌پرسـت مثـل زده می‌شود! (نادرست اسـت، چـون بـه دلیـل تغییـر رنگـش بـه او مثـل زده می‌شود.)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: آفتاب‌پرست می‌تواند چشـمانش را بـه راسـت و چـپ بچرخانـد و همزمان دو جهت را ببیند! (درست)

گزینهٔ «۲»: آفتاب‌پرست در همهٔ نواحی کرهٔ زمین، بین سنگ‌ها و در بیابان‌هـا و غیر آن زندگی می‌کند! (درست)

گزینهٔ «۳»: آفتاب‌پرست می‌تواند رنگ بدنش را بـه‌خـاطر شـرایطی کـه در آن زندگی می‌کند، تغییر بدهد! (درست)

(درک مطلب)

۱۱۴- گزینهٔ «۲» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

«مجرور» نادرست است. «الأصفر» صفت برای «لون» است، «لون» هم مبتدا و مرفوع است، بنابراین «الأصفر» به تبعیّت از موصوف خود مرفوع می‌شود.

(تحلیل صرفی و اعراب)

۱۱۵- گزینهٔ «۱» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

«مفعول» نادرست است. دقت کنید «أخْذِ» یـک اسـم مصـدر اسـت، بنـابراین «أکبر» در این‌جا، مضاف‌الیه و مجرور است.

(تحلیل صرفی و اعراب)

۱۱۶- گزینهٔ «۲» *(ابوطالب درانی)*

نکتهٔ مهم درسی:

هر اسمی که در ابتدای جمله بیاید لزوماً مبتدا نیست، مراقب منادا و قیـدهایی که در ابتدای عبارات ظاهر می‌شوند، باشید. دقت کنید مبتدا رکن اصلی جمله و غیرقابل حذف است.

در گزینهٔ «۲»، «تقدُّم» یک مصدر (اسم) و در نقش مبتدا است، «نتیجةٌ» نیـز خبر است، پس در این‌جا، جمله اسمیّه داریم.

تشریح سایر گزینه‌ها:

در گزینه‌های دیگر، مبتدا و جمله اسمیّه نداریم:

گزینه‌های «۱ و ۴»: جمله با منادا (اسمی که صدا زده می‌شـود) شـروع شـده است. (قابل حذف از جمله است!)

گزینهٔ «۳»: جمله با قید زمان شروع شده است. (قابل حذف از جمله است!)

(انواع جملات)

۱۱۷- گزینهٔ «۳» *(مرتضی کاظم‌شیرودی)*

عبارت «أسنانَ الولدِ الصّغیرةَ» ترکیب وصفی- اضافی است، «الصّـغیرة» صـفت برای «أسنانَ» (مفعول جمله) و به تبعیّت از آن، منصوب است.

ترجمهٔ عبارت: امروز پزشک ماهر، دندان‌های کوچک فرزند را معاینه کرد!

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «الصیفیّة» صفت است، اما به تبعیّت از «العُطُـلات» مجـرور شـده است.

گزینهٔ «۲»: «المؤمنونَ» فاعل و «الأحزابَ» مفعول است نه صفت.

گزینهٔ «۴»: «الرّیفیّ» صفت است، اما به تبعیّت از «التُّراث» مجرور می‌باشد.

(انواع اعراب)

۱۱۸- گزینهٔ «۱» *(امیرعلی فردین)*

تشریح گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «اللهُ» مبتدا و مرفوع است. (۱ اسم مرفوع)

گزینهٔ «۲»: «ثمَرةُ» مبتدا و مرفوع و «إخلاصُ» خبر و مرفـوع اسـت. (۲ اسـم مرفوع)

گزینهٔ «۳»: «الزّملاءُ» مبتدا و مرفوع و «مُتّحدونَ» نیز خبر و مرفوع اسـت. (۲ اسم مرفوع)

گزینهٔ «۴»: «الطّالبُ» فاعل و مرفوع است، «المُجِـدُّ» نیـز صـفت آن و مرفـوع است. (۲ اسم مرفوع)

(انواع اعراب)

۱۱۹- گزینهٔ «۳» *(مجید بیگلری)*

حروف مشبّهة بالفعل، اسم منصوب و خبر مرفوع دارند.

در گزینهٔ «۳»، «العداة» اسم «لکنّ» است، «محـزونینَ» هـم خبـر آن اسـت و باید به شکل مرفوع بیاید ← محزونونَ.

(حروف مشبّهه بالفعل)

۱۲۰- گزینهٔ «۴» *(روح‌الله گلشن)*

در جای خـالی اول، اسـم «لا»ی نفـی جـنس مـی‌آیـد کـه «تنـوین» (ـً ـٍ ـٌ) نمی‌پذیرد (رد گزینه‌های ۲ و ۳)، ضمناً جای خالی دوم مربوط به خبـر «لا»ی نفی جنس است که باید مرفوع باشد (رد گزینهٔ ۱).

مراقب باشید «حضرَ» فعل ماضـی اسـت (نـه اسـم معـرب!)، بنـابراین در هـر جایگاهی هم در جمله قرار بگیرد، حرکت آخرش تغییری نمی‌کند.

(«لا»ی نفی جنس)

تاریخ (۳)

۱۲۱- گزینهٔ «۴» *(محمدمهدی یعقوبی)*

نادرشاه بزرگان کشور، علما و سران ایل‌ها و طوایف را به شورای دشت مغان فراخواند و شرایطی را برای پذیرفتن سلطنت مطرح کرد که مهم‌ترین آن‌ها، عبارت‌اند از:

۱) موروثی شدن سلطنت در خاندان او

۲) حمایت نکردن بزرگان و رؤسای طوایف از خاندان صفوی

۳) حل اختلافات مذهبی با دولت عثمانی

نکتهٔ مهم درسی:

در دورهٔ نادرشاه، عامل انسجام بخش مردم ایران، یعنی مذهب شیعه تضعیف گردید.

(تاریخ (۳)، ایران و جهان در آستانهٔ دورهٔ معاصر، صفحهٔ ۱۷)

۱۲۲- گزینهٔ «۲» *(علیرضا سالمی)*

تشریح عبارت‌های نادرست:

الف) در دورهٔ افشاریه، نیاز تشکیلات نظامی به نیروی رزمنده، موجب کاهش شدید نیروی انسانی در بخش کشاورزی شد.

د) در دورهٔ زندیه نوعی از بناها با کاربرد تفریحی گسترش یافت که به «کلاه فرنگی» معروف بود.

(تاریخ (۳)، ایران و جهان در آستانهٔ دورهٔ معاصر، صفحه‌های ۲۲ و ۲۴)

۱۲۳- گزینهٔ «۳» *(مهدی کاردان)*

مجموعه عوامل مختلف داخلی و همچنین نفوذ و مداخلهٔ قدرت‌های استعماری، موجب ضعف و زوال دولت عثمانی شد؛ چنان‌که اصلاحات دولتمردان عثمانی هم نتوانست از شدت آن بکاهد.

(تاریخ (۳)، ایران و جهان در آستانهٔ دورهٔ معاصر، صفحهٔ ۲۵)

۱۲۴- گزینهٔ «۴» *(فاطمه عزیزی)*

تشریح گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «انقلاب باشکوه» در انگلستان در سال ۱۶۸۸ میلادی یعنی در قرن ۱۷ میلادی رقم خورد. سرزمین آمریکا تا قرن ۱۸ میلادی شامل تنها چند ایالت در ساحل اقیانوس اطلس بود.

گزینهٔ «۲»: در سال ۱۷۸۹میلادی، انقلاب فرانسه آغاز شد و جورج واشنگتن نیز در همین سال به ریاست‌جمهوری آمریکا نائل گردید.

گزینهٔ «۳»: انگلستان پس از «انقلاب باشکوه»، رقبای بزرگی همچون اسپانیا و فرانسه را شکست داد و مستعمرات خود را در گوشه و کنار جهان گسترش داد. این کشور به‌ویژه در دوران حکومت طولانیِ ملکه ویکتوریا به قدرت اول جهان تبدیل شد و به بخش‌های بزرگی از آفریقا، آسیا، اقیانوسیه و آمریکای شمالی دست یافت. همچنین ایالت‌های ساحل شرقی بر ویرانه‌خانه‌ها، مزارع و املاک بومیان سرخ‌پوست بنا شده بود. اروپاییان زیادی به دلایل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، اروپا را ترک کرده و در سرزمین‌های تازه تصاحب شده منزل گزیدند. بریتانیا بر اکثر این مناطق حکومت می‌کرد.

گزینهٔ «۴»: دولت آمریکا با بهره‌گیری از نیروی کار بردگان آفریقایی، اقتصاد خود را توسعه بخشید و در پایان سدهٔ ۱۹میلادی به پیشرفت‌های وسیع سیاسی، اقتصادی و صنعتی دست یافت و به رقیبی برای کشورهای استعمارگر اروپایی تبدیل شد.

(تاریخ (۳)، ایران و جهان در آستانهٔ دورهٔ معاصر، صفحه‌های ۲۶، ۲۷ و ۲۹)

۱۲۵- گزینهٔ «۲» *(مهدی کاردان)*

طبقهٔ متوسط فرانسه شامل افرادی بودند که اغلب تحصیل‌کرده بودند و مشاغلی مانند وکالت، نویسندگی، طبابت، روزنامه‌نگاری و تجارت داشتند. این طبقه برخلاف طبقهٔ ممتاز، امتیاز خاصی نداشتند و مالیات می‌پرداختند.

(تاریخ (۳)، ایران و جهان در آستانهٔ دورهٔ معاصر، صفحهٔ ۲۸)

جغرافیا (۳)

۱۲۶- گزینهٔ «۱» *(فاطمه امیدی)*

افزایش مهاجرت به شهرها و تمرکز جمعیت، در کنار گرانی زمین و مسکن و ناتوانی اقشار کم‌درآمد در تأمین مسکن مناسب، از عوامل شکل‌گیری اسکان غیررسمی در حاشیهٔ شهرهاست.

(جغرافیا (۳)، مدیریت شهر و روستا، صفحه‌های ۲۱ و ۲۲)

۱۲۷- گزینهٔ «۲» *(حامد صفرخانیان)*

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: افزایش جمعیت شهری، از جمله مشکلات شهرها است که ممکن است از طریق مهاجرت نیروی کار، از مصادیق «الف» صورت بگیرد و باعث افزایش فقر شهری از مصادیق «ب» شود. ← مهاجران به علت عدم تخصص و اشتغال به کارهای ساده، درآمد کمی دارند و درآمد کم منجر به افزایش فقر شهری می‌شود.

گزینهٔ «۳»: محله‌های فرسودهٔ شهرها و مکان‌هایی که در شب نور کافی ندارند، باعث افزایش جرم‌خیزی از مصادیق «ب» می‌شوند و اشتغال در بخش غیرقانونی یا غیررسمی مانند دست‌فروشی، از مصادیق «الف» است و امنیت شهر را به مخاطره می‌اندازد.

گزینهٔ «۴»: در مدیریت شهری، برای تأمین «ب»، باید به علل بزهکاری‌ها مانند اشتغال در بخش غیرقانونی که از مصادیق «الف» است، توجه کرد و باید در نظر داشت که مهاجرت به شهر برای کار از مصادیق «الف» با فشار بر منابع از مصادیق «ج» رابطهٔ مستقیم دارد. ← مهاجرت برای کار منجر به افزایش جمعیت شهری می‌شود و افزایش جمعیت شهری باعث افزایش فشار بر منابع می‌شود و با آن رابطهٔ مستقیم دارد.

(جغرافیا (۳)، مدیریت شهر و روستا، صفحه‌های ۲۳، ۲۴ و ۲۸)

۱۲۸- گزینهٔ «۳» *(هادی توکلی)*

ارتباط موارد ذکر شده با مفاهیم، به شرح زیر می باشد:

مورد «الف» با مفهوم محیط زیست شهری، موارد «ب» و «د» با هوشمندسازی شهر و موارد «ج»، «و» و «هـ» با مبلمان و زیباسازی شهری در ارتباط هستند.

نکتهٔ مهم درسی:

اجرای طرح بام تا بام در منازل مسکونی، همان استفاده از پنل‌های خورشیدی در منازل برای کاهش مصارف سوخت‌های فسیلی و آلودگی هواست. از این رو با مبحث محیط زیست شهری در ارتباط است که نباید با مفهوم هوشمندسازی اشتباه گرفته شود.

(جغرافیا (۳)، مدیریت شهر و روستا، صفحه‌های ۲۴ تا ۲۷)

۱۲۹- گزینهٔ «۳» *(محمدمهدی یعقوبی)*

امروزه تحقق شهر پایدار، هدف اصلی مدیران و برنامه‌ریزان شهری است.

(جغرافیا (۳)، مدیریت شهر و روستا، صفحهٔ ۲۸)

۱۳۰- گزینهٔ «۱» *(راضیه ابراهیمی‌نژاد)*

در متن کتاب مواردی همچون نداشتن مالکیت زمین، کمبود زمین، یکپارچه نبودن و قطعه‌قطعه بودن زمین‌های کشاورزی، نداشتن سرمایهٔ لازم برای کشت تجاری و دسترسی نامناسب به بازارها، از مشکلات اقتصادی روستاییان و کشاورزان بیان شده‌اند. موارد دیگر مشکلات ناشی از کمبود تجهیزات و خدمات در مناطق روستایی است.

(جغرافیا (۳)، مدیریت شهر و روستا، صفحهٔ ۳۱)

تاریخ (۱)

۱۳۱- گزینهٔ «۳» *(فاطمه عزیزی)*

تشریح عبارت‌های نادرست:

ب) ایرانیان تا دو قرن پیش و قبل از رمزگشایی و خوانده شدن خط میخی و آغاز کاوش‌های باستان‌شناسی، آگاهی و درک محدودی از تاریخ و تمدن باستانی خود داشتند.

ج) با خوانده شدن خط میخی، علاقهٔ اروپاییان به فعالیت‌های باستان‌شناسی در ایران بیشتر شد و دولت فرانسه، اجازهٔ حفاری و سپس امتیاز انحصاری کاوش‌های باستانی را در سرتاسر ایران به دست آورد.

نکتهٔ مهم درسی:

در سال ۱۳۰۶ هجری شمسی، کاوش‌های باستان‌شناسی از انحصار فرانسویان خارج شد.

(تاریخ (۱)، مطالعه و کاوش در گذشته‌های دور، صفحه‌های ۶۲ تا ۶۴ و ۶۸)

۱۳۲- گزینهٔ «۱» *(علیرضا پدرام)*

تشریح عبارت‌های نادرست:

«الف»: سابقهٔ حضور انسان در فلات ایران به طور دقیق روشن نیست.

«د»: دوران سفالگری ایران، از حدود ۸ هزار سال پیش بوده است که قدمتی کمتر از ابزارهای سنگی مذکور دارد.

(تاریخ (۱)، سپیده‌دم تمدن ایرانی، صفحه‌های ۷۲ و ۷۳)

۱۳۳- گزینهٔ «۲» *(فاطمه عزیزی)*

حکومت ایلام، سرانجام پس از قرن‌ها سلطنت، بر اثر یورش ویرانگر آشوریان در قرن ۷ قبل از میلاد، دچار انحطاط و فروپاشی شد.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: اطلاعات صحیحی را بیان می‌کند، اما مربوط به قرن ۷ قبل از میلاد نمی‌باشد.

گزینهٔ «۳»: مربوط به قرن ۷ قبل از میلاد نیست.

گزینهٔ «۴»: حاکمان کوچک و مستقل ایلامی در حدود ۲۶۰۰ قبل از میلاد با یکدیگر متحد شدند و پادشاهی ایلام را تأسیس کردند.

(تاریخ (۱)، سپیده‌دم تمدن ایرانی، صفحه‌های ۷۶ تا ۷۹)

۱۳۴- گزینهٔ «۳» *(علیرضا آزادی‌زاده)*

هووخشتر توانست قلمرو ماد را تا شمال بین‌النهرین و بخش‌های وسیعی از آسیای صغیر گسترش بدهد.

نکتهٔ مهم درسی:

هووخشتر با حکومت بابل علیه آشور متحد شد و به حاکمیت آشوریان پایان داد. در پی این موفقیت نظامی، قلمرو ماد به شمال بین‌النهرین و بخش‌های وسیعی از آسیای صغیر گسترش یافت.

(تاریخ (۱)، از ورود آریایی‌ها تا پایان هخامنشیان، صفحه‌های ۸۰، ۸۲ و ۸۳)

۱۳۵- گزینهٔ «۳» *(مهیا مالکی)*

تشریح عبارت‌های نادرست:

الف) داریوش سوم که از برابر اسکندر گریخته بود، در سال ۳۳۰ قبل از میلاد نزدیک دامغان کنونی به قتل رسید.

ب) یونانیان دربارهٔ پیروزی خود در نبرد سالامیس بزرگ‌نمایی بسیار کردند.

(تاریخ (۱)، از ورود آریایی‌ها تا پایان هخامنشیان، صفحه‌های ۸۰ و ۸۶ تا ۸۸)

جغرافیای ایران

۱۳۶- گزینهٔ «۱» *(علیرضا پدرام)*

نزدیکی به دریاها و دوری از آن در آب و هوای کشور دو اثر متفاوت دارد. در سواحل شمالی کشور، دریای خزر در افزایش بارش، نقش مهمی دارد؛ ولی خلیج فارس و دریای عمان به‌دلیل عدم امکان صعود هوای مرطوب، در بارش سواحل جنوبی کشور، نقش چندانی ندارند.

در نواحی داخلی کشور به‌دلیل دور بودن از دریاها و کمبود رطوبت، اختلاف دما زیاد است، ولی در نواحی ساحلی شمال و جنوب کشور اختلاف دما کمتر است.

(جغرافیای ایران، آب و هوای ایران، صفحهٔ ۳۸)

۱۳۷- گزینهٔ «۳» *(علیرضا پدرام)*

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: تودهٔ هوای سودانی باعث ایجاد بارندگی می‌شود.

گزینهٔ «۲»: تودهٔ هوای مرطوب غربی در دورهٔ سرد سال وارد ایران می‌شود.

گزینهٔ «۴»: تودهٔ هوای سودانی باعث افزایش دما نمی‌شود.

(جغرافیای ایران، آب و هوای ایران، صفحهٔ ۴۰)

۱۳۸- گزینهٔ «۳» *(مهیا مالکی)*

در متن، دربارهٔ ریزگردها به عواملی مانند کاهش ریزش‌های جوی و مدیریت ضعیف منابع آب اشاره شده است. همچنین پیامدهایی مانند آسیب به جنگل‌ها، کاهش تولید محصولات کشاورزی و اختلالات تنفسی در انسان مطرح می‌شود. پس نمی‌توان مسئله را فقط یک پدیدهٔ جوی دانست. زنجیرهٔ منطقی‌تر به‌ترتیب این است:

- کاهش ریزش‌های جوی
- کاهش منابع آب و تضعیف پوشش گیاهی
- افزایش ریزگردها
- آسیب به سلامت انسان به‌ویژه اختلالات تنفسی
- آسیب رساندن به محیط زیست و کاهش میزان تولید محصولات کشاورزی
- نیاز به مدیریت صحیح منابع آب و توجه به محیط زیست برای مقابله با ریزگردها

بنابراین گزینهٔ «۳» تنها گزینه‌ای است که رابطه بین عوامل طبیعی، پیامدهای محیطی و انسانی و ضرورت مدیریت را به شکل جامع در نظر گرفته است.

(جغرافیای ایران، آب و هوای ایران، صفحهٔ ۴۶)

۱۳۹- گزینهٔ «۳» *(فائزه رحیمی لهی)*

خلیج‌فارس عمدتاً از رودهای غرب کشور تغذیه می‌شود. (رد گزینهٔ «۱»)

دریای خزر از بقایای دریای تتیس است که از میلیون‌ها سال قبل و به‌خاطر حرکت صفحات کرهٔ زمین از بقیهٔ آب‌های قدیمی جدا مانده است، اما خلیج فارس حاصل پیشروی آب‌های اقیانوس هند از طریق دریای عمان و تنگهٔ هرمز به دره‌های زاگرس است. (رد گزینهٔ «۲») دریای عمان به‌دلیل جنس ساحل و عمق مناسب برای توسعهٔ بنادر با محدودیت مواجه نیست. (رد گزینهٔ «۴»)

(جغرافیای ایران، جغرافیای طبیعی ایران، صفحه‌های ۳۸، ۴۰ و ۵۲ تا ۵۶)

۱۴۰- گزینهٔ «۱» *(حامد صفرخانیان)*

با توجه به ناهمواری‌ها و جهت آن‌ها، هرچه از غرب به سمت شرق کشور برویم، مقدار آب رودها کمتر می‌شود. ← در نتیجه میزان آبدهی رودها در نواحی غربی بیشتر از نواحی شرقی کشور است.

اغلب دریاچه‌های دائمی ایران در نیمهٔ غربی کشور قرار دارند.

رودهایی که از کوهستان‌های بلند و برف‌گیر تغذیه می شوند، دائمی هستند.

اگر کانون‌های آبگیر در فصول سرد سال، ذخیرهٔ برف خود را تا ابتدای ماه‌های گرم سال حفظ کنند، بدون توجه به میزان بارش و زمان آن، جزء کانون‌های فصلی به شمار می‌روند.

(جغرافیای ایران، منابع آب ایران، صفحه‌های ۴۹، ۵۰ و ۵۷)

تاریخ (۲)

۱۴۱- گزینهٔ «۴» *(یاسین ساعدی)*

بررسی ترتیب رویدادها:

الف) منصور، ابومسلم خراسانی را با وجود خدمات بزرگی که به عباسیان کرده بود، به قتل رساند. این رویداد در دورهٔ منصور (حکومت ۱۳۶- ۱۵۸ هجری قمری) رخ داد.

ب) یکی از اقدامات مهم منصور برای تحکیم و تثبیت خلافت، بنای شهر بغداد به‌عنوان پایتخت عباسیان بود. بنابراین این اقدام نیز در دورهٔ منصور انجام شد، اما پس از تثبیت قدرت و حذف رقبا (از جمله ابومسلم) صورت گرفت، پس رویداد «الف» بر «ب» مقدم است.

ج) هارون‌الرشید، پنجمین خلیفهٔ عباسی (حکومت ۱۷۰-۱۹۳ هجری قمری) ادارهٔ امور خلافت را به یحیی برمکی سپرد. بنابراین «ج» پس از منصور رخ داده است.

د) مأمون تحت تأثیر وزیر قدرتمند خود، مرکز خلافت را از بغداد به مرو منتقل کرد. مأمون (حکومت ۱۹۸-۲۱۸ هجری قمری) پس از هارون‌الرشید به قدرت رسید، بنابراین «د» پس از «ج» رخ داده است.

در نتیجه ترتیب صحیح: الف ← ب ← ج ← د

(تاریخ (۲)، جهان اسلام در عصر خلافت عباسی، صفحه‌های ۶۶، ۶۷ و ۶۹)

۱۴۲- گزینهٔ «۴» *(فائزه رحیمی لهی)*

تشریح گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: عبارت دوم نادرست است؛ هنرمندان دورهٔ فاطمیان در شیشه‌گری، بلورسازی و سفالگری به نوآوری پرداختند.

گزینهٔ «۲»: هر دو عبارت نادرست است؛ معدودی از خلفای فاطمی محدودیت‌هایی را برای پیروان سایر مذاهب به‌وجود آوردند و علاقهٔ خلفای فاطمی به مظاهر شکوه و جلال، به توسعهٔ هنرهای تزیینی و معماری کمک کرد.

گزینهٔ «۳»: هر دو عبارت درست است.

گزینهٔ «۴»: عبارت اول نادرست است. خلفای فاطمی برای آنکه دارالعلم قاهره به‌عنوان مرکز علمی بزرگ دیگری علاوه بر الازهر بتواند نقشی مانند بیت‌الحکمهٔ بغداد ایفا کند، کتاب‌های زیادی تهیه کردند.

(تاریخ (۲)، جهان اسلام در عصر خلافت عباسی، صفحه‌های ۷۴، ۷۶ و ۷۷)

۱۴۳- گزینهٔ «۴» *(فاطمه عزیزی)*

تشریح موارد:

الف) خسروپرویز، به باذان، حاکم ایرانی یمن امر کرد که به حجاز رود و حضرت محمد (ص) را دستگیر و روانهٔ تیسفون کند.

ب) گروهی به‌صورت افراطی، با مقایسهٔ زندگی ایرانیان باستان با زندگی اعرابِ عصر جاهلیت، به تحقیر قوم عرب پرداختند. اینان به شُعوبیان معروف شدند.

ج) حکومت ساسانیان، علاوه بر زنجیره‌ای از پادگان- شهرها که در مرزهای جنوب غربی قلمرو خود ایجاد کرده بود، دولت دست‌نشانده‌ای از طایفهٔ عربِ آل‌مُنذر (لخَمیان) را در حیره بر سر کار آورد تا در برابر یورش اعراب بَدَوی از مرزهای ایران دفاع کند.

د) حَجّاج بن یوسف ثَقفی، از جمله معروف‌ترین والیان اموی بود که بر عراق و ایران فرمان راند و به ایرانیان، خواه مسلمان و خواه غیرمسلمان، ظلم زیادی کرد.

(تاریخ (۲)، اسلام در ایران؛ زمینه‌های ظهور تمدن اسلامی - ایرانی، صفحه‌های ۸۰، ۸۱، ۸۳ تا ۸۶ و ۸۸)

۱۴۴- گزینهٔ «۲» *(علیرضا آزادی‌زاده)*

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: علویان طبرستان همواره رابطهٔ خصمانه‌ای با خلفای عباسی داشتند و رابطهٔ صفاریان با خلافت عباسی با فراز و نشیب همراه بود.

گزینهٔ «۳»: یعقوب ابتدا بدون اجازهٔ خلیفه به قدرت رسید، اما عملکرد او به خصوص در سرکوب خوارج و جهاد با کفار مرزهای شرقی، خلیفه را واداشت که حکومت سیستان را به او بدهد.

گزینهٔ «۴»: مهم‌ترین پیامد سیاسی ظهور حکومت‌های ایرانی، زوال تدریجی سلطهٔ سیاسی و نظامی خلفای عباسی بر ایران بود.

(تاریخ (۲)، ظهور و گسترش تمدن ایرانی - اسلامی، صفحه‌های ۹۰، ۹۲ تا ۹۴)

۱۴۵- گزینهٔ «۳» *(فاطمه احمدی)*

تشریح عبارت نادرست:

ب) در دورهٔ سامانیان، زبان فارسی به‌عنوان زبان علم و دین در کنار زبان عربی قرار گرفت و چندین اثر علمی و دینی به زبان فارسی تألیف و یا ترجمه شد.

(تاریخ (۲)، ظهور و گسترش تمدن ایرانی - اسلامی، صفحه‌های ۹۴، ۹۵، ۹۸ و ۱۰۰)

جغرافیا (۲)

۱۴۶- گزینهٔ «۱» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

«ب»، «ج» و «د» هرکدام نمایش یک بوم‌سازگان (اکوسیستم) هستند. هر بوم‌سازگان شامل دو بخش زنده و غیرزنده است که تنها یک نوع تولیدکننده (گیاهان) و چندین نوع مصرف‌کننده دارد.

(جغرافیا (۲)، نواحی زیستی، صفحه‌های ۵۳ و ۵۴)

۱۴۷- گزینهٔ «۴» *(علیرضا پدرام)*

قابلیت‌های نواحی بیابانی: گردشگری، انرژی، معادن، مناسب برای تحقیقات نجومی و صنایع هوافضا

قابلیت‌های نواحی ساحلی: ماهیگیری، فعالیت‌های بازرگانی، انرژی، گردشگری

قابلیت‌های نواحی کوهستانی: جاذبه‌های گردشگری، دامنه‌های مناسب برای پرورش دام، معادن، تأمین منابع آب شیرین، تنوع زیستی و تنوع فرهنگ‌های بومی

(جغرافیا (۲)، نواحی زیستی، صفحه‌های ۵۸، ۶۰ و ۶۲)

۱۴۸- گزینهٔ «۲» *(هادی توکلی)*

تشریح عبارت‌های نادرست:

الف) زبان عربی، زبان رسمی بیش از ۲۰ کشور و یکی از زبان‌های رسمی سازمان ملل متحد است.

ج) کشورهای جنوب غرب آسیا و شمال آفریقا به زبان عربی صحبت می‌کنند.

د) در نتیجهٔ عصر اکتشافات جغرافیایی که در قرن‌های ۱۵ و ۱۶ میلادی رخ داد، در آمریکای شمالی، استرالیا و نیوزلند، زبان انگلیسی گسترش یافت؛ در مستعمرات آن‌ها در قاره‌های آفریقا، آمریکای جنوبی و بخش‌هایی از آسیا نیز زبان‌های انگلیسی، اسپانیایی، پرتغالی و فرانسوی رواج پیدا کرد.

و) ترویج زبان از طریق برگزاری کلاس‌های آموزشی برای مهاجران، مربوط به ایالت کبک در کانادا است.

(جغرافیا (۲)، نواحی فرهنگی، صفحه‌های ۶۹ تا ۷۲)

۱۴۹- گزینهٔ «۴» *(مهیا مالکی)*

تشریح عبارت‌های نادرست:

ب) فرهنگ اسلامی در شمال قارهٔ آفریقا رواج دارد.

د) دین مسیحیت در آسیا ظهور کرد، اما امروزه شمار پیروان آن در قاره‌های اروپا، آمریکا، استرالیا و نیوزیلند و کشورهای مرکزی و جنوبی آفریقا بیشتر است.

(جغرافیا (۲)، نواحی فرهنگی، صفحه‌های ۷۴ و ۷۵)

۱۵۰- گزینهٔ «۱» *(راضیه ابراهیمی‌نژاد)*

امروزه گسترش رسانه‌ها و فناوری اطلاعات و ارتباطات امکان پخش فرهنگی را حتی بدون تماس مستقیم فرهنگ‌ها فراهم کرده است و در نتیجه، این نوع پخش فرهنگی در دنیای امروز غالب است. بنابراین گزینهٔ «۱» صحیح است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: گسترش ارتباطات باعث حذف یا کنار زده شدن مهاجرت و داد و ستد نشده است، بلکه مهاجرت و داد و ستد همچنان از عوامل پخش فرهنگی در دنیای امروز هستند.

گزینهٔ «۳»: گسترش رسانه‌ها سبب افزایش تماس مستقیم نشده است، بلکه متن کتاب، گسترش رسانه‌ها را در پخش غیرمستقیم مؤثر می‌داند.

گزینهٔ «۴»: کتاب، گسترش رسانه‌ها را عاملی برای یکسان‌سازی فرهنگ‌ها و خطری بزرگ برای فرهنگ و هویت ملی و بومی نواحی جهان می‌داند.

(جغرافیا (۲)، نواحی فرهنگی، صفحهٔ ۸۱)

فلسفهٔ دوازدهم

۱۵۱- گزینهٔ «۲» *(محمد قربانی)*

مطابقت یک قضیه با واقعیت (صادق بودنِ آن) الزاماً بیانگر «وجوبی بودنِ» نسبتِ میان موضوع و محمول نیست. قضایای تجربی و قراردادیِ متعددی وجود دارند که در جهان خارج صادق‌اند مانند «آب در صد درجه می‌جوشد»، اما تحلیل عقلی نشان می‌دهد پیوند محمول با موضوع در آن‌ها امکانی است؛ چرا که عقل سلبِ آن محمول را ناممکن یا متناقض نمی‌شمارد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: قضایای وجوبی می‌توانند در ساختار سالبه (منفی) نیز ظاهر شوند؛ سلبِ یک ویژگیِ ممتنع از موضوع، رابطه‌ای وجوبی و قطعی می‌سازد. مانند: «مثلث، چهارضلعی نیست»؛ این قضایا سالبه هستند اما نسبتِ سلب در آن‌ها وجوبی و ضروری است.

گزینهٔ «۳»: در قضایای امکانی نیز بر اساس اصل امتناع اجتماع نقیضین، در هر وضعیت خارجی دقیقاً یکی از دو طرفِ «موجبه» یا «سالبه» صادق و طرف دیگر کاذب است مانند: «فیل پرواز نمی‌کند» که سالبهٔ صادق است و نمی‌تواند هم‌زمان با موجبه‌اش صادق باشد. امکانی بودنِ نسبت به این معناست که ذاتِ موضوع اقتضای هیچ‌یک از دو طرف را ندارد، نه اینکه هر دو طرف در آنِ واحد در خارج صادق باشند.

گزینهٔ «۴»: امتناع مربوط به «رابطه و نسبت میان موضوع و محمول» است، نه الزاماً خودِ موضوع. ممکن است موضوعِ قضیه یک شیء واقعی و موجود در خارج باشد، اما حمل یک صفتِ ناسازگار بر آن امتناعی باشد مانند: «گیاه مهره‌دار است» که اساساً حمل محمول مهره‌دار بر گیاه ممتنع و محال است.

(فلسفهٔ دوازدهم، جهان ممکنات، صفحه‌های ۹ و ۱۰)

۱۵۲- گزینهٔ «۲» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

سرد بودن داخل در تعریف هوای جنگل یا امری جدایی‌ناپذیر از ذات آن نیست؛ بنابراین نسبت بین موضوع و محمول در این قضیه امکانی است.

(فلسفهٔ دوازدهم، جهان ممکنات، صفحه‌های ۹ و ۱۰)

۱۵۳- گزینهٔ «۱» *(جواد پاکدل - فاروج)*

رابطهٔ میان موضوع و محمول در قضیهٔ گزینهٔ «۱» از نوع وجوبی (ضروری) است، در حالی که در سه قضیهٔ دیگر این رابطه امتناعی (محال) می‌باشد.

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱» (وجوبی): آتش ماهیتی امکانی دارد و در ذات خود نسبت به وجود و عدم مساوی است؛ یعنی ذاتاً ممکن‌الوجود است. بنابراین، قضیهٔ «آتش، ممکن‌الوجود بالذات است» رابطه‌ای ضروری دارد و انفکاک این ویژگی از ماهیت آتش عقلاً ناممکن است.

گزینهٔ «۲» (امتناعی): پری دریایی تناقض ذاتی ندارد؛ مفهومی است که عقل فرض وجودش را محال نمی‌داند و صرفاً به علت عدم تحقق علت در خارج موجود نشده است (ممتنع بالغیر، اما ذاتاً ممکن‌الوجود). بنابراین، قضیهٔ «پری دریایی، ممتنع‌الوجود بالذات است» کاذبِ همیشگی و رابطه‌اش امتناعی است.

گزینهٔ «۳» (امتناعی): ذات باری تعالی یگانه مصداق واجب‌الوجود بالذات، بی‌نیاز و مستقل مطلق است؛ از این رو اتصاف او به وجوبِ وجود ناشی از غیر، اجتماع نقیضین و محال است. در نتیجه قضیهٔ «ذات باری تعالی، واجب‌الوجود بالغیر است» رابطه‌ای امتناعی دارد.

گزینهٔ «۴» (امتناعی): هر موجودی غیر از خداوند ـ خواه مادی باشد خواه غیرمادی (مانند مجردات و فرشتگان) ـ معلول و وابسته است و در ساحت ذات، پیوندش با وجود از نوع امکانی است. واجب‌الوجود بالذات منحصر در ذات خداوند است؛ بنابراین قضیهٔ «جهان غیرمادی، واجب‌الوجود بالذات است» ممتنع و محال عقلی است.

(فلسفهٔ دوازدهم، جهان ممکنات، صفحه‌های ۹ تا ۱۲)

۱۵۴- گزینهٔ «۳» *(فرهاد قاسمی‌نژاد)*

هر دو مفهوم این گزینه ممتنع‌الوجود بالذات هستند؛ یعنی در درون ذات و ماهیت آن‌ها تناقض وجود دارد و عقل امکان تحقق آن‌ها را در هیچ حالتی نمی‌پذیرد:

سیاهِ سفید: ترکیب وصفی متناقض و مصداق اجتماع ضدین است؛ اتصاف یک شیء از یک جهت و در یک زمان به هر دو صفت سیاهی و سفیدی عقلاً محال است.

مستطیلِ حجم‌دار: مستطیل یک شکل هندسیِ مسطح و دارای دو بُعد (طول و عرض) است، در حالی که «حجم‌مندی» از اوصاف اختصاصی جسم (موجود سه‌بعدی) به شمار می‌رود. حمل ویژگی‌های جسم بر سطح، امتناعی و محال است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: خط سه‌بعدی (امتناعی): خط بر حسب ذاتْ موجودی تک‌بُعدی (دارای طول) است؛ بنابراین اتصاف آن به سه‌بُعدی بودن تناقض ذاتی دارد و محال است.

جسمِ مستطیل‌شکل (امکانی): جسم دارای سه بُعد است و می‌تواند وجه یا مقطعی به شکل مستطیل داشته باشد؛ این مفهوم در جهان خارج تحقق عینی دارد (مانند کتاب، تخته یا جعبه).

گزینهٔ «۲»: دریای جیوه (امکانی): در تحلیل عقلی، اجتماع جیوه در ابعاد یک دریا هیچ‌گونه تناقض درونی ندارد. این پدیده اگرچه در واقعیت خارجی موجود نیست، اما عدم تحقق آن صرفاً به دلیل نبود علت است (ممتنع بالغیر)؛ بنابراین ذاتاً ممکن‌الوجود است نه ممتنع.

اسب تک‌شاخ (امکانی): ماهیت اسب با داشتن یک شاخ تعارض عقلی ندارد؛ نبودِ آن در طبیعت ناشی از عدم تحقق علت است (ممتنع بالغیر) و عقل وجودش را ذاتاً محال نمی‌داند.

گزینهٔ «۴»: روح نامرئی (امکانی): نامرئی بودن و تجرد از اوصافی است که عقل برای موجودات غیرمادی (مجرد) کاملاً ممکن و بدون تناقض می‌داند؛ در نتیجه پیوند روح با نامرئی بودن امکانی است و ممتنع بالذات نیست.

انرژی تاریک (امکانی): مفهومی در فیزیک کیهانی است که نه در ذات خود تناقض مفهومی دارد و نه عقل تحقق آن را ناممکن می‌شمارد.

(فلسفهٔ دوازدهم، جهان ممکنات، صفحه‌های ۱۰ و ۱۱)

۱۵۵- گزینهٔ «۴» *(حسین آقوندی راهنمایی)*

رابطهٔ وجود با موضوع در هر دو مفهوم «واجب‌الوجود بالذات» و «واجب‌الوجود بالغیر» از نوع وجوبی (ضروری) است؛ بنابراین داشتن رابطهٔ وجوبی با وجود، یک صفت مشترک است نه وصف اختصاصی. تفاوت آن‌ها صرفاً در منشأ این وجوب است (یکی از خودِ ذات و دیگری از ناحیهٔ علت).

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: تحقق یافتن ممکن‌الوجود در خارج، صفت انحصاری واجب بالغیر است.

گزینهٔ «۲»: قید «از ناحیهٔ غیر» اختصاصاً مربوط به ممکناتی است که علت یافته‌اند (واجب بالغیر).

گزینهٔ «۳»: واجب بالغیر حتی پس از موجود شدن، همچنان ذاتاً نسبت به وجود و عدم لااقتضاست و ذات امکانی‌اش دگرگون نمی‌شود؛ این وصف مختص ممکنات است، چرا که واجب بالذات ذاتاً ضرورت وجود دارد و اصلاً امکانی نیست که بخواهد وجوب دریافت کند.

(فلسفهٔ دوازدهم، جهان ممکنات، صفحه‌های ۱۱ و ۱۲)

۱۵۶- گزینهٔ «۲» *(موسی سپاهی - سراوان)*

ابن‌سینا برای تبیین این مسئله از تمثیل ترازو استفاده می‌کند: ماهیتِ ممکن‌الوجود نسبت به بودن و نبودن بی‌تفاوت و در حالت تساوی کامل (مانند دو کفهٔ برابر ترازو) است. خروج از این حالت تساوی و سنگین‌تر شدن کفهٔ وجود بر کفهٔ عدم، بدون وجود علت امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین هر ممکن‌الوجودی که علتِ آن محقق شود، کفهٔ وجودش برتری یافته و موجود می‌شود (واجب بالغیر)، و اگر علت آن فراهم نشود، در مرتبهٔ عدم باقی می‌ماند (ممتنع بالغیر).

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: ممکن‌الوجود نه اقتضای هستی دارد و نه اقتضای نیستی (لااقتضاست)؛ ذات دارای اقتضای هستی واجب بالذات و ذات دارای اقتضای نیستی، ممتنع بالذات است.

گزینهٔ «۳»: ممکن‌الوجود هرگز به‌خودی‌خود واجب‌الوجود نیست و تا ابد ماهیت امکانی‌اش محفوظ می‌ماند.

گزینهٔ «۴»: ناموجود بودنِ یک ممکن‌الوجود، دلیل بر ممتنع بالذات بودن آن نیست؛ بلکه نشان‌دهندهٔ عدم تحقق علت است که آن را «ممتنع‌الوجود بالغیر» ساخته است.

(فلسفهٔ دوازدهم، جهان ممکنات، صفحه‌های ۱۱ و ۱۲)

۱۵۷- گزینهٔ «۳» *(محمد قربانی)*

هر مفهومی که در جهان خارج فاقد مصداق عینی است، عقلاً از دو حال خارج نیست:

۱. ممتنع‌الوجود بالذات: مفهومی که در درون ذاتش تناقض دارد (مانند شریک خدا یا مثلث چهارضلعی). این دسته اساساً قابلیت انتساب به وجودی تحت عنوان علت را ندارند و هیچ علتی برای آن‌ها قابل فرض یا محقق نیست.

۲. ممتنع‌الوجود بالغیر: مفهومی که ذاتاً قابلیت هستی دارد، اما به دلیل عدم تحقق علت در خارج موجود نشده است (مانند دریای جیوه یا دیو).

در هر دو حالت، هیچ علتی برای ترجیح جانب هستی و به‌وجود آمدن این مفهوم، تحقق نیافته است.

(فلسفهٔ دوازدهم، جهان ممکنات، صفحه‌های ۱۰ تا ۱۲)

۱۵۸- گزینهٔ «۲» *(حمید سوریان)*

علت چیزی است که به چیزی دیگر وجود می‌دهد و آن چیز را به وجود می‌آورد و معلول در وجود خود لحظه به لحظه وابسته به آن است؛ به عبارت دقیق‌تر، علت موجودی است که وجودِ معلول متوقف بر وجود آن است. بنابراین، در تعریف «طرف غیروابسته» (علت)، باید به دنبال عبارتی باشیم که هم تقدم زمانی را رد کند (علت از زمانی که علت می‌شود، معلول را پدید می‌آورد، نه مدتی بعد)، هم از تعریف دوری بپرهیزد (تعریف علت با معلول و معلول با علت) و هم وابستگی را به‌صورت «وجودی» بیان کند (هر وابستگی‌ای وجودی نیست).

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: عبارت «پس از خود» اشاره به این دارد که ابتدا علت بوده و سپس معلول پدید آمده است؛ در حالی که تقدم علت بر معلول، تقدم «رتبی» است و نه زمانی.

گزینهٔ «۳»: در این تعریف از مفهوم «معلول» استفاده شده است. اگر بخواهیم تعریف را باز کنیم، ممکن است دچار «تعریف دوری» شویم؛ زیرا ممکن است معلول به چیزی تعریف شود که توسط علت ایجاد می‌شود و اینجا گفته شده علت چیزی است که معلول (چیزی که توسط علت ایجاد شده) را ایجاد می‌کند. به همین جهت بهتر است در تعریف هر یک از مفاهیم «علت» و «معلول»، از دیگری استفاده نکنیم.

گزینهٔ «۴»: این تعریف «مانع» نیست. عبارت «وابسته می‌کند»، هر نوع وابستگی (عاطفی، مادی، اجتماعی و ...) را شامل می‌شود؛ در حالی که در رابطهٔ علّیت، فقط «وابستگی وجودی» مورد نظر است.

(فلسفهٔ دوازدهم، جهان علّی و معلولی، صفحهٔ ۱۴)

۱۵۹- گزینهٔ «۴» *(محمد قربانی)*

علت همواره واجب‌الوجود بالذات نیست؛ ممکن‌الوجودها نیز می‌توانند برای پدیده‌های دیگر نقش علت و فاعل را ایفا کنند و به آن‌ها وجوب بالغیر ببخشند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: رابطهٔ علّیت پیوندی یک‌سویه است، نه دوسویه؛ وابستگی وجودی صرفاً از سوی معلول به علت است و تنها هستیِ معلول منوط به این رابطه است، در حالی که ذات علت در اصلِ هستی خود نیازی به معلول ندارد.

گزینهٔ «۲»: در ساحت هستی‌شناسی، بودنِ علتْ علتِ بودنِ معلول است. تحقق معلول در خارج صرفاً نشانه و کاشفِ حضور علت است، نه علتِ هستی‌یافتنِ آن.

گزینهٔ «۳»: تقدم علت بر معلول تقدم رتبی، عقلی و ذاتی است، نه زمانی. علت و معلول در زمان مقارن و هم‌زمان هستند (مانند حرکت دست و حرکت کلید در قفل) و هیچ فاصلهٔ زمانی میان آن‌ها وجود ندارد.

(فلسفهٔ دوازدهم، جهان علّی و معلولی، صفحهٔ ۱۴)

۱۶۰- گزینهٔ «۲» *(حسین آخوندی راهنماپی)*

رابطهٔ میان زمین و اشیای روی آن، یک رابطهٔ فیزیکی / مکانی است نه رابطهٔ علّیتِ هستی‌بخش. در تمامی روابط غیرعلّی، رابطه، فرع بر وجود طرفین است؛ یعنی ابتدا باید هر دو پدیده (زمین و اشیا) در عالم خارج موجود باشند تا سپس رابطه‌ای از قبیل قرار گرفتن یکی بر روی دیگری میان آن‌ها شکل بگیرد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: رابطهٔ میان «زمین و اشیای مستقر بر آن» از جنس روابط پس از وجود است؛ یعنی بعد از وجود طرفین رابطه، زمین و اشیا، رابطهٔ قرارگیری یکی بر دیگری برقرار می‌شود. پس وجود طرفین متوقف بر برقراری رابطه نیست، بلکه برقراری رابطه متوقف بر وجود طرفین رابطه است.

گزینهٔ «۳»: ایجادکنندگی و هستی‌بخشی اختصاصاً ویژگی «رابطهٔ علّیت» است.

گزینهٔ «۴»: یکی از کهن‌ترین مسائل فلسفی، اصل علّیت است و رابطهٔ زمین و اشیای مستقر در آن مصداق اصل علّیت نیست.

(فلسفهٔ دوازدهم، جهان علّی و معلولی، صفحه‌های ۱۴ و ۱۵)

منطق

۱۶۱- گزینهٔ «۲» *(محمد قربانی)*

مصداق لزوماً محدود به جهان عین و خارج نیست و می‌تواند نمونه‌ای صرفاً فرضی و خیالی در ساحت ذهن باشد؛ مانند «سیمرغ»، «دیو» یا «رخش رستم» که هیچ وجود خارجی ندارند اما مصداق ذهنی و فرضیِ مفاهیم خود به شمار می‌روند. بنابراین، قید «همواره در خارج محقق است» نادرست است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: مفهوم همان معنا، صورت و تصویری است که در دستگاه ادراکی ذهن شکل می‌گیرد؛ از این رو ذات مفهوم صرفاً امری ذهنی است و نمی‌تواند مستقلاً در جهان خارج تحقق یابد.

گزینهٔ «۳»: مفهوم یک مصداقِ فرضی لزوماً کلی نیست. اگر مصداق فرضی و مشخص از یک شخصیت خیالیِ معین در ذهن داشته باشیم (مانند «هری پاتر»)، مفهوم آن مصداق فرضی جزئی محسوب می‌شود.

گزینهٔ «۴»: اشاره با حواس پنج‌گانه (مانند اشاره با دست) تنها به افراد و نمونه‌های عینی در جهان خارج تعلق می‌گیرد؛ بنابراین مصادیق خارجی برخلاف مفاهیم ذهنی، قابلیت اشارهٔ حسی دارند.

(منطق، مفهوم و مصداق، صفحهٔ ۲۰)

۱۶۲- گزینهٔ «۲» *(محمد قربانی)*

مفهومی که هیچ مصداق خارجی ندارد می‌تواند «کلی» باشد (مانند مفهوم ممتنع‌الوجود «شریک خدا» یا مفهوم فرضی «سیمرغ» که امکان فرض کثرت در آن هست) و همچنین می‌تواند «جزئی» باشد (مانند مفهوم یک موجود خیالی و معین مثل «رخش رستم» یا «هری پاتر» که تعین فردی دارد اما وجود خارجی ندارد). بنابراین فقدان مصداق عینی هم در کلی و هم در جزئی امکان‌پذیر است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: اگر تحقق افراد متعدد برای مفهومی در خارج محال باشد، آن مفهوم می‌تواند کلی باشد؛ برای نمونه مفهوم «واجب‌الوجود بالذات» (خدا) تنها یک مصداق دارد و وجود مصداق دوم برای آن در خارج محال است، اما چون عقل مانعی در «تصور و فرضِ» موارد متعدد برای اصلِ مفهوم نمی‌بیند، کلی محسوب می‌شود.

گزینهٔ «۳»: برای تعریف مفهوم کلی و جزئی به وجود داشتن یا نداشتن آن مفهوم کاری نداریم، بلکه به آن کار داریم که مفهوم اشاره‌شده قابلیت این را دارد که چندین مصداق داشته باشد یا تنها یک مصداق دارد. درست است که مفهوم شریک‌الباری کلی است، اما کلی بودن آن بدین واسطه است که آن مفهوم قابلیت این را دارد که بر مصادیق متعدد حمل شود.

گزینهٔ «۴»: انحصار خارجی در یک مصداق، وجه تمایز جزئی از کلی نیست؛ مفاهیمی مانند «خدا» یا «خورشید» در عالم واقع تنها یک مصداق دارند ولی کلی هستند، در حالی که اسامی خاص مانند «تهران» با داشتن یک مصداق، جزئی به شمار می‌روند.

(منطق، مفهوم و مصداق، صفحه‌های ۲۰ و ۲۱)

۱۶۳- گزینهٔ «۴» *(محمد قربانی)*

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: مفاهیم کلی: تماس، پلیس، گزارش (۳ مفهوم کلی)

مفاهیم جزئی: امروز، او، من (مستتر در گرفتم/گفتم)، این موضوع (با صفت اشاره جزئی شده) (۴ مفهوم جزئی)

گزینهٔ «۲»: مفاهیم کلی: اثر ماندگار، شاعر بزرگ قرن هفتم (۲ مفهوم کلی)

مفاهیم جزئی: کتاب گلستان (اسم خاص اثر)، سعدی شیرازی (اسم خاص شخص) (۲ مفهوم جزئی)

گزینهٔ «۳»: مفاهیم کلی: اتوبوس خط واحد، سمت میدان آزادی، حرکت، پیاده (۴ مفهوم کلی)

مفاهیم جزئی: رضا (اسم خاص شخص)، (۱ مفهوم جزئی)

گزینهٔ «۴»: مفاهیم کلی: فردای آن روز، باران بسیار شدید، خیابان‌های شهر، مسدود (۴ مفهوم کلی)

مفاهیم جزئی: ـ (صفر مفهوم جزئی)

بنابراین در گزینهٔ «۴» هیچ مفهوم جزئی به کار نرفته و تعداد مفاهیم جزئی در آن کمتر از سایر گزینه‌هاست.

نکتهٔ بسیار مهم:

در بررسی ترکیب‌های اضافی و وصفی، حتماً کل ترکیب را به‌صورت «یک مفهوم واحد» در نظر بگیرید و اجزای آن را جداگانه محاسبه نکنید. به عنوان مثال در گزینهٔ «۴»، اگرچه واژهٔ «آن روز» به تنهایی جزئی است، اما کل ترکیبِ «فردای آن روز» یک مفهوم کلی به شمار می‌رود.

(منطق، مفهوم و مصداق، صفحه‌های ۲۰ و ۲۱)

۱۶۴- گزینهٔ «۴» *(هوادار پاکدل - فاروج)*

مفهوم جزئی مفهومی است که قابلیت انطباق بر بیش از یک مورد را ندارد و نمی‌توان برای آن موارد متعدد در ذهن فرض کرد. اسامی خاصِ اشخاص، کتاب‌ها، شهرها و اماکن همگی جزئی هستند. عبارت «هزار و یک شب» نام خاص یک کتاب مشخص است؛ بنابراین؛ مفهومی جزئی به شمار می‌رود.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: واژه‌های «خورشید» و «ماه» در منطق، مفهوم کلی هستند چون هر ستاره‌ای که مرکز منظومه‌ای باشد، خورشید و هر قمر طبیعی، ماه نامیده می‌شود.

گزینهٔ «۲»: عبارت «حافظ قرآن» یک عنوان، صفت و مفهوم عام است که قابلیت صدق بر افراد متعددی را در طول تاریخ دارد؛ بنابراین کلی است.

گزینهٔ «۳»: «بزرگ‌ترین دریاچهٔ جهان» یک عنوان و توصیف است و درست است که در حال حاضر تنها یک مصداق دارد، اما می‌توان مصادیق دیگری را برای آن فرض کرد، پس مفهومی کلی است.

(منطق، مفهوم و مصداق، صفحه‌های ۲۰ و ۲۱)

۱۶۵- گزینهٔ «۲» *(محمد قربانی)*

در نسبت عموم و خصوص من‌وجه، دو مفهوم کلی در بخشی از مصادیق خود با یکدیگر اشتراک دارند و در بخشی دیگر از یکدیگر جدا می‌شوند (دو دایرهٔ متقاطع). به همین دلیل، هر یک از این دو مفهوم از جهتی گسترهٔ بیشتری نسبت به دیگری دارد و از جهتی دیگر محدودتر است؛ بنابراین تعبیر اصطلاحیِ «از جهتی اعم و از جهتی اخص» دقیقاً نشانه و بیانگر نسبت عموم و خصوص من‌وجه است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: رابطهٔ میان یک شیء (کل) با اجزای تشکیل‌دهندهٔ آن تباین است، نه عموم و خصوص مطلق؛ برای نمونه «دیوار» کل است و «آجر» جزء آن، اما مفهوم دیوار بر تک‌تک آجرها صدق نمی‌کند («هیچ دیواری آجر نیست» و «هیچ آجری دیوار نیست»).

گزینهٔ «۳»: برقراری نسبت‌های چهارگانه نیازی به تحقق عینی در جهان خارج ندارند؛ مفاهیم کلیِ بدون مصداق خارجی یا خیالی نیز می‌توانند با یکدیگر نسبت‌های چهارگانه بسازند (مانند تساوی میان دو مفهوم فرضیِ «سیمرغ» و «عنقا»، یا تباین میان «دیو» و «سیمرغ»). تنها شرط برقراری این نسبت‌ها، «کلی بودن» مفاهیم است.

گزینهٔ «۴»: در نسبت عموم و خصوص مطلق، مفهوم اعم دارای «مصادیق» بیشتر از مفهوم اخص است نه «مفاهیم ذهنی بیشتر»؛ اتفاقاً از حیث مفهومی، مفهوم اخص ویژگی‌ها، قیود و بار معنایی بیشتری نسبت به مفهوم اعم دارد.

(منطق، مفهوم و مصداق، صفحه‌های ۲۲ و ۲۳)

۱۶۶- گزینهٔ «۱» *(همید سودیان)*

تحلیل نسبت‌های صورت سؤال:

دارای حرکت ارادی با رشدکننده: هر موجودی که دارای حرکت ارادی است (حیوان)، حتماً رشدکننده است؛ اما بعضی رشدکننده‌ها (گیاهان) حرکت ارادی ندارند ـ عموم و خصوص مطلق

کتاب با ورق کاغذ: ورق کاغذ جزء سازندهٔ کتاب است و رابطهٔ هر شیء با اجزای سازنده‌اش تباین است (هیچ کتابی ورق کاغذ نیست و هیچ ورقی به‌تنهایی کتاب نیست).

بررسی گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: تعریف با اندیشه: تعریف یکی از انواع اندیشه و فکر است؛ هر تعریفی اندیشه است اما هر اندیشه‌ای تعریف نیست (مانند استدلال) ـ عموم و خصوص مطلق

مثلث با سه پاره‌خط: سه پاره‌خط اجزای سازندهٔ مثلث هستند و رابطهٔ شیء با اجزایش تباین است ـ تباین

گزینهٔ «۲»: مغالطه با سفسطه تساوی است؛ ممکن‌الوجود با واجب‌الوجود بالذات، تباین است.

گزینهٔ «۳»: انسان با دانشمند عموم و خصوص مطلق است؛ جاندار با جانور عموم و خصوص مطلق است، جاندار اعم و جانور اخص است.

گزینهٔ «۴»: فلسفهٔ منطق با شاخهٔ فلسفه، عموم و خصوص مطلق است؛ هر «باورمندی به معاد» باید «باورمند به روح» باشد و نه بالعکس ـ عموم و خصوص مطلق.

(منطق، مفهوم و مصداق، صفحه‌های ۲۲ و ۲۳)

۱۶۷- گزینهٔ «۱» *(فرهاد قاسمی‌نژاد)*

وقتی می‌گوییم «هر غیرالف، غیرب است»، یعنی کل دایرهٔ «غیرِ الف» داخل دایرهٔ «غیرِ ب» قرار گرفته است؛ بنابراین فقط دو حالت برای نسبت این دو دایره ممکن است:

۱- تساوی: اگر دو دایره کاملاً بر هم منطبق باشند (مانند «غیرِ انسان» و «غیرِ ناطق»)؛ در این صورت هم «هر غیرِ الف، غیرِ ب است» درست است و هم «هر غیرِ ب، غیرِ الف است.»

۲- عموم و خصوص مطلق: اگر دایرهٔ «غیرِ ب» بزرگ‌تر باشد و دایرهٔ «غیرِ الف» را به‌طور کامل در خود جا داده باشد (مانند «غیرِ ایرانی» و «غیرِ آسیایی»)؛ در این صورت «هر غیرِ الف، غیرِ ب است» درست است، اما برعکسِ آن صادق نیست.

بنابراین نسبت «غیرالف» و «غیرب» می‌تواند عموم و خصوص مطلق یا تساوی باشد.

(منطق، مفهوم و مصداق، صفحه‌های ۲۲ و ۲۳)

۱۶۸- گزینهٔ «۳» *(امیرمحمد قلعه‌کاهی)*

شکل مورد نظر نشان‌دهندهٔ نسبت عموم و خصوص مطلق به‌صورت سلسله‌مراتبی (از عام‌ترین به خاص‌ترین مفهوم) است.

در این گزینه:

هر خزنده‌ای جانور است – هر جانوری جاندار است

بنابراین رابطهٔ هر مفهوم با مفهوم بالاتر از خود عموم و خصوص مطلق است و مفاهیم کلی به‌درستی از عام به خاص چیده شده‌اند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: میان مفهوم «دارای عقربه» و «فلزی» نسبت عموم و خصوص من‌وجه برقرار است (برخی وسایل دارای عقربه، فلزی هستند مانند ساعت مچی فلزی؛ اما ساعت‌های چوبی یا پلاستیکی فلزی نیستند، و وسایل فلزی فراوانی هم وجود دارند که عقربه ندارند مانند آچار).

گزینهٔ «۲»: مفهوم «ایرانی» با دو مفهوم «خوراکی» و «برنج» نسبت عموم و خصوص من‌وجه دارد؛ زیرا اشیای غیرخوراکی نیز می‌توانند ایرانی باشند (مانند فرش ایرانی) و خوراکی‌ها و برنج‌های غیرایرانی متعددی هم در جهان وجود دارند (مانند برنج هندی).

گزینهٔ «۴»: مفهوم «سریال پایتخت» نام خاص یک مجموعهٔ مشخص تلویزیونی و یک مفهوم جزئی است؛ در حالی که طبق قواعد منطق، نسبت‌های چهارگانه فقط و فقط میان مفاهیم کلی برقرار می‌شوند و مفاهیم جزئی اصلاً در نسبت‌های چهارگانه جایی ندارند.

(منطق، مفهوم و مصداق، صفحه‌های ۲۱ تا ۲۳)

۱۶۹- گزینهٔ «۳» *(موسی سپاهی – سراوان)*

وقتی نسبت دو مفهوم **A** و **B** تباین باشد، هیچ مصداق مشترکی میان آن‌ها وجود ندارد؛ یعنی قضیهٔ «هیچ **B**، **A** نیست» صادق است. با نقیض کردن یک طرف یکی از دو حالت زیر رخ می‌دهد:

۱- حالت اول:

اگر دو مفهوم متناقض باشند (مانند «زوج» و «فرد»)، هر آنچه زوج نیست قطعاً فرد است؛ بنابراین «غیرِ زوج» با «فرد» تساوی می‌شود.

۲- حالت دوم:

اگر دو مفهوم متناقض نباشند و اشیای دیگری نیز در جهان وجود داشته باشند (مانند «انسان» و «سنگ»)، «غیرِ انسان» علاوه بر سنگ، شامل درخت، اسب و کتاب نیز می‌شود؛ بنابراین «غیرِ انسان» اعم مطلق از «سنگ» خواهد بود.

بنابراین نسبت «غیر **A**» با «**B**» می‌تواند عموم و خصوص مطلق یا تساوی باشد.

(منطق، مفهوم و مصداق، صفحه‌های ۲۲ و ۲۳)

۱۷۰- گزینهٔ «۱» *(حسین آفونری راهنماپی)*

در طبقه‌بندی طولی، مفاهیم باید سلسله‌مراتبی و با نسبت عموم و خصوص مطلق چیده شوند و جهت نوک علامت < باید به سمت مفهوم خاص‌تر باشد. در این گزینه، از راست به چپ حرکت از خاص به عام به‌درستی رعایت شده است: هر مربعی مستطیل است، هر مستطیلی متوازی‌الاضلاع است و هر متوازی‌الاضلاعی چهارضلعی است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: مفهوم «دارای حکم مشروط» با مفهوم «شرطیه» نسبت تساوی دارند؛ بنابراین شرطیه نمی‌تواند زیرمجموعهٔ دارای حکم مشروط باشد.

گزینهٔ «۳»: «پاره‌خط» با «مربع» نسبت تباین دارند؛ بنابراین مربع نمی‌تواند زیرمجموعهٔ پاره‌خط باشد.

گزینهٔ «۴»: نسبت مفهوم «صفت» و «فعل» تباین است؛ بنابراین فعل نمی‌تواند زیرمجموعه و اخص از صفت باشد.

(منطق، مفهوم و مصداق، صفحه‌های ۲۴ و ۲۵)

فلسفهٔ یازدهم

۱۷۱- گزینهٔ «۱» *(فیروز نژادنجف - تبریز)*

به دلیل نابودی بسیاری از آثار مکتوب در گذر حوادث تاریخی، پژوهشگران نمی‌توانند تصویری جامع و تفصیلی از آغاز تفکر فلسفی به دست آورند؛ ازاین‌رو بر پایهٔ اسناد باقی‌مانده، صرفاً ارائهٔ یک «گزارش اجمالی» از کهن‌ترین اندیشه‌های فلسفی بشر امکان‌پذیر است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: پرسش دربارهٔ مسائل اساسی هستی ریشه در سرشت و فطرت آدمی دارد و معلول یا وابسته به شکل‌گیری تمدن‌ها نیست؛ اگرچه همراه با برپایی هر تمدن، این تفکر نیز مجالی برای ظهور یافته است.

گزینهٔ «۳»: جریان تفکر و اندیشهٔ فلسفی پیش از یونان، تنها محدود به هند و چین نبوده است؛ بلکه در تمدن‌های کهن دیگری نظیر ایران، مصر و بین‌النهرین نیز تفکر پیرامون هستی و حکمت کم‌وبیش رواج داشته است.

گزینهٔ «۴»: تمدن‌های کهن و اولیه‌ای که به عنوان «پل و مقدمه» زمینهٔ پیشرفت جوامع بعدی را فراهم ساختند، ساختاری «ساده‌تر» داشتند، نه پیچیده و گسترده.

(فلسفهٔ یازدهم، آغاز تاریخی فلسفه، صفحهٔ ۲۹)

۱۷۲- گزینهٔ «۳» *(محمد قربانی)*

حکیمان ایران باستان همگی پیش از فیلسوفان یونان باستان نبوده‌اند؛ بلکه طبق گزارش‌های تاریخی، این حکیمان «اندکی پیش از فیلسوفان یونان باستان، برخی هم‌زمان با آن‌ها و عده‌ای نیز پس از آنان» می‌زیسته‌اند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: اوپانیشادها دربردارندهٔ متون کهن آیین هندو هستند که به عنوان شواهد تاریخی جریان تفکر و تبیین مسائل اساسی هستی در تمدن باستانی هند شناخته می‌شوند.

گزینهٔ «۲»: بر اساس دیدگاه شیخ اشراق (سهروردی)، حکمای ایران باستان در کنار تفکر عقلی و استدلالی، اهل سلوک معنوی (بهره‌گیری از ابزار قلب) بودند.

گزینهٔ «۴»: یونان مهد فلسفه است به این دلیل که نخستین مجموعه‌های بازمانده با غلبهٔ موضوعات فلسفی و نگارش‌یافته با زبان تخصصی فلسفه، از آن سرزمین به دست آمده است.

(فلسفهٔ یازدهم، آغاز تاریخی فلسفه، صفحه‌های ۲۹ و ۳۰)

۱۷۳- گزینهٔ «۳» *(محمد قربانی)*

نخستین فیلسوفان یونان در منطقهٔ ایونیا، هم از حیث روش و هم از حیث موضوع ویژگی‌های مشخصی داشتند؛ آن‌ها با به‌کارگیری «روش تبیین عقلانی» تلاش می‌کردند «دگرگونی‌های پیوستهٔ جهان طبیعت» را بفهمند و تفسیر کنند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: مقصود از رشد پلکانی تمدن‌ها این است که جوامع قدیمی‌تر و ساده‌تر به‌مثابه «پل و مقدمه» عمل کرده و دستاوردهای فکری خود را به دوره‌های بعد انتقال داده‌اند، نه اینکه علت پیدایش جوامع بعدی باشند.

نکته: دقت کنید که جوامع قدیمی‌تر علت «رشد» جوامع جدید بوده‌اند نه علت «پیدایش» این جوامع.

گزینهٔ «۲»: فلسفه نقطهٔ آغاز زمانی و مکانی «دارد»، اما این نقطه «قابل تعیین نیست»؛ نه اینکه از اساس هیچ نقطهٔ آغازی برای آن وجود نداشته باشد.

گزینهٔ «۴»: در این گزینه میان «معنا» و «دلیلِ» مهد فلسفه بودن جابه‌جایی صورت گرفته است؛ رواج تفسیر عقلانی جهان و شکل‌گیری دانش فلسفه، «معنا و مفهومِ» مهد فلسفه بودن است، در حالی که «دلیل و سندِ» آن، غلبهٔ موضوعات فلسفی و وجود اصطلاحات تخصصی در نخستین آثار مکتوب به‌جامانده است.

(فلسفهٔ یازدهم، آغاز تاریخی فلسفه، صفحه‌های ۲۹ و ۳۰)

۱۷۴- گزینهٔ «۱» *(فرهاد قاسمی‌نژاد)*

مورخان فلسفه، تالس را نخستین اندیشمند یونان نمی‌دانند؛ بلکه او را نخستین متفکر یونانی می‌دانند که «اندیشه‌های فلسفیِ مشخصی» داشته است. پیش از او نیز تفکر و حکمت به صورت‌های گوناگون وجود داشته است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: فیثاغورس واژهٔ «فلسفه» را برای نخستین بار ابداع کرد، اما واژه‌های «تئوری» (به معنای نظریه) و «کیهان» (برای کل جهان) را با تغییر معنایی به کار گرفت.

گزینهٔ «۳»: بر اساس استدلال تالس، آب مبدأ پیدایش و دگرگونی‌های هستی است و هر آنچه در جهان دیده می‌شود، صورتی دگرگون‌شده از عنصر آب به شمار می‌رود.

گزینهٔ «۴»: دستگاه فلسفی فیثاغورس مبتنی بر عقل و شهود قلبی بود و او توانست با تلفیق ریاضیات، فلسفه و عرفان، منظومه‌ای عمیق پیرامون حقیقت اعداد بنا کند.

(فلسفهٔ یازدهم، آغاز تاریخی فلسفه، صفحهٔ ۳۱)

۱۷۵- گزینهٔ «۴» *(موسی سپاهی - سراوان)*

در نظر هراکلیتوس، دو مفهوم «ستیز اضداد» و «سیلان دائمی» رابطهٔ علت و معلولی دارند. کشاکش و تعارض درونی اضداد، موتور محرکه و مایهٔ پویایی جهان است و همین ستیز سبب می‌شود هستی پیوسته در حال تغییر، دگرگونی و حرکت باشد.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: از نظر هراکلیتوس، تضاد نه یک ناهماهنگیِ منفی، بلکه بنیان و قوام جهان است؛ بنابراین نیازی به غلبه یا حذف یکی از اضداد به سود دیگری وجود ندارد.

گزینهٔ «۲»: هراکلیتوس صراحتاً پویایی، سرزندگی و حرکتِ هستی را معلولِ مستقیم جنگ و کشاکش میان اضداد می‌داند، نه امری مستقل از آن.

گزینهٔ «۳»: این جملهٔ هراکلیتوس که می‌گوید «نمی‌توان در یک رودخانه دو بار شنا کرد» مربوط به اندیشهٔ تغییر و تحول دائمی جهان است و نه وحدت اضداد.

(فلسفهٔ یازدهم، آغاز تاریخی فلسفه، صفحه‌های ۳۱ و ۳۲)

۱۷۶- گزینهٔ «۴» *(امیرمحمد قلعه‌کاهی)*

پارمنیدس هستی را امری «ثابت، بدون حرکت و واحد» می‌دانست. از دیدگاه او، جهان دارای دو لایه است: لایهٔ باطنی که حقیقت جهان (ثبات و یکپارچگی) است و تنها با «عقل» درک می‌شود، و لایهٔ ظاهری که دگرگونی، حرکت و کثرت را نشان می‌دهد و مشهود «حواس» است. از آنجا که حواس واقعیت ثابت جهان را نشان نمی‌دهند، از نظر او «فاقد اعتبار» هستند.

(فلسفهٔ یازدهم، آغاز تاریخی فلسفه، صفحه‌های ۳۲ و ۳۳)

۱۷۷- گزینهٔ «۱» *(محمد قربانی)*

هراکلیتوس دگرگونی و سیلان پیوسته را قانون فراگیر و تخلف‌ناپذیر حاکم بر سراسر کائنات می‌دانست؛ در نقطهٔ مقابل، پارمنیدس حرکت را امری فاقد حقیقت و ناشی از خطای حواس به شمار می‌آورد و با استدلال عقلی معتقد بود، حقیقتِ باطنی جهان امری یکپارچه، ثابت و فناناپذیر است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: پارمنیدس نخستین کسی بود که به دو مفهوم «بودن» و «شدن» توجه ویژه کرد؛ اما او به مفهوم «بودن» اصالت داد (نه «شدن») و بر پایهٔ عقل، ثبات و یکتاییِ هستی را اثبات نمود.

گزینهٔ «۳»: هراکلیتوس برخلاف پارمنیدس، ادراکات حسی را معتبر می‌دانست و بر اساس داده‌های حسی، تغییر و حرکت دائمی در جهان طبیعت را تأیید می‌کرد؛ در حالی که پارمنیدس حواس را گمراه‌کننده و ناتوان از درک حقیقت می‌شمرد.

گزینهٔ «۴»: پارمنیدس حرکت را در «تمامی سطوح» نفی نمی‌کرد؛ او منکر وجود حرکت در سطح ظاهری و مشهود جهان نبود، بلکه این حرکتِ محسوس را ناشی از خطای حواس می‌دانست و وقوع حرکت و دگرگونی را صرفاً در لایهٔ باطن و حقیقتِ عقلانیِ هستی ناممکن می‌دید.

(فلسفهٔ یازدهم، آغاز تاریخی فلسفه، صفحه‌های ۳۱ تا ۳۳)

۱۷۸- گزینهٔ «۲» *(پرگل رحیمی)*

سوفیست‌ها با مشاهدهٔ اختلافات عمیق و آرای متضاد متفکران پیشین، استدلال کردند که این اندیشمندان در تفسیر درست جهان شکست خورده‌اند. این دیدگاه بستر بی‌اعتمادی به اصل علم را فراهم آورد و باعث شد آن‌ها آموزش دانش‌های فلسفی را رها کرده و به تعلیم «فن سخنوری» برای پیروزی در دادگاه‌ها و محافل عمومی روی آورند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: ورود دیدگاه‌های متضاد به آتن موجب سردرگمی، تشویش و سلب اعتماد مردم از علم شد، نه گرایش بیشتر به کشف حقیقت.

گزینهٔ «۳»: سوفیست‌ها آموزش علوم فلسفی را «کنار گذاشتند» (نه اینکه آغاز کنند) و صرفاً مهارت‌های خطابه و جدل را تعلیم می‌دادند.

گزینهٔ «۴»: تشویش فکری مردم معلول ورود «آرای متضاد متفکران نخستین» دربارهٔ طبیعت بود؛ انکار اصل حقیقت نتیجه و فرجامِ تفکر سوفیست‌ها بود، نه اندیشمندان اولیه.

(فلسفهٔ یازدهم، آغاز تاریخی فلسفه، صفحهٔ ۳۴)

۱۷۹- گزینهٔ «۳» *(حمید سوریان)*

نخستین مجموعه‌ها یا قطعه‌هایی که به زبان فلسفی (زبان تخصصی فلسفه) نگاشته شده یا جنبهٔ فلسفی در آنها غلبه داشته، از یونان باستان به یادگار مانده است. به همین جهت از سرزمین یونان به عنوان مهد تفکر فلسفی یاد می‌کنند. در آنجا بود که دانش فلسفه شکل گرفت و تفسیر جهان با روش عقلانی رایج شد. بنابراین ظهور زبان تخصصی برای تبیین عقلانی جهان، یکی از دلایلی است که یونان را خاستگاه تفکر فلسفی می‌دانند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: در دیدگاه تالس، خودِ «عنصر آب» منشأ نهایی و اصل اولیهٔ موجودات طبیعت است، نه «تحولات و حالات مختلف» آن (مانند یخ یا بخار).

گزینهٔ «۲»: واژگانی همچون «تئوری» یا «کیهان» با همان معنای دوران یونان هنوز هم به کار می‌روند.

گزینهٔ «۴»: هراکلیتوس هرچند بر دگرگونی و تغییر دائمی جهان تأکید داشت، اما این دگرگونی را تصادفی یا آشوبناک نمی‌دید. از نظر او، یک «قانون تخلف‌ناپذیر» و «نظم عقلانی» بر این دگرگونی‌ها حاکم است و جهان در عین تغییر، دارای یک انسجام و نظام است.

(فلسفهٔ یازدهم، آغاز تاریخی فلسفه، صفحه‌های ۳۰ تا ۳۳)

۱۸۰- گزینهٔ «۲» *(محمد قربانی)*

عبارت اول (مبتنی بر اندیشهٔ پارمنیدس):

تحقق رابطهٔ علت و معلول مستلزم وقوع دگرگونی، حرکت و گذار از نیستی به هستی است؛ یعنی معلول ابتدا نبوده و با حضور علت، پدید می‌آید. پارمنیدس هرگونه حرکت، تغییر و راه یافتن نیستی به هستی را در ساحت باطن و حقیقت جهان انکار کرده و گزارش حواس از دگرگونی را توهمی فاقد حقیقت و واقعیت بیرونی می‌داند؛ در نتیجه، علّیت در ساختار واقعی هستی جایگاهی ندارد.

عبارت دوم (مبتنی بر اندیشهٔ فیثاغورس):

فیثاغورس برخلاف تالس که عنصر اولیه را ماهیتی مادی (آب) می‌دید، اعداد و نسبت‌های آن‌ها را اصول و مبادی اولیهٔ تشکیل‌دهندهٔ موجودات می‌دانست. در این دیدگاه، این اصول ریاضی هستند که مانند قالبی نامحسوس، به پدیده‌های گوناگون جهان حد و مرز بخشیده و موجب شکل‌گیری نظم و تفاوت میان موجودات می‌شوند.

(فلسفهٔ یازدهم، آغاز تاریخی فلسفه، صفحه‌های ۳۰ تا ۳۳)

اقتصاد

۱۸۱- گزینهٔ «۴» *(کتاب تاک)*

الف) همهٔ عوامل یا منابع تولید در اقتصاد کمیاب‌اند. (قانون اول: منابع خـود را شناسایی کنید و بدانید که آن‌ها کمیاب‌اند!)

ب) همیشه باید بین گزینه‌های انتخاب، «بده ـ بسـتان» کـرد. (قـانون دوم: هزینهٔ فرصت هر انتخاب را محاسبه کنید!)

ج) فهمیدن اینکه هزینه‌ها را چطور ارزیابی کرد، تنها بخشی از گرفتن یـک تصمیم خوب است. (قانون چهارم: هزینه‌های هدررفته را فراموش کنید!)

د) دو نوع گسترده از انواع تصمیمات وجود دارد. انتخاب از میان گزینه‌هـای مختلف و انتخاب چه مقدار از هر چیز (قانون پنجم: بین هزینـه‌هـا و منـافع خود، مقایسه کنید!)

(اقتصاد، اصول انتقاب درست، صفحه‌های ۲۴ تا ۲۹)

۱۸۲- گزینهٔ «۲» *(محمدحسین متولی)*

الف) نقطهٔ « **A** » زیر منحنی مرز امکانات تولید قرار دارد و تولید در این نقطه ناکارا است. هر نقطه در زیر منحنی مرز امکانات تولید، نشان‌دهندهٔ این است که اقتصاد از بیشترین منابعش استفاده نکرده است؛ زیرا حداقل مقدار بیشتری از یک کالا می‌توانست تولید کند، بدون اینکه کالاهای دیگر کاهش یافته یا حذف گردند.

ب) ناحیهٔ خارج از منحنی مرز امکانات تولید، نقاطی هستند که کشور می‌تواند آرزوی رسیدن به آن‌ها را داشته باشد. این نقاط با فرض ثابت ماندن منابع کشور، غیرقابل دستیابی هستند، زیرا کشور منابع کافی برای تولید در آن سطح را ندارد.

نکته: هر عاملی که میزان منابع تولید یک کشور یا یک کارخانه را افزایش دهد، مانند افزایش مواد اولیه، افزایش نیروی کار استخدامی، افزایش سرمایه‌های فیزیکی (ماشین‌آلات و ...) و سرمایه‌های مالی و یا پیدایش یک تکنولوژی و پیشرفت که امکان تولید بیشتر کالاها و خدمات را فراهم می‌آورد، منجر به انتقال منحنی مرز امکانات تولید به خارج می‌شود.

(اقتصاد، مرز امکانات تولید، صفحه‌های ۳۸ تا ۴۰)

۱۸۳- گزینهٔ «۱» *(مهدی کاردان)*

الف) هزینهٔ فرصت حرکت از نقطهٔ «ب» به نقطهٔ «الف» میزان **۱,۵۰۰** کیلو آرد است **(۱,۵۰۰=۳,۳۰۰−۴,۸۰۰)** که قناد از خرید آن صرف‌نظر کرده است تا بتواند میزان بیشتری روغن بخرد. اما در صورت سـؤال ارزش هزینـهٔ فرصت به ریال خواسته شده است و نه براساس واحد یا تعداد کالایی کـه از خرید آن صرف‌نظر کرده‌ایم؛ در نتیجه خواهیم داشت:

× تعداد (واحد) کالایی که از تولید آن صرف‌نظر شده است = ارزش هزینهٔ فرصت ارزش هر واحد از کالایی که از تولید آن صرف‌نظر شده است

ریال ۱,۰۵۰,۰۰۰,۰۰۰= تومان ۱۰۵,۰۰۰,۰۰۰=۱۵۰۰×۷۰,۰۰۰=

ب) هر نقطه بر روی نمودار خط بودجه، نشان‌دهندهٔ مقدار کالای آرد و روغن است که قناد می‌تواند با بودجهٔ مشخص **۴۲۰,۰۰۰,۰۰۰** تومان بخرد، در نتیجه خواهیم داشت:

x = تعداد روغن خریداری شده در نقطهٔ «ب»

$$۴۲۰,۰۰۰,۰۰۰=(۴۸۰۰\times۷۰,۰۰۰)+(x\times۶۰۰,۰۰۰)$$

$$\Rightarrow ۴۲۰,۰۰۰,۰۰۰-۳۳۶,۰۰۰,۰۰۰=x\times۶۰۰,۰۰۰$$

$$\Rightarrow ۸۴,۰۰۰,۰۰۰=x\times۶۰۰,۰۰۰\Rightarrow x=\frac{۸۴,۰۰۰,۰۰۰}{۶۰۰,۰۰۰}=۱۴۰$$ عدد

(اقتصاد، اصول انتقاب درست، صفحه‌های ۲۷ و ۲۸)

۱۸۴- گزینهٔ «۳» *(آفرین ساجدی)*

ابتدا درآمد سالیانهٔ بنگاه را به‌دست می‌آوریم.

کیلوگرم ۲۵۰۰=۱۰۰۰×۲/۵= میزان برنج تولیدی

نکته: هر تن برابر با ۱۰۰۰ کیلوگرم است.

میلیون تومان ۱۲۵۰= تومان ۱,۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰=۲,۵۰۰×۵۰۰,۰۰۰= درآمد

حالا باید هزینه‌های سالیانه را به‌دست آوریم:

میلیون تومان ۶۰۰=۵۰×۱۲= خرید مواد اولیهٔ سالیانه

میلیون تومان ۴۳۲=۴×۱۲×۹= دستمزد سالیانهٔ کارگران

هزینهٔ فرصت در این سؤال میزان درآمدی است که کشاورز مـی‌توانسـت بـا اجارهٔ زمین کشاورزی به‌دست آورد.

تومان ۵,۰۰۰,۰۰۰=۱۰×۵۰۰,۰۰۰= درآمد ماهیانهٔ کشاورز از اجارهٔ زمین

۵,۰۰۰,۰۰۰×۱۲= درآمد سالیانهٔ کشاورزی از اجارهٔ زمین

میلیون تومان ۶۰=۶۰,۰۰۰,۰۰۰=

مجموع هزینه‌های سالیانهٔ بنگاه با احتساب هزینهٔ فرصت

میلیون تومان ۱,۲۱۲=۶۰+۴۳۲+۱۲۰+۶۰۰=

(هزینهٔ فرصت + مجموع هزینه‌های مستقیم) − درآمد = سود اقتصادی

میلیون تومان ۳۸=۱,۲۱۲−۱,۲۵۰= سود اقتصادی

(اقتصاد، ترکیبی، صفحه‌های ۸، ۲۵، ۲۶ و ۳۳)

۱۸۵- گزینهٔ «۴» *(احسان عالی‌نژاد)*

ناهاری که حتی اگر برای دانش‌آموزان رایگـان باشـد، بـرای جامعـه رایگـان نیست. تولید غذا به منـابع نیـاز دارد. از ایـن منـابع مـی‌تـوان بـرای تولیـد چیزهای دیگری استفاده کرد. بنابراین بـرای داشـتن «ناهـار رایگـان» بایـد بپذیریم که از بعضی کالاها یـا خـدمات دیگـر کمتـر داشـته باشـیم. حتـی کالاهایی که برای افراد «رایگان» است، برای تولیدشان زمان صرف می‌شـود و هزینهٔ فرصتی برای جامعه دارد؛ پس هرچند برای فرد ممکن است ناهاری رایگان باشد، اما برای جامعه چنین نیست.

(اقتصاد، مرز امکانات تولید، صفحهٔ ۳۷)

۱۸۶- گزینهٔ «۴» *(سارا شریفی)*

ـ توجه به هزینه‌های هدررفته: فرد به جـای تصـمیم‌گیـری منطقـی (تـرک کلاس بی‌فایده)، به پولی که قبلاً خرج کرده توجه می‌کند.

ـ بی‌صبری زیاد: فرد نمی‌تواند برای رسیدن به هدف در آینـده صـبر کنـد و هزینهٔ زیادی را در حال‌حاضر می‌پذیرد.

ـ چسبیدن به وضعیت فعلی: یعنی تـرجیح دادن شـرایط فعلـی حتـی اگـر گزینهٔ بهتر و جدیدتری وجود داشته باشد.

(اقتصاد، اصول انتقاب درست، صفحهٔ ۳۱)

۱۸۷- گزینهٔ «۳» *(مهری ضیائی)*

ـ زمین مجموعهٔ کشاورزی: منابع طبیعی

ـ دانش تخصصی مهندسان: سرمایهٔ انسانی

ـ کارکنانی که قطعات را مونتاژ می‌کنند: نیروی کار

ـ دستگاه‌های برش و مونتاژ: سرمایهٔ فیزیکی

دام آموزشی: در دو بخش مختلف، هم «افراد» و هم «دانش و مهارت افراد» مطرح شده‌اند. خودِ فعالیت کارکنان، نیروی کار است؛ امـا دانـش و مهـارت آنان، سرمایهٔ انسانی محسوب می‌شود.

(اقتصاد، اصول انتقاب درست، صفحهٔ ۲۴)

۱۸۸- گزینهٔ «۲» *(محمدحسین متولی)*

در نمودار، می‌بینیم که فقط بخش مربوط به کالای « A » به سمت بیـرون منتقل شده است؛ بنابراین توانایی کشور برای تولیـد کـالای « A » افـزایش یافته است. در مقابل، بخش مربوط به کالای « B » بدون تغییر باقی مانده و نشان می‌دهد توانایی تولید کالای « B »تغییری نکرده است.

افزایش توانایی تولید کالای « A »می‌تواند ناشی از عواملی مانند موارد زیـر باشد:

۱. پیشرفت فناوری در تولید کالای « A »

۲. افزایش منابع تولیدیِ قابل استفاده برای تولید کالای « A »

(اقتصاد، مرز امکانات تولید، صفحه‌های ۳۶ تا ۴۲)

۱۸۹- گزینهٔ «۲» *(آفرین ساجدی)*

برای به‌دست آوردن هزینهٔ فرصت ابتدا باید میزان سود حاصل از هر فعالیت تولیدی را محاسبه کنیم.

هزینه − درآمد = سود

میلیون تومان ۱۳۰ = ۸۷۰ − ۱,۰۰۰ = سود تولید کفش

میلیون تومان ۷۲۰ = ۶۰×۱۲ = درآمد سالیانهٔ تولید لباس کودک

میلیون تومان ۲۲۰ = ۵۰۰ − ۷۲۰ = سود تولید لباس کودک

تومان ۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰ = ۲۰۰,۰۰۰×۱,۵۰۰ = سود تولید پیراهن مردانه

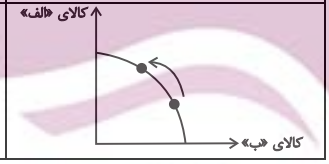
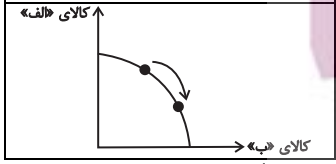
میلیون تومان ۳۰۰ =

در نتیجه تولید پیراهن مردانه، بهترین و سودآورترین انتخاب اسـت. منـافع بهترین انتخاب بعدی که سود سالیانهٔ تولید لباس کودک (بـا سـود سـالیانهٔ ۲۲۰ میلیون تومان) است ولی فـرد از آن صـرف‌نظـر کـرده اسـت، هزینـهٔ فرصت انتخاب فرد محسوب می‌شود.

(اقتصاد، اصول انتقاب درست، صفحه‌های ۲۵ و ۲۶)

۱۹۰- گزینهٔ «۳» *(کنکور سراسری ۱۴۰۵)*

هر عاملی که تقاضا برای یک کالا را افزایش دهـد (ماننـد افـزایش تقاضـای مشتریان برای یک کالای خاص یا سودده‌بودن تولیـد یـک کـالا نسـبت بـه کالای دیگر)، منجر به جابه‌جـایی در طـول مـرز امکانـات تولیـد و متحمـل هزینهٔ فرصت شدن می‌شود. این انتقال منحنی مرز امکانات تولید دو حالـت دارد:

حالت اول: اگر تقاضا برای کالای روی محور عمودی افزایش یابد (در اینجا کالای الف) در طول مرز امکانات تولید به سمت چپ و بالا جابه‌جا می‌شویم.	حالت دوم: اگر تقاضا برای کالای روی محور افقی افزایش یابد (در اینجا کالای ب) در طول مرز امکانات تولید به سمت راست و پایین جابه‌جا می‌شویم.
	

(اقتصاد، مرز امکانات تولید، صفحه‌های ۴۰ و ۴۱)

ایران توشه
توشه‌ای برای موفقیت

بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی (وقف عام)

پاسخنامه

دوازدهم علوم و معارف اسلامی

۱۵ آبان‌ماه ۱۴۰۵

ایران توشه
توشه‌ای برای موفقیت

بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی (وقف عام)

دفتر مرکزی: خیابان انقلاب بین صبا و فلسطین پلاک ۹۲۳ – بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی (وقف عام)

۶۴۶۳-۰۲۱

«تمام دارایی‌ها و درآمدهای بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی وقف عام است بر گسترش دانش و آموزش»

عربی زبان قرآن (۳) و (۱)

۱۹۱- گزینهٔ «۴» *(روح‌الله گلشن)*

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «هذا خلقُ اللّه: این آفرینش خدا است»؛ «برای» اضافه است.

گزینهٔ «۲»: ضمیر «ـه» در «سکینتَه: آرامشش» ترجمه نشده است.

گزینهٔ «۳»: «الخلقَ» منصوب شده و مفعول است، بنابراین ترجمهٔ عبارت به‌صورت «آفرینش را آغاز کرد» درست است.

(ترجمه)

۱۹۲- گزینهٔ «۱» *(محمود باربرین - یاسوج)*

«کان ... یظنّون»: (فعل ماضی استمراری) تصوّر می‌کردند، گمان می‌کردند (رد گزینهٔ ۲) / «أنّ»: که (رد گزینهٔ ۳) / «یستطیعون»: می‌توانند / «أن یقتلوا»: به قتل برسانند / «لکنّ»: ولی، اما / «امرأة شجاعة»: زن شجاعی، زنی شجاع، یک زن شجاع / «وقفت»: ایستاد / «أمامهم»: در برابر آن‌ها / «ساعدَت النّبیّ»: به پیامبر کمک کرد (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

(ترجمه)

۱۹۳- گزینهٔ «۱» *(ولی برهی - ابهر)*

«المشهور فی العالم»: معروف در جهان، مشهور در جهان (رد گزینهٔ ۴) / «یُحصَی» (مضارع مجهول): به شمار می‌آید، شمرده می‌شود (رد گزینه‌های ۲ و ۴) / «قد سُجِّل» (ماضی نقلی و مجهول): ثبت شده است، به ثبت رسیده است (رد گزینهٔ ۳)/ «قائمة التّراث العالمیّ»: فهرست میراث جهانی (رد گزینهٔ ۳)

(ترجمه)

۱۹۴- گزینهٔ «۳» *(حمیدرضا قائدامینی - اصفهان)*

«لا خَیر فی الغَضب»: هیچ خیری در خشمگین شدن نیست (رد گزینه‌های ۱ و ۴)/ «یَعدّ»: به‌شمار می‌آورند (رد گزینه‌های ۱ و ۲) / «عملاً»: (اسم مفرد و نکره) کاری (رد سایر گزینه‌ها)/ «العُلماء و الأفاضل»: عالمان و شایستگان، دانایان و شایستگان (رد گزینه‌های ۲ و ۴)/ «لا یَقدر»: نمی‌تواند (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

«برای آدمی» در گزینه‌های «۲» و «۴» اضافی است (رد گزینه‌های ۲ و ۴)

نکات مهم درسی:

۱) «لا»ی نفی جنس بر سر اسم می‌آید، وجود چیزی را به‌صورت کامل نفی می‌کند و به معنای «هیچ ... نیست (فعل منفی)» می‌باشد.

۲) در ترجمهٔ فعل، همواره به نوع و صیغهٔ فعل دقّت کنید.

(ترجمه)

۱۹۵- گزینهٔ «۲» *(کتاب تاک - کنکور انسانی ۹۸)*

«ما»: آنچه (رد گزینه‌های ۱ و ۳) / «صَبرَنا»: صبر ما (رد گزینهٔ ۳) / «فی اُمور»: در کارهایی (رد گزینهٔ ۴) / «لا طاقة لنا بها»: هیچ توانی برای آن‌ها نداریم (رد سایر گزینه‌ها)

(ترجمه)

۱۹۶- گزینهٔ «۴» *(ابوطالب درانی)*

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: لا یُصدّقُ: باور نمی‌کند

گزینهٔ «۲»: أن یُنیر: نورانی کند

گزینهٔ «۳»: یَنجَذِبُ السّائحونَ: گردشگران جذب می‌شوند

(ترجمه)

۱۹۷- گزینهٔ «۳» *(مصطفی قدیمی‌فرد)*

با توجه به ترجمهٔ آیه (نمی‌دانی شاید خداوند پس از آن، پیشامدی نو پدید آورَد) که بیانگر امیدواری و گشایش در بن‌بست‌ها است، درمی‌یابیم آیهٔ مبارکهٔ گزینهٔ «۳» که اشاره به نقش اراده و عمل انسان در تغییر سرنوشت خویش دارد، با آن تناسب مفهومی ندارد.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: دربارهٔ خروج از بن‌بست و روزی غیرمنتظره است که با مفهوم «احداث امر جدید» کاملاً هم‌سو است.

گزینهٔ «۲»: دلالت بر وقوع گشایش پس از سختی‌ها دارد.

گزینهٔ «۴»: بشارت به آسانی بعد از سختی، با مفهوم آیهٔ صورت سؤال همخوانی دارد.

(مفهوم)

۱۹۸- گزینهٔ «۴» *(عمار تاج‌بخش)*

در عبارت اول گزینهٔ «۴» آمده است: «بدانید که نیازهای مردم به شما از نعمت‌های خدا بر شما است» درحالی که در مقابل آن آمده است: «درخواست نیاز از فرد غیرشایستهٔ آن، سخت‌تر از مرگ است»؛ این دو عبارت ارتباط مفهومی با هم ندارند.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «در دین هیچ اجباری نیست»: این آیه به آزادی عقیده برای همهٔ مردم اشاره دارد! (درست)

گزینهٔ «۲»: «پروردگارا، چیزی را که هیچ توانی برای آن نداریم، بر ما تحمیل مکن»: از خدا می‌خواهیم که ما را جز به اندازهٔ آنچه در توانمان هست، تکلیف نکند! (درست)

گزینهٔ «۳»: «هرگاه بر دشمنت توانایی یافتی، گذشت از او را سپاسی برای توانایی بر وی قرار بده»: هیچ چیزی زیباتر از گذشت در هنگام توانایی نیست! (درست)

(مفهوم)

۱۹۹- گزینهٔ «۳» *(پیروز وجدان - گنبدکاووس)*

ترجمهٔ عبارت: «بزرگترین نـادانی، زیـاده‌روی در سـتایش و نکـوهش اسـت!»؛ مفهوم این عبارت فقط با گزینهٔ «۳» معادل است.

تشریح گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: اگر در ستایش مردم حدّ اعتـدال را رعایـت نکنـی، از افـراد نـادان هستی! (فقط به زیاده‌روی در ستایش اشاره کرده است.) (نادرست)

گزینهٔ «۲»: کسانی که در ستایش دیگران زیاده‌روی می‌کننـد، از مسـیر خِـرد منحرف شده‌اند! (فقط به زیاده‌روی در ستایش اشاره کرده است.) (نادرست)

گزینهٔ «۳»: هرکس در تحسین دیگران یا سرزنش آنان غلو کنـد، روش تعامـل با ایشان را نشناخته است! (درست)

گزینهٔ «۴»: پدرمان ما را به میانه‌روی در تمام امور زندگی‌مان سفارش کـرد تـا به زندگی پاک و سعادتمندی دست یابیم! (در این عبارت، نه بـه زیـاده‌روی در ستایش و نکوهش و نه به نادانی اشاره شده اسـت، فقـط هـدفش سـفارش بـه اعتدال در کارها بوده است.) (نادرست)

(مفهوم)

۲۰۰- گزینهٔ «۱» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

ترجمهٔ عبارت: «به مردم دشنام ندهید که [با ایـن کـار] میـان آن‌هـا دشـمنی کسب می‌کنید!»؛ مفهوم این عبارت فقط با گزینهٔ «۱» متناسب است.

تشریح گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: ناسزا گفتن به دیگران، کینه و بغض جامعه را برای انسـان بـه بـار می‌آورد؛ پس خودداری از آن، آدمی را از گرفتارشدن به دشـمنی‌هـای آنـان و ایجاد خصومت حفظ می‌کند! (درست)

گزینهٔ «۲»: هدف از نهیِ دشنام این است که انسان عـاملی بـرای ایجـاد نـزاع میان خود مردم و تحریک آنان علیه یکدیگر نباشد! (ربطی بـه مفهـوم عبـارت صورت سؤال ندارد.) (نادرست)

گزینهٔ «۳»: هرکس به مردم ناسزا بگوید، دشمنانی می‌یابد که تـوان رویـارویی با آن‌ها را ندارد؛ پس از روی تـرس از کثـرت دشـمنی‌هـایی کـه بـر او چیـره می‌شود، سکوت کردن بهتر است! (عبارت صورت سؤال به رویارویی با دشمنان و سکوت اشاره‌ای نکرده است.) (نادرست)

گزینهٔ «۴»: هر کس بخواهد دوسـتی مـردم را بـه دسـت آورد، بایـد در برابـر توهین‌هایشان شکیبایی کند؛ زیرا پاسخ دادن به دشنام با ناسـزاگویی، دوسـتی را به دشمنی شدیدی تبدیل می‌کند! (عبارت صورت سـؤال بـه صـبر در برابـر توهین یا مقابله به مثل اشاره‌ای نکرده است و مفهوم متفاوتی دارد.) (نادرست)

(مفهوم)

ترجمهٔ متن درک مطلب:

آفتاب‌پرست حیوانی تخم‌گذار است و در همه‌جا زندگی می‌کند. او حیـوانی شکارچی است که می‌تواند بسیاری از حشرات و خزندگان را که بتوانند وارد دهانش شوند، بخورد. سپس آفتاب‌پرست با زبان بلند خود شکار می‌کند؛ به این صورت که آن را با سرعت به سمت حشرات دراز می‌کند و به کمک آن می‌تواند آن‌ها را از فاصله‌های دور شکار کند. آفتاب‌پرسـت دوسـت دارد آب جاری بنوشد و فقط زمانی گیاهان را می‌خورد که آب بدنش کم شود و آب پیدا نکند. همچنین او مـی‌توانـد چشـمان خـود را هـم‌زمـان در دو جهـت متفاوت حرکت دهد، بدون اینکه سرش حرکت کند. آفتاب‌پرست بـه دلیـل توانایی‌اش در تغییر رنگ بدنش شناخته می‌شود؛ رنگ زرد آن نشانهٔ تـرس، رنگ سبز نشانهٔ آرامش، رنگ آبی نشانهٔ خواب عمیـق و رنـگ سـیاه نشـانهٔ خشم است. آفتاب‌پرست از تغییر رنگ برای پنهـان شـدن و تنظـیم دمـای بدن نیز استفاده می‌کند. چنان که در صبح سـرد، رنگـش بـه سـیاه تغییـر می‌کند تا بیشترین میزان گرمای خورشید را جذب کند و در روز، رنـگ آن به خاکستری تبدیل می‌شود. ویژگی خاص آفتاب‌پرست، تغییر رنـگ اسـت که برای حیله‌گری به آن مثل زده شـده و گفتـه مـی‌شـود: «فلانـی ماننـد آفتاب‌پرست است». آفتاب‌پرسـت پنجـه‌هـایی قـوی دارد کـه بـه او کمـک می‌کند از درختان بالا برود. گفته می‌شود آفتاب‌پرست به‌صورت تنها زندگی می‌کند و اگر بیش از یکی از آن‌ها (در یک مکـان) جمـع شـوند، میانشـان درگیری پیش می‌آید.

۲۰۱- گزینهٔ «۳» *(محمدرضا سوری - نهاوند)*

«اگر آفتاب‌پرست آب جاری پیدا نکند، نخواهد توانست آب موردنیاز برای خود را تأمین کند!» نادرست است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: او معمولاً با آفتاب‌پرست‌های دیگری در یک جا زندگی نمـی‌کنـد! (درست)

گزینهٔ «۲»: هنگامی که این حیوان خوابیده است، رنگ بـدنش بـه آبـی تغییـر می‌کند! (درست)

گزینهٔ «۴»: هنگام سرما رنگش به سیاه و هنگام گرما به رنگی مایل بـه سـفید تغییر می‌کند! (درست)

(درک مطلب)

۲۰۲- گزینهٔ «۲» *(محمدرضا سوری - نهاوند)*

آفتاب‌پرست نوعی از خزندگان است که در طبیعـت، زنـدگی اجتمـاعی نـدارد! (درست)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: آفتاب‌پرست مانند حیوانات پستاندار بچه‌هـایش را شـیر مـی‌دهـد! (نادرست)

گزینهٔ «۳»: آفتاب‌پرست می‌تواند چیزی را که بزرگتر از انـدازهٔ دهـانش اسـت، بخورد و حشرات را نیز شکار کند! (نادرست)

گزینهٔ «۴»: آفتاب‌پرست می‌تواند به کمک دُمش که به او بسیار کمک می‌کند، از درختان بلند بالا برود! (نادرست)

(درک مطلب)

ایران توشه
توشه‌ای برای موفقیت

۲۰۳- گزینهٔ «۴» *(محمدرضا سوری - نهاوند)*

به دلیل حرکت‌های سریع و مخفی شدنش با حیله‌گری، به آفتاب‌پرست مثل زده می‌شود! (نادرست است، چون به دلیل تغییر رنگش به او مثل زده می‌شود.)

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: آفتاب‌پرست می‌تواند چشمانش را به راست و چپ بچرخاند و همزمان دو جهت را ببیند! (درست)

گزینهٔ «۲»: آفتاب‌پرست در همهٔ نواحی کرهٔ زمین، بین سنگ‌ها و در بیابان‌ها و غیر آن زندگی می‌کند! (درست)

گزینهٔ «۳»: آفتاب‌پرست می‌تواند رنگ بدنش را به‌خاطر شرایطی که در آن زندگی می‌کند، تغییر بدهد! (درست)

(درک مطلب)

۲۰۴- گزینهٔ «۲» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

«مجرور» نادرست است. «الأصفر» صفت برای «لون» است، «لون» هم مبتدا و مرفوع است، بنابراین «الأصفر» به تبعیّت از موصوف خود مرفوع می‌شود.

(تحلیل صرفی و اعراب)

۲۰۵- گزینهٔ «۱» *(سید محمدعلی مرتضوی)*

«مفعول» نادرست است. دقت کنید «أخْذِ» یک اسم مصدر است، بنابراین «أکبر» در این‌جا، مضاف‌الیه و مجرور است.

(تحلیل صرفی و اعراب)

۲۰۶- گزینهٔ «۴» *(درویشعلی ابراهیمی)*

در گزینهٔ «۴» سه نوع از انواع معرفه وجود دارد:

۱- معرّف به أل (النهایة ـ المکتبة ـ الکتاب)

۲- موصول (الّذی)

۳- ضمیر (ها)

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: دو نوع معرفه وجود دارد: معرفه به ال و ضمیر

گزینهٔ «۲»: دو نوع معرفه آمده است: معرفه به «أل» (المساء ـ الصحیفة ـ المسائیّة ـ الحقیقة ـ الناس) و معرفه به اضافه (زَمَن)

گزینهٔ «۳»: دو نوع معرفه آمده است: معرفه به «أل» (المعلّمات ـ البلاد) و معرفه به اضافه (مستقبل)

(قواعد اسم)

۲۰۷- گزینهٔ «۳» *(مرتضی کاظم‌شیرودی)*

عبارت «أسنانَ الولدِ الصّغیرةَ» ترکیب وصفی- اضافی است، «الصّغیرة» صفت برای «أسنانَ» (مفعول جمله) و به تبعیّت از آن، منصوب است.

ترجمهٔ عبارت: امروز پزشک ماهر، دندان‌های کوچک فرزند را معاینه کرد!

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «الصیفیّة» صفت است، اما به تبعیّت از «العُطُلات» مجرور شده است.

گزینهٔ «۲»: «المؤمنونَ» فاعل و «الأحزابَ» مفعول است نه صفت.

گزینهٔ «۴»: «الرّیفیّ» صفت است، اما به تبعیّت از «التُّراث» مجرور می‌باشد.

(انواع اعراب)

۲۰۸- گزینهٔ «۱» *(امیرعلی فردین)*

تشریح گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «اللهُ» مبتدا و مرفوع است. (۱ اسم مرفوع)

گزینهٔ «۲»: «ثمَرةُ» مبتدا و مرفوع و «إخلاصُ» خبر و مرفوع است. (۲ اسم مرفوع)

گزینهٔ «۳»: «الزّملاءُ» مبتدا و مرفوع و «مُتّحدونَ» نیز خبر و مرفوع است. (۲ اسم مرفوع)

گزینهٔ «۴»: «الطّالبُ» فاعل و مرفوع است، «المُجِدُّ» نیز صفت آن و مرفوع است. (۲ اسم مرفوع)

(انواع اعراب)

۲۰۹- گزینهٔ «۳» *(حسین رضایی)*

ترجمهٔ عبارت:

«او وعده می‌دهد چیزی را که انجامش می‌دهد، پس به وفای عهدش امید داریم!».

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: یَوْعِدُ: معتل مثال با حذف «واو» صحیح است. (یَعِدُ)

گزینهٔ «۲»: لن یقم: مضارع منصوب است و حرف علّه حذف نمی‌شود. (لن یقوم)

گزینهٔ «۴»: لم یقوم: معتل اجوف مجزوم و با حذف حرف علّه صحیح است. (لم یَقُمْ)

(معتلات)

۲۱۰- گزینهٔ «۳» *(فائزه جعفری)*

تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: «هنّ یَقُلْنَ الحقَّ و یُطِعنَ والدیهنَّ» صحیح است.

گزینهٔ «۲»: «یصِفونَ» صحیح است.

گزینهٔ «۴»: «تعِدونَ» صحیح است.

(معتلات)

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

تاریخ (۳)

۲۱۱- گزینهٔ «۴» *(محمدمهدی یعقوبی)*

نادرشاه بزرگان کشور، علما و سران ایل‌ها و طوایف را به شـورای دشـت مغـان فراخواند و شرایطی را برای پذیرفتن سلطنت مطرح کرد که مهـم‌تـرین آن‌هـا، عبارت‌اند از:

۱) موروثی شدن سلطنت در خاندان او

۲) حمایت نکردن بزرگان و رؤسای طوایف از خاندان صفوی

۳) حل اختلافات مذهبی با دولت عثمانی

نکتهٔ مهم درسی:

در دورهٔ نادرشاه، عامل انسجام بخش مردم ایران، یعنی مذهب شیعه تضعیف گردید.

(تاریخ (۳)، ایران و جهان در آستانهٔ دورهٔ معاصر، صفحهٔ ۴۵)

۲۱۲- گزینهٔ «۲» *(علیرضا سالمی)*

تشریح عبارت‌های نادرست:

الف) در دورهٔ افشاریه، نیاز تشکیلات نظامی به نیروی رزمنده، موجـب کـاهش شدید نیروی انسانی در بخش کشاورزی شد.

د) در دورهٔ زندیه نوعی از بناها با کاربرد تفریحی گسترش یافت کـه بـه «کـلاه فرنگی» معروف بود.

(تاریخ (۳)، ایران و جهان در آستانهٔ دورهٔ معاصر، صفحه‌های ۴۹ و ۵۰)

۲۱۳- گزینهٔ «۳» *(مهدی کاردان)*

مجموعـه عوامـل مختلـف داخلـی و همچنـین نفـوذ و مداخلـهٔ قـدرت‌هـای استعماری، موجـب ضـعف و زوال دولـت عثمـانی شـد؛ چنـان‌کـه اصـلاحات دولتمردان عثمانی هم نتوانست از شدت آن بکاهد.

(تاریخ (۳)، ایران و جهان در آستانهٔ دورهٔ معاصر، صفحهٔ ۵۱)

۲۱۴- گزینهٔ «۴» *(فاطمه عزیزی)*

تشریح گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: «انقلاب باشکوه» در انگلسـتان در سـال ۱۶۸۸ مـیلادی یعنـی در قرن ۱۷ میلادی رقم خورد. سرزمین آمریکا تا قـرن ۱۸ مـیلادی شـامل تنهـا چند ایالت در ساحل اقیانوس اطلس بود.

گزینهٔ «۲»: در سال ۱۷۸۹میلادی، انقلاب فرانسه آغاز شد و جـورج واشـنگتن نیز در همین سال به ریاست‌جمهوری آمریکا نائل گردید.

گزینهٔ «۳»: انگلستان پس از «انقلاب باشکوه»، رقبای بزرگی همچون اسپانیا و فرانسه را شکست داد و مستعمرات خود را در گوشـه و کنـار جهـان گسـترش داد. این کشور به‌ویژه در دوران حکومت طولانیِ ملکه ویکتوریـا بـه قـدرت اول جهان تبدیل شد و به بخش‌های بزرگی از آفریقا، آسـیا، اقیانوسـیه و آمریکـای شمالی دست یافت. همچنین ایالت‌های ساحل شرقی بر ویرانه‌خانه‌ها، مـزارع و املاک بومیان سرخ‌پوست بنا شده بود. اروپاییان زیـادی بـه دلایـل اجتمـاعی، سیاسی و اقتصادی، اروپا را ترک کرده و در سرزمین‌هـای تـازه تصـاحب شـده منزل گزیدند. بریتانیا بر اکثر این مناطق حکومت می‌کرد.

گزینهٔ «۴»: دولت آمریکا با بهره‌گیری از نیروی کار بردگـان آفریقـایی، اقتصـاد خود را توسعه بخشید و در پایان سـدهٔ ۱۹مـیلادی بـه پیشـرفت‌هـای وسـیع سیاسی، اقتصادی و صنعتی دست یافت و به رقیبی برای کشورهای استعمارگر اروپایی تبدیل شد.

(تاریخ (۳)، ایران و جهان در آستانهٔ دورهٔ معاصر، صفحه‌های ۵۲ تا ۵۴)

۲۱۵- گزینهٔ «۲» *(مهدی کاردان)*

طبقهٔ متوسط فرانسه شامل افـرادی بودنـد کـه اغلـب تحصـیل‌کـرده بودنـد و مشاغلی مانند وکالت، نویسندگی، طبابت، روزنامه‌نگاری و تجارت داشتند. ایـن طبقه برخلاف طبقهٔ ممتاز، امتیاز خاصی نداشتند و مالیات می‌پرداختند.

(تاریخ (۳)، ایران و جهان در آستانهٔ دورهٔ معاصر، صفحهٔ ۵۳)

جغرافیا (۳)

۲۱۶- گزینهٔ «۱» *(فاطمه احمدی)*

افزایش مهاجرت به شهرها و تمرکز جمعیت، در کنار گرانی زمـین و مسـکن و ناتوانی اقشار کم‌درآمد در تأمین مسکن مناسب، از عوامل شکل‌گیـری اسـکان غیررسمی در حاشیهٔ شهرهاست.

(جغرافیا (۳)، مدیریت شهر و روستا، صفحه‌های ۲۱ و ۲۲)

۲۱۷- گزینهٔ «۲» *(حامد صفرخانیان)*

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: افزایش جمعیت شهری، از جمله مشکلات شهرها است که ممکن است از طریق مهاجرت نیروی کار، از مصادیق «الف» صورت بگیرد و باعث افـزایش فقـر شهری از مصادیق «ب» شود. ← مهاجران به علـت عـدم تخصـص و اشـتغال بـه کارهای ساده، درآمد کمی دارند و درآمد کم منجر به افزایش فقر شهری می‌شود.

گزینهٔ «۳»: محله‌های فرسودهٔ شهرها و مکان‌هایی که در شب نور کافی ندارند، باعث افـزایش جـرم‌خیـزی از مصـادیق «ب» مـی‌شـوند و اشـتغال در بخـش غیرقانونی یا غیررسمی مانند دست‌فروشی، از مصادیق «الـف» اسـت و امنیـت شهر را به مخاطره می‌اندازد.

گزینهٔ «۴»: در مدیریت شهری، برای تأمین «ب»، بایـد بـه علـل بزهکـاری‌هـا مانند اشتغال در بخش غیرقانونی که از مصادیق «الف» است، توجه کرد و بایـد در نظر داشت که مهاجرت به شهر برای کار از مصادیق «الف» با فشار بر منابع از مصادیق «ج» رابطهٔ مستقیم دارد. ← مهاجرت برای کار منجـر بـه افـزایش جمعیت شهری می‌شود و افزایش جمعیت شهری باعث افزایش فشار بر منـابع می‌شود و با آن رابطهٔ مستقیم دارد.

(جغرافیا (۳)، مدیریت شهر و روستا، صفحه‌های ۲۳، ۲۴ و ۲۸)

۲۱۸- گزینهٔ «۳» *(هادی توکلی)*

ارتباط موارد ذکر شده با مفاهیم، به شرح زیر می باشد:

مـورد «الـف» بـا مفهـوم محـیط زیسـت شـهری، مـوارد «ب» و «د» بـا هوشمندسازی شهر و موارد «ج»، «و» و «هـ» با مبلمان و زیباسازی شهری در ارتباط هستند.

نکتهٔ مهم درسی:

اجرای طرح بام تا بام در منازل مسکونی، همان استفاده از پنل‌های خورشیدی در منازل برای کاهش مصارف سوخت‌های فسیلی و آلودگی هواست. از ایـن رو بـا مبحـث محـیط زیسـت شـهری در ارتبـاط اسـت کـه نبایـد بـا مفهـوم هوشمندسازی اشتباه گرفته شود.

(جغرافیا (۳)، مدیریت شهر و روستا، صفحه‌های ۲۴ تا ۲۷)

۲۱۹- گزینهٔ «۳» *(محمدمهدی یعقوبی)*

امروزه تحقق شهر پایدار، هدف اصلی مدیران و برنامه‌ریزان شهری است.

(جغرافیا (۳)، مدیریت شهر و روستا، صفحهٔ ۲۸)

۲۲۰- گزینهٔ «۱» *(راضیه ابراهیمی‌نژاد)*

در متن کتاب مواردی همچون نداشتن مالکیت زمین، کمبود زمین، یکپارچه نبودن و قطعه‌قطعه بودن زمین‌های کشاورزی، نداشتن سرمایهٔ لازم برای کشت تجاری و دسترسی نامناسب به بازارها، از مشکلات اقتصادی روستاییان و کشاورزان بیان شده‌اند. موارد دیگر مشکلات ناشی از کمبود تجهیزات و خدمات در مناطق روستایی است.

(جغرافیا (۳)، مدیریت شهر و روستا، صفحهٔ ۳۱)

تاریخ (۱)

۲۲۱- گزینهٔ «۳» *(میلاد هوشیار)*

یک دلیل عمدهٔ مخالفت حضرت علی (ع) با قتل عثمان، آن بود که اگر چنین چیزی رسم می‌شد، زمینهٔ بروز هرج و مرج در جامعه فراهم می‌گشت و آن‌گاه تضمینی برای اصلاح امور وجود نداشت.

(تاریخ (۱)، خلفای نخستین، صفحهٔ ۸۳)

۲۲۲- گزینهٔ «۳» *(علیرضا رضایی)*

بعد از محاصرهٔ بیت‌المقدس توسط مسلمانان، مردم مسیحی شهر مشروط بر آنکه شخص خلیفه خود به این شهر بیاید و پیمان صلح را امضا کند، حاضر به صلح شدند.

(تاریخ (۱)، خلفای نخستین، صفحهٔ ۷۹)

۲۲۳- گزینهٔ «۴» *(میلاد هوشیار)*

نبرد نهایی (فتح‌الفتوح) بین مسلمانان و سپاه ساسانی، در منطقهٔ نهاوند و در سال بیست‌ویکم هجری رخ داد که به شکست سپاه ساسانی منجر شد.

(تاریخ (۱)، خلفای نخستین، صفحهٔ ۷۹)

۲۲۴- گزینهٔ «۳» *(علیرضا آزادی‌زاده)*

محتوای پیام برائت چنین بود: «مشرکان تا چهار ماه فرصت دارند تا به سرزمین خود بازگردند، سپس هیچ پیمانی با آنان دارای اعتبار نیست، مگر آنانی که با پیامبر پیمانی دارند که اعتبار آن بسته به مدت پیمان است». بنابراین همهٔ پیمان‌ها بدون استثنا و فوراً لغو نشدند.

(تاریخ (۱)، پیامبر در مدینه، صفحهٔ ۶۷)

۲۲۵- گزینهٔ «۲» *(مهیا مالکی)*

بررسی موارد نادرست:

«ج»: هر دو مورد «تساوی انسان‌ها در برابر قوانین و نفی تبعیض» و «رعایت اصول انسانی در جنگ‌ها» ذیل بُعد حکومتی هستند، نه بُعد اجتماعی.

«د»: مسئلهٔ «خلافت و جانشینی اهل‌بیت به عنوان ادامهٔ مسیر رسالت» بُعد اعتقادی دسته‌بندی شده است (نه حکومتی).

موارد الف و ب کاملاً درست هستند.

(تاریخ (۱)، پیامبر در مدینه، صفحه‌های ۷۰ و ۷۱)

جغرافیای ایران

۲۲۶- گزینهٔ «۱» *(علیرضا پدرام)*

نزدیکی به دریاها و دوری از آن در آب و هوای کشور دو اثر متفاوت دارد. در سواحل شمالی کشور، دریای خزر در افزایش بارش، نقش مهمی دارد؛ ولی خلیج فارس و دریای عمان به‌دلیل عدم امکان صعود هوای مرطوب، در بارش سواحل جنوبی کشور، نقش چندانی ندارند.

در نواحی داخلی کشور به‌دلیل دور بودن از دریاها و کمبود رطوبت، اختلاف دما زیاد است، ولی در نواحی ساحلی شمال و جنوب کشور اختلاف دما کمتر است.

(جغرافیای ایران، آب و هوای ایران، صفحهٔ ۳۸)

۲۲۷- گزینهٔ «۳» *(علیرضا پدرام)*

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: تودهٔ هوای سودانی باعث ایجاد بارندگی می‌شود.

گزینهٔ «۲»: تودهٔ هوای مرطوب غربی در دورهٔ سرد سال وارد ایران می‌شود.

گزینهٔ «۴»: تودهٔ هوای سودانی باعث افزایش دما نمی‌شود.

(جغرافیای ایران، آب و هوای ایران، صفحهٔ ۴۰)

۲۲۸- گزینهٔ «۳» *(مهیا مالکی)*

در متن، دربارهٔ ریزگردها به عواملی مانند کاهش ریزش‌های جوی و مدیریت ضعیف منابع آب اشاره شده است. همچنین پیامدهایی مانند آسیب به جنگل‌ها، کاهش تولید محصولات کشاورزی و اختلالات تنفسی در انسان مطرح می‌شود. پس نمی‌توان مسئله را فقط یک پدیدهٔ جوی دانست. زنجیرهٔ منطقی‌تر به‌ترتیب این است:

ـ کاهش ریزش‌های جوی

ـ کاهش منابع آب و تضعیف پوشش گیاهی

ـ افزایش ریزگردها

ـ آسیب به سلامت انسان به‌ویژه اختلالات تنفسی

ـ آسیب رساندن به محیط زیست و کاهش میزان تولید محصولات کشاورزی

ـ نیاز به مدیریت صحیح منابع آب و توجه به محیط زیست برای مقابله با ریزگردها

بنابراین گزینهٔ «۳» تنها گزینه‌ای است که رابطه بین عوامل طبیعی، پیامدهای محیطی و انسانی و ضرورت مدیریت را به شکل جامع در نظر گرفته است.

(جغرافیای ایران، آب و هوای ایران، صفحهٔ ۴۶)

۲۲۹- گزینهٔ «۳» *(فاطمه رحیمی لهی)*

خلیج‌فارس عمدتاً از رودهای غرب کشور تغذیه می‌شود. (رد گزینهٔ «۱») دریای خزر از بقایای دریای تتیس است که از میلیون‌ها سال قبل و به‌خاطر حرکت صفحات کرهٔ زمین از بقیهٔ آب‌های قدیمی جدا مانده است، اما خلیج فارس حاصل پیشروی آب‌های اقیانوس هند از طریق دریای عمان و تنگهٔ هرمز به دره‌های زاگرس است. (رد گزینهٔ «۲») دریای عمان به‌دلیل جنس ساحل و عمق مناسب برای توسعهٔ بنادر با محدودیت مواجه نیست. (رد گزینهٔ «۴»)

(جغرافیای ایران، جغرافیای طبیعی ایران، صفحه‌های ۳۸، ۴۰ و ۵۲ تا ۵۶)

۲۳۰- گزینهٔ «۱» *(حامد صفرخانیان)*

با توجه به ناهمواری‌ها و جهت آن‌ها، هرچه از غرب به سمت شرق کشور برویم، مقدار آب رودها کمتر می‌شود. ← در نتیجه میزان آبدهی رودها در نواحی غربی بیشتر از نواحی شرقی کشور است.

اغلب دریاچه‌های دائمی ایران در نیمهٔ غربی کشور قرار دارند.

رودهایی که از کوهستان‌های بلند و برف‌گیر تغذیه می شوند، دائمی هستند.

اگر کانون‌های آبگیر در فصول سرد سال، ذخیرهٔ برف خود را تا ابتدای ماه‌های گرم سال حفظ کنند، بدون توجه به میزان بارش و زمان آن، جزء کانون‌های فصلی به شمار می‌روند.

(جغرافیای ایران، منابع آب ایران، صفحه‌های ۴۹، ۵۰ و ۵۷)

تاریخ (۲)

۲۳۱- گزینهٔ «۱» *(زهرا دامیار)*

عصر امام حسن عسکری (ع) به جهت تدوین و نگارش آثار علمی و مذهبی شیعه اهمیت داشت، زیرا دورهٔ حدود دویست و شصت ساله‌ای که ائمهٔ اطهار مسئولیت انتقال تعالیم دینی به مردم را برعهده داشتند رو به پایان بود.

(تاریخ (۲)، امام حسن عسکری (ع)، صفحهٔ ۶۲)

۲۳۲- گزینهٔ «۳» *(علیرضا رضایی)*

عواملی همچون محدودیت و فشار علیه نایبان خاص، حضور نداشتن امام زمان میان مردم برای پاسخگویی به شبهات، پراکندگی شیعیان در مناطق مختلف جهان اسلام و .. باعث شد که علما و اندیشمندان شیعه، علوم اهل بیت را جمع‌آوری کرده و به صورت مدوّن و مکتوب در اختیار مردم قرار دهند.

(تاریخ (۲)، امام مهدی (عج)، صفحهٔ ۶۹)

۲۳۳- گزینهٔ «۴» *(زهرا دامیار)*

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: شیعیان همچون دوره‌های قبل در فشار و محدودیت به سر می‌بردند.

گزینهٔ «۲»: مرجع علمی و فکری شیعیان، خود امامان معصوم بودند.

گزینهٔ: «۳»: شیعیان در مناطق مختلف جهان اسلام پراکنده بودند و به مراکز علمی و فرهنگی دسترسی نداشتند.

(تاریخ (۲)، امام مهدی (عج)، صفحه‌های ۶۵ تا ۷۰)

۲۳۴- گزینهٔ «۲» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

شباهت و تفاوت تاریخ‌های عمومی و سلسله‌ای:

شباهت: محتوا و موضوعات هر دو نوع منبع رویکردهای سیاسی و نظامی می‌باشد و توجهی به سایر موضوعات ندارند.

تفاوت: ۱- موضوعات و مطالب تاریخ‌های عمومی تاریخ جهان را از آفرینش عالم آغاز می‌کردند و تا پایان دورهٔ ساسانیان ختم می‌کردند ولی موضوعات و مطالب تاریخ‌های سلسله‌ای مربوط به یک سلسلهٔ خاص می‌باشد.

۲- مورخان تواریخ سلسله‌ای شاید به انگیزهٔ پاداش گرفتن از شاهان، تاریخ سلسلهٔ آنان را تألیف می‌کردند ولی نویسندگان تواریخ عمومی این انگیزه را نداشتند.

۳- مؤلفان تواریخ عمومی کتب خود را بیشتر به زبان عربی می نوشتند؛ ولی مؤلفان تواریخ سلسله‌ای مطالب خود را به زبان فارسی می‌نوشتند.

۴- تواریخ سلسله‌ای به سبب استفاده از مآخذ و اسناد رسمی و روایت رجال و اشخاص مطلع، متضمن اطلاعات مفید و معلوماتی هستند که در مآخذ عمومی‌تر، دسترسی بدان‌ها ممکن نیست.

(تاریخ (۲)، منابع تاریخ اسلام و ایران، صفحه‌های ۷۸ و ۷۹)

۲۳۵- گزینهٔ «۲» *(محمدمهدی یعقوبی)*

ابزارها و وسایل دست‌ساختهٔ انسان، برای مورخان از منابع بسیار موثق محسوب می‌شوند. انواع پوشاک، جواهرات، ابزارهای کشاورزی، ظروف، وسایل حمل‌ونقل، اشیای هنری مثل مجسمه‌ها، تابلوهای نقاشی، سازهای موسیقی، جنگ افزارها، وسایل خانگی و در مجموع، تمام دست‌ساخته‌های انسانی بازمانده از گذشته، گواه روشنی بر نوع فرهنگ و عقاید و آداب و رسوم پیشینیان ما هستند. از این رو، بررسی این آثار که به‌طور خاص در قلمرو دانش‌هایی چون باستان‌شناسی، معماری و هنر قرار می‌گیرند، اطلاعات بسیار مفیدی برای بازآفرینی گذشته، در اختیار مورخان می‌گذارند.

(تاریخ (۲)، منابع تاریخ اسلام و ایران، صفحهٔ ۷۷)

جغرافیا (۲)

۲۳۶- گزینهٔ «۱» *(کتاب آبی پیمانه‌ای)*

«ب»، «ج» و «د» هرکدام نمایش یک بوم‌سازگان (اکوسیستم) هستند. هر بوم‌سازگان شامل دو بخش زنده و غیرزنده است که تنها یک نوع تولیدکننده (گیاهان) و چندین نوع مصرف‌کننده دارد.

(جغرافیا (۲)، نواحی زیستی، صفحه‌های ۵۳ و ۵۴)

۲۳۷- گزینهٔ «۴» *(علیرضا پدرام)*

قابلیت‌های نواحی بیابانی: گردشگری، انرژی، معادن، مناسب برای تحقیقات نجومی و صنایع هوافضا

قابلیت‌های نواحی ساحلی: ماهیگیری، فعالیت‌های بازرگانی، انرژی، گردشگری

قابلیت‌های نواحی کوهستانی: جاذبه‌های گردشگری، دامنه‌های مناسب برای پرورش دام، معادن، تأمین منابع آب شیرین، تنوع زیستی و تنوع فرهنگ‌های بومی

(جغرافیا (۲)، نواحی زیستی، صفحه‌های ۵۸، ۶۰ و ۶۲)

۲۳۸- گزینهٔ «۲» *(هادی توکلی)*

تشریح عبارت‌های نادرست:

الف) زبان عربی، زبان رسمی بیش از ۲۰ کشور و یکی از زبان‌های رسمی سازمان ملل متحد است.

ج) کشورهای جنوب غرب آسیا و شمال آفریقا به زبان عربی صحبت می‌کنند.

د) در نتیجهٔ عصر اکتشافات جغرافیایی که در قرن‌های ۱۵ و ۱۶ میلادی رخ داد، در آمریکای شمالی، استرالیا و نیوزلند، زبان انگلیسی گسترش یافت؛ در مستعمرات آن‌ها در قاره‌های آفریقا، آمریکای جنوبی و بخش‌هایی از آسیا نیز زبان‌های انگلیسی، اسپانیایی، پرتغالی و فرانسوی رواج پیدا کرد.

و) ترویج زبان از طریق برگزاری کلاس‌های آموزشی برای مهاجران، مربوط به ایالت کبک در کانادا است.

(جغرافیا (۲)، نواحی فرهنگی، صفحه‌های ۶۹ تا ۷۲)

۲۳۹- گزینهٔ «۴» *(مهیا مالکی)*

تشریح عبارت‌های نادرست:

ب) فرهنگ اسلامی در شمال قارهٔ آفریقا رواج دارد.

د) دین مسیحیت در آسیا ظهور کرد، اما امروزه شمار پیروان آن در قاره‌های اروپا، آمریکا، استرالیا و نیوزیلند و کشورهای مرکزی و جنوبی آفریقا بیشتر است.

(جغرافیا (۲)، نواحی فرهنگی، صفحه‌های ۷۴ و ۷۵)

۲۴۰- گزینهٔ «۱» *(راضیه ابراهیمی‌نژاد)*

امروزه گسترش رسانه‌ها و فناوری اطلاعات و ارتباطات امکان پخش فرهنگی را حتی بدون تماس مستقیم فرهنگ‌ها فراهم کرده است و در نتیجه، این نوع پخش فرهنگی در دنیای امروز غالب است. بنابراین گزینهٔ «۱» صحیح است.

تشریح سایر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۲»: گسترش ارتباطات باعث حذف یا کنار زده شدن مهاجرت و داد و ستد نشده است، بلکه مهاجرت و داد و ستد همچنان از عوامل پخش فرهنگی در دنیای امروز هستند.

گزینهٔ «۳»: گسترش رسانه‌ها سبب افزایش تماس مستقیم نشده است، بلکه متن کتاب، گسترش رسانه‌ها را در پخش غیرمستقیم مؤثر می‌داند.

گزینهٔ «۴»: کتاب، گسترش رسانه‌ها را عاملی برای یکسان‌سازی فرهنگ‌ها و خطری بزرگ برای فرهنگ و هویت ملی و بومی نواحی جهان می‌داند.

(جغرافیا (۲)، نواحی فرهنگی، صفحهٔ ۸۱)

ایران توشه
توشه‌ای برای موفقیت

بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی

دفترچه پاسخ

آزمون هوش و استعداد

(دورهٔ دوم)

۱۵ آبان

تعداد کل سؤالات آزمون: ۲۰
زمان پاسخ‌گویی: ۳۰ دقیقه

گروه فنی تولید

مسئول آزمون	حمید لنجان‌زاده اصفهانی
مسئول دفترچه	حامد کریمی
مدیر گروه مستندسازی	محیا اصغری
مسئول درس مستندسازی	علیرضا همایون‌خواه
ویراستاران مستندسازی	بیتا مرادی، پریا اقبالی
طراحان	حمید اصفهانی، فاطمه راسخ، حامد کریمی، حمید گنجی، رامتین شمشکی، فرزاد شیرمحمدلی
حروف‌چینی و صفحه‌آرایی	معصومه روحانیان
ناظر چاپ	حمید عباسی

ایران توشه
توشه‌ای برای موفقیت

استعدادتحلیلی

۲۵۱- گزینهٔ «۲» *(حمید اصفهانی)*

متن صورت سؤال با تضادگذاری میان ویروس‌ها به شکل عوامل خارجیِ بیگانه و سرطان به شکل خطاهای داخلیِ ژنتیکی، دقیقاً در حال تبیین این موضوع است که چرا رویکرد سنّتی واکسیناسیون برای سرطان ناکارآمد است. عبارت «بزرگ‌ترین مانع ساخت واکسن است» در انتهای متن، تأکید نهایی بر مقایسهٔ دشواری‌های این دو حوزه است. گزینه‌های دیگر یا تنها به بخش کوچکی از متن اشاره دارند (مانند خودایمنی که صرفاً یک پیامد است) یا به‌کل از حیطهٔ بحث متن خارج هستند.

(درک متن کوتاه، هوش کلامی)

۲۵۲- گزینهٔ «۳» *(حمید اصفهانی)*

متن به‌صراحت بیان می‌کند که تفاوت‌های ظاهری (طول مو) ریشه در نیازهای بقا و تکامل (شکار، مدیریت حرارتی، نمایش باروری) دارد؛ بنابراین ظاهر کنونی ما «به‌طور کامل بی‌نسبت» با تاریخ تکامل نیست، بلکه بازتابی از آن است.

دیگر گزینه‌ها:

گزینهٔ «۱»: متن بیان می‌کند کوتاهی مو برای «کاهش» انگل‌ها بوده است، نه اینکه انگل‌ها در موی کوتاه رشد بهتری دارند.

گزینهٔ «۲»: متن ادّعایی دربارهٔ ناتوانی در مشاهدهٔ ویژگی‌های ژنتیکی یا تغییر ظاهر ندارد.

گزینهٔ «۴»: متن درباره مدیریت گرمای بدن برای مردان صحبت کرده است، نه زنان.

(درک متن کوتاه، هوش کلامی)

۲۵۳- گزینهٔ «۲» *(حمید اصفهانی)*

متن با معرفی انواع منابع (چوبی و بازیافتی)، روش‌های مختلف (جداسازی الیاف، افزودن مواد معدنی، آهارزنی) و کارکردهای متنوع (کتاب عمومی، کتاب نفیس/تصویری)، نشان می‌دهد که فرآیند تولید کاغذ تنوّع بالایی دارد و به یک روش یا محصول واحد محدود نیست.

(درک متن کوتاه، هوش کلامی)

۲۵۴- گزینهٔ «۱» *(حمید اصفهانی)*

متن صراحتاً در جمله‌ی پایانی بیان می‌کند که تفاوت در درصد رطوبت بافت، مستقیماً بر دو عامل «میزان غلظت کالری در واحد وزن» و «طعم» آن‌ها اثر می‌گذارد. گزینهٔ «۲» با مفاد متن در تضاد است و گزینه‌های «۳» و «۴» ادعاهایی مطرح کرده‌اند که در متنِ ارائه‌شده هیچ مبنای منطقی یا توصیفی ندارند.

(تکمیل متن، هوش کلامی)

۲۵۵- گزینهٔ «۲» *(حامد کریمی)*

متن بر نبودِ «آینهٔ زنده»، یعنی منبع مستقیم و زنده و همچنین ماهیت «فرضی» بودن زبان بازسازی‌شده استوار است. عبارت «ما تنها سایه‌هایی را از یک حقیقتِ ازدست‌رفته در اختیار داریم»، دقیق‌ترین استعاره برای توصیف وضعیتی است که در آن زبان اصلی وجود ندارد و ما تنها از طریق «بازسازی» که نوعی بازنمایی غیرمستقیم است، به آن می‌رسیم.

(تکمیل متن، هوش کلامی)

۲۵۶- گزینهٔ «۱» *(حامد کریمی)*

عبارت «در واقع، تبلیغات به‌جای پاسخ به نیازهای واقعی، ...» نیازمند یک نتیجه‌گیری است که بر اساس مقدّمات قبلی، یعنی سوگیری شناختی و اختلال در تصمیم‌گیری ساخته شده باشد. گزینهٔ «۱» نیز مستقیماً به «سوگیری‌های شناختی» که در واقع همان نقص‌ها یا «نقاط ضعف سیستم پردازش اطلاعات مغز» هستند، اشاره می‌کند.

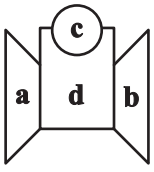
(تکمیل متن، هوش کلامی)

۲۵۷- گزینهٔ «۲» *(حامد کریمی)*

ساختار متن از «توصیف اثرات مثبت» کاهش گازهای گلخانه‌ای، بهبود کیفیت هوا و کاهش فشار بر زیستگاه‌ها شروع شده و با واژهٔ ربط «با این حال» به یک چرخش منطقی می‌رسد. پس از «با این حال»، متن حتماً باید یک جنبهٔ منفی، محدودکننده یا متفاوت را بیان کند که گزینهٔ «۲» با استفاده از کلمهٔ «گذار» دقیقاً همان چرخش معنایی را ایجاد می‌کند؛ یعنی می‌گوید این بهبودها دائمی نبودند و با بازگشت فعالیت‌ها، اثرات مثبت از بین رفته‌اند.

(تکمیل متن، هوش کلامی)

۲۵۸- گزینهٔ «۴» *(حمید کنعی)*

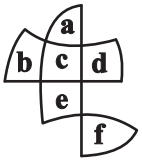


در الگوی صورت سؤال $a \times b = c + d$ است؛ یعنی داریم:

$$۶ \times ۸ = ۳۰ + ? = ۴۸ \Rightarrow ? = ۱۸$$

(الگوهای عددی، هوش منطقی ریاضی)

۲۵۹- گزینهٔ «۳» *(حمید کنبی)*

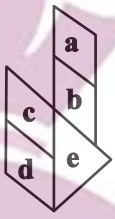


در الگوی صورت سؤال، $a+b+d=c+e+f$ است؛ یعنی داریم:

$$۲+?+۸=۲+۵+۱۰\Rightarrow ?=۷$$

(الگوهای عددی، هوش منطقی ریاضی)

۲۶۰- گزینهٔ «۳» *(حمید کنبی)*

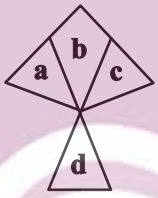


در الگوی صورت سؤال، $(a-b)+(c-d)=e$ است؛ یعنی داریم:

$$(۱۱-۴)+(۸-۲)=?\Rightarrow ?=۷+۶=۱۳$$

(الگوهای عددی، هوش منطقی ریاضی)

۲۶۱- گزینهٔ «۴» *(حمید کنبی)*



در الگوی صورت سؤال، بزرگترین شمارندهٔ مشترک (ب.م.م) a، c و d در b نوشته می‌شود، یعنی داریم:

$$۳۲=۴\times۸\quad ,\quad ۵۶=۷\times۸$$

$$۲۴=۳\times۸\Rightarrow ?=۸$$

(الگوهای عددی، هوش منطقی ریاضی)

۲۶۲- گزینهٔ «۴» *(فرزاد شیرممدلی)*

اگر قیمت خرید را x و قسمت فروش را y درنظر بگیریم، طبق سؤال مقدار سود برابر با $۰/۲y$ است. در نتیجه می‌توان نوشت:

$$y=x+۰/۲y\Rightarrow ۰/۸y=x\Rightarrow y=\frac{۱۰}{۸}x=\frac{۱۲۵}{۱۰۰}x$$

اگر فروشنده کالا را به قیمت ۱۰۰ واحد خریده باشد، قیمت فروش ۱۲۵ بوده (دقت کنید ۲۵٪ فروش سود است) و قیمت ۵ درصد از خرید یعنی ۵ واحد کم کرده، یعنی ۱۲۰ واحد فروخته است. پس قیمت فروش نسبت به خرید، $\frac{۱۲۰}{۱۰۰}$ بوده است. یعنی سود بیست درصدی.

(معادله‌نویسی، نسبت و تناسب، هوش منطقی ریاضی)

۲۶۳- گزینهٔ «۲» *(فرزاد شیرممدلی)*

کارگرها قرار بوده کار باقی‌مانده را در سه روز هشت ساعته، یعنی $۳\times۸=۲۴$ ساعت تمام کنند. تعداد کارگرها $\frac{۶}{۸}$ شده است، پس باید هر کارگر $\frac{۸}{۶}$ سابق کار کند، یعنی $\frac{۸}{۶}\times۲۴=۳۲$ ساعت کار در مجموع. چون ۳ روز داریم، هر کارگر لازم است $\frac{۳۲}{۳}\simeq ۱۰/۶۷$ ساعت کار کند.

(معادله‌نویسی، نسبت و تناسب، هوش منطقی ریاضی)

۲۶۴- گزینهٔ «۲» *(فرزاد شیرممدلی)*

اگر هر کیلوگرم انجیر $○$ واحد پولی باشد، هر کیلوگرم گردو $\frac{۳}{۲}○$ و هرکیلوگرم هلو $\frac{۹}{۲}○$ قیمت داشته است. پس داریم:

$$(\frac{۳}{۲}+۲\times\frac{۹}{۲}+۳)\times○=۱۰۸\Rightarrow ○=\frac{۱۰۸}{\frac{۲۷}{۲}}=۸$$

پس هر کیلوگرم انجیر ۸، هر کیلوگرم گردو ۱۲ و هر کیلوگرم هلو ۳۶ واحد پولی ارزش داشته است.

(معادله‌نویسی، نسبت و تناسب، هوش منطقی ریاضی)

۲۶۵- گزینهٔ «۳» *(فرزاد شیرممدلی)*

دو کیلوگرم هلو، پنج هلو است و هر کیلوگرم طبق پاسخ قبلی ۳۶ واحد پولی. پس قیمت هر هلو به‌طور میانگین برابر است با:

$$\frac{۷۲}{۵}=۱۴/۴$$

(معادله‌نویسی، نسبت و تناسب، هوش منطقی ریاضی)

۲۶۶- گزینهٔ «۴» *(فاطمه راسخ)*

در الگوی صورت سؤال در هر ردیف داریم:

رنگی = رنگی + رنگی

سفید = سفید + رنگی

رنگی = سفید + سفید

(الگوهای تصویری غیرلفظی، هوش غیرکلامی)

۲۶۷- گزینهٔ «۲» *(فاطمه راسخ)*

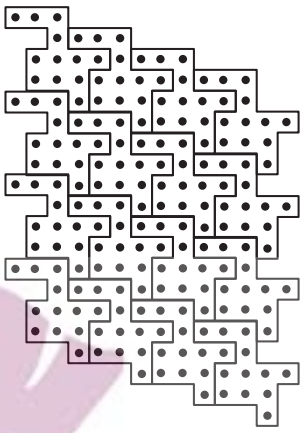
بخش‌های مشترک شکل‌های ردیف‌های اول و دوم در هر ستون، در ردیف سوم رسم شده است.

(الگوهای تصویری غیرلفظی، هوش غیرکلامی)

ایران توشه
توشه‌ای برای موفقیت

۲۶۸- گزینهٔ «۲» *(فاطمه راسخ)*

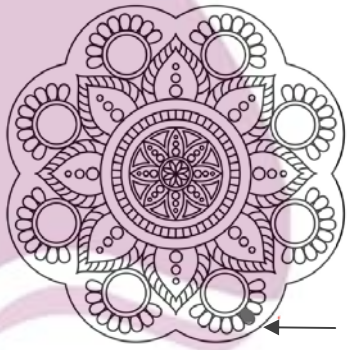
شکل مدّنظر:



(الگوهای تصویری غیرفطی، هوش غیرکلامی)

۲۶۹- گزینهٔ «۳» *(رامتین شمشکی)*

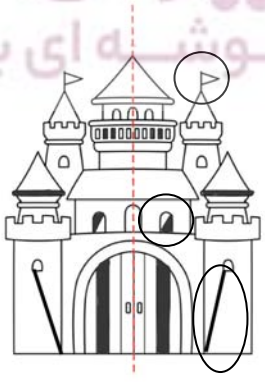
آن بخش شکل صورت سؤال که نیاز به تصحیح دارد:



(قرینه‌یابی و دوران، هوش غیرکلامی)

۲۷۰- گزینهٔ «۳» *(رامتین شمشکی)*

آن بخش‌های شکل سمت راست که نسبت به سمت چپ تقارن ندارد:



(قرینه‌یابی و دوران، هوش غیرکلامی)

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی (وقف عام)

☑ دفترچهٔ پاسخ

عمومی دوازدهم

رشتهٔ انسانی

۱۵ آبان ماه ۱۴۰۵

طراحان به ترتیب حروف الفبا

فارسی	حسن افتاده، حسین پرهیزگار، نازنین‌فاطمه حاجیلو، سعید جعفری، ابوالفضل عباس‌زاده، محسن فدایی
دین و زندگی	محسن بیاتی، فردین سماقی، مرتضی محسنی‌کبیر، میثم هاشمی
زبان انگلیسی	رحت‌اله استیری، آرمین رحمانی، عقیل محمدی‌روش

گزینشگران و ویراستاران به ترتیب حروف الفبا

نام درس	مسئول درس	گزینشگر	گروه ویراستاری	رتبه برتر	مسئول درس مستندسازی
فارسی	نازنین‌فاطمه حاجیلو	نازنین‌فاطمه حاجیلو	محسن اصغری مرتضی منشاری	—	فریبا رئوفی، محسن جمشیدی، مهشید سعیدی، مائده ملکی
دین و زندگی	بهنام رسولی	بهنام رسولی	امیرمهدی افشار	محمدفرحان فخاریان	سجاد حقیقی‌پور
اقلیت‌های مذهبی	دبورا حاتانیان	دبورا حاتانیان	معصومه شاعری	—	—
زبان انگلیسی	رحمت‌اله استیری	رحمت‌اله استیری	محسن رحمانی، فاطمه نقدی	—	سپهر اشتیاقی

مدیران گروه	الهام محمدی
مسئول دفترچه	معصومه شاعری
مستندسازی و مطابقت با مصوبات	مدیر: محیا اصغری، مسئول دفترچه: فریبا رئوفی
حروف‌نگار و صفحه‌آرا	زهرا تاجیک
ناظر چاپ	سوران نعیمی

گروه آزمون

بنیاد علمی آموزشی قلم‌چی (وقف عام)

آدرس دفتر مرکزی: خیابان انقلاب- بین صبا و فلسطین- پلاک ۹۲۳ - تلفن چهار رقمی: ۶۴۶۳-۰۲۱

فارسی ۳

۲۷۱- گزینهٔ «۱» *(حسین پرهیزگار- سبزوار)*

در بیت اول «غرامت» به معنی «تاوان» و در بیت دوم «وجه» به معنی «ذات، وجود» است.

(واژگان، واژه‌نامه)

۲۷۲- گزینهٔ «۱» *(نازنین‌فاطمه هاجیلوصفازاده)*

گزینهٔ «۱»: «صواب» باتوجه به معنا، شکل درست است. (صواب: درست / ثواب: پاداش دینی)

بررسی گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۲»: «مهر» درست است. (مهر: محبت و عشق)

گزینهٔ «۳»: «بهر» درست است. (بهر: برایِ، به خاطرِ / بحر: دریا)

گزینهٔ «۴»: «فراغت» درست است. (فراغت: آسودگی، گشاده‌فکری / فراق: دوری)

(املا، صفحه‌های ۲۰، ۲۱، ۲۶ و ۲۷)

۲۷۳- گزینهٔ «۲» *(سعید جعفری)*

الف) هشیار مردم (مردم هشیار)، مست را حد زند: مفعولی

ب) داروغه را گوییم (به داروغه گوییم): حرف اضافه

پ) خود را وارهان: مفعولی

ت) والی را سرای (سرای والی): اضافهٔ گسسته یا همان فک اضافه

(دستور، صفحهٔ ۱۹)

۲۷۴- گزینهٔ «۴» *(نازنین‌فاطمه هاجیلوصفازاده)*

بررسی گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: «ای هم‌وطنان»، نشانهٔ ندا + مناداست، بنابراین حذف فعل به قرینهٔ معنایی داریم. (ای هموطنان، [با شما هستم]؛ فکری در ره آزادی خویش بنمایید.)

گزینهٔ «۲»: آن ننگ تن [است] و کم از کفن است: حذف فعل به قرینهٔ لفظی

گزینهٔ «۳»: «ای طایر قدس» نشانهٔ ندا + مناداست، بنابراین حذف فعل به قرینهٔ معنایی داریم. (ای طایر قدس، [با تو هستم]؛ همّت (دعا) را بدرقهٔ راهم کن.)

(دستور، صفحه‌های ۱۹، ۲۶ و ۲۸)

۲۷۵- گزینهٔ «۳» *(نازنین‌فاطمه هاجیلوصفازاده)*

اشاره به داستان حضرت سلیمان دارد. او انگشتری داشت که هنگام در دست داشتن آن، توانایی فرمان راندن بر تمام جهان را می‌یافت. برای مدتی این انگشتر به دست اهریمن می‌افتد و در آن مدت ادارهٔ جهان نیز با او می‌شود.

نکتهٔ مهم درسی: وجود واژهٔ «فرهاد» در گزینهٔ «۲»، به معنی تلمیح داشتن بیت به داستان شیرین و فرهاد نیست، زیرا خود این بیت از مثنوی خسرو و شیرین است که داستان شیرین و فرهاد در آن آمده است، بنابراین همان اصل داستان است نه اینکه به آن اشاره داشته باشد و تلمیح محسوب شود.

(آرایه، صفحه‌های ۱۹، ۲۰ و ۲۶)

۲۷۶- گزینهٔ «۱» *(حسن افتاده - تبریز)*

مورد (الف): «درهم و دینار» مجاز از پول

مورد (ب): «ملک آشنایی» اضافهٔ تشبیهی

مورد (ب): «مدام» ایهام: هر دو معنای ۱) همیشگی و ۲) شراب، در بیت صدق می‌کنند.

مورد (ت): پارادوکس (تناقض) در تخت مصر بودن و جای در بیت‌الحزن داشتن

مورد (ث): «ثابت قدم» کنایه از استوار بودن

(آرایه، صفحه‌های ۱۹ تا ۲۱، ۲۷ و ۲۸)

۲۷۷- گزینهٔ «۳» *(سعید جعفری)*

در بیت (الف) سراینده محتسب را به ریشخند می‌گیرد که پیوسته خواهان باده‌نوشی و خوشی همیشگی است.

در بیت (ب) نیز مست به خنده می‌گوید که پیراهنم را رها کن. یقهٔ من افسار اسب نیست.

در بیت (ت) مست به محتسب با لحنی گزنده و شوخ می‌گوید پیراهنم که می‌خواهی به غرامت ببری، پوسیده است و چیزی جز نقشی از نخ نیست.

(قلمرو ادبی، صفحه‌های ۱۹ تا ۲۱)

۲۷۸- گزینهٔ «۲» *(حسن افتاده - تبریز)*

در عصر مشروطه (شروع آن تقریباً از اواخر دوران قاجار بود) با توجه به دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی، غزل اجتماعی رواج یافت.

(قلمرو فکری، صفحه‌های ۲۶، ۲۸ و ۲۹)

۲۷۹- گزینهٔ «۴» *(محسن خدایی - شیراز)*

مفهوم درست گزینهٔ «۴»: برتری عقل (باطن) بر پوشش و ظاهر افراد

بررسی گزینه‌های دیگر:

گزینهٔ «۱»: مأمور گفت: «خانهٔ حاکم نزدیک است، به آنجا برویم». مست گفت: «از کجا می‌دانی که او در میخانه نیست؟!».

گزینهٔ «۲»: مأمور گفت: «پولی بده تا خود را از دستم رها کنی (رشوه بده)». مست گفت: «در کار شرع، نباید رشوه کرد».

گزینهٔ «۳»: مأمور گفت: «برای تاوان کاری که کرده‌ای، لباست را از تو می‌گیرم». مست گفت: «لباسم پاره و پوسیده است و چیزی از آن باقی نمانده است».

(مفهوم، صفحهٔ ۱۹)

۲۸۰- گزینهٔ «۴» *(ابوالفضل عباس‌زاده)*

الف) لازمهٔ وصال یار: تواضع و فروتنی

ب) مفهوم مشترک بیت نخست صورت سؤال و گزینهٔ «۴»: توکل به خداوند و غرق شدن در عشق به او، مانع آسیب‌پذیری می‌شود.

(مفهوم، صفحه‌های ۲۲ و ۲۳)

دین و زندگی (۳)

۲۸۱- گزینهٔ «۳» *(فردین سماقی)*

بر اساس توحید در ربوبیت، خداوند جهان را اداره می‌کند و آن را به سوی مقصدی که برایش معین فرموده، هدایت می‌نماید و به پیش می‌برد.

(درس ۲، صفحهٔ ۲۰)

۲۸۲- گزینهٔ «۴» *(فردین سماقی)*

بر اساس توحید در ربوبیت، انسان درمی‌یابد که زارع حقیقی و پرورش‌دهندهٔ اصلی زراعت خداوند است؛ پس باید شکرگزار او باشد.

(درس ۲، صفحهٔ ۲۰)

۲۸۳- گزینهٔ «۱» *(محسن بیاتی)*

قرآن کریم بارها تأثیر داشتن موجودات گوناگون را در عالم یادآوری کرده است. به‌طور مثال، فرموده که «در عسل برای مردم شفاست.» برای قبول توحید در ربوبیت ضرورتی ندارد که هرگونه اثر را از اشیا و انسان‌ها سلب کنیم.

(درس ۲، صفحهٔ ۲۵)

۲۸۴- گزینهٔ «۳» *(محسن بیاتی)*

آنان که با ایمان و عمل صالح و پیمودن صراط مستقیم، مراحل کمال را می‌پیمایند و به قرب الهی می‌رسند، پاداش‌هایی دریافت می‌کنند که کرامات و عنایات به مخلوقات، جلوهٔ کوچکی از آن است. نظام خلقت مبتنی بر حق است.

(درس ۲، صفحهٔ ۲۶)

۲۸۵- گزینهٔ «۳» *(مرتضی ممسنی‌کبیر)*

افکار و اعتقادات هر فرد مهم‌ترین عامل در تعیین هدف‌ها و رفتارهای اوست، مثلاً اگر کسی پذیرفت و ایمان پیدا کرد که سعادت بشر در کسب ثروت است و انسان فقط با لذات مادی خوشبخت می‌شود، به‌طور طبیعی، زندگی خود را صرف رسیدن به همین هدف می‌کند.

بازتاب توحید در زندگی، توحید عملی است یعنی وقتی انسان خدا را به عنوان خالق جهان پذیرفته است و ایمان دارد که او پروردگار هستی است، رفتاری متناسب با این اعتقاد خواهد داشت و جهت زندگی خود را به سوی خدا قرار خواهد داد.

(درس ۳، صفحهٔ ۳۱)

۲۸۶- گزینهٔ «۲» *(مرتضی ممسنی‌کبیر)*

از آن‌جا که ایمان همهٔ افراد یکسان نیست و دارای شدت و ضعف است، میزان تأثیرگذاری این اعتقاد بستگی به درجهٔ ایمان افراد به توحید و یکتاپرستی دارد. هرچه ایمان قوی‌تر باشد، تأثیر عملی آن در زندگی بیشتر و هرچه ضعیف‌تر باشد تأثیر آن کمتر خواهد بود، با این معیار (تأثیرگذاری)، هرکس می‌تواند درجهٔ ایمان خود و تأثیر آن را در زندگی خویش بررسی کند. و آیهٔ شریفهٔ «إنَّ الله ربّی و ربکم فاعبدوه هذا صراط مستقیم: همانا خداوند پروردگار من و پروردگار شماست، پس او را بندگی کنید [که] این راه راست و درست است.» به آن اشاره دارد.

(درس ۲، صفحهٔ ۳۲)

۲۸۷- گزینهٔ «۴» *(مرتضی ممسنی‌کبیر)*

در آیهٔ ۴۳ سورهٔ فرقان می‌خوانیم: « ا رأیت من اتخذ الهه هواه افانت تکون علیه وکیلاً: آیا دیدی آن کسی را که هوای نفس خود را معبود خود گرفت، آیا تو ضامن او می‌باشی [و به دفاع از او برخیزی]؟»

(درس ۳، صفحهٔ ۳۳)

۲۸۸- گزینهٔ «۴» *(میثم هاشمی)*

برخی از انسان‌ها مانند فرعون که «انا ربکم الاعلی» می‌گفت و خود را پروردگار بزرگ مردم معرفی می‌کرد، خود را مالک دیگر جوامع می‌پندارد و برای آن‌ها تصمیم‌گیری می‌کند.

(درس ۳، صفحهٔ ۳۶)

۲۸۹- گزینهٔ «۳» *(میثم هاشمی)*

امروزه بسیاری از انسان‌ها، جهان خلقت را ملک خود تلقی می‌کنند و بدون توجه به نظر مالک حقیقی آن، یعنی خدا، هرگونه که بخواهند در این جهان تصرف می‌کنند. این افراد و جوامع در واقع خود را مالک و ولی و پرورش‌دهنده (ربّ) جهان می‌پندارند که از جمله پیامدهای آن تخریب محیط زیست، آلوده شدن طبیعت، پیداشدن جوامع بسیار فقیر در کنار جوامع بسیار ثروتمند و مانند آن‌هاست.

(درس ۳، صفحهٔ ۳۶)

۲۹۰- گزینهٔ «۱» *(میثم هاشمی)*

«من الناس من یعبد الله علی حرفٍ فأن أصابه خیرٌ اطمانَّ به و إن أصابته فتنة انقلب علی وجهه خسر الدنیا و الآخرة ذلک هو الخسران المبین: از مردم کسی هست که خدا را بر یک جانب و کناره‌ای [تنها به زبان و هنگام وسعت و آسودگی] عبادت و بندگی می‌کند، پس اگر خیری به او رسد، دلش به آن آرام می‌گیرد و اگر بلایی به او رسد از خدا رویگردان می‌شود، او در دنیا و آخرت [هر دو]، زیان می‌بیند. این همان زیان آشکار است.»

سرنوشت این گروه، زیان دیدن هم در دنیا و هم در آخرت است.

(درس ۳، صفحهٔ ۳۴)

ایران توشه
توشه ای برای موفقیت

زبان انگلیسی ۳

۲۹۱- گزینهٔ «۱» *(رحمت‌اله استیری)*

نکتهٔ مهم درسی:

نقش "he" برای فعل "see" مفعولی است، پس نیاز به ساختار مجهول داریم (رد گزینه‌های «۲ و ۳»). از سوی دیگر، ساختار "I don't think" جمله را منفی می‌کند، پس "tag" در انتهای جمله باید مثبت باشد (رد گزینه‌های «۲ و ۴»). در ضمن، جمله بعد از "since" نباید برای ساخت "tag" ملاک قرار بگیرد (رد گزینه‌های «۲ و ۳»).

(گرامر)

۲۹۲- گزینهٔ «۱» *(رحمت‌اله استیری)*

نکتهٔ مهم درسی:

فاعل اصلی این جمله "the youngest of his three children" (کوچک‌ترین فرزند از میان سه فرزندش) است که مشخصاً مفرد است (رد گزینهٔ «۲»). از سوی دیگر، نقش این فاعل برای فعل "remember" به معنای «به یاد آوردن» مفعولی است. در نتیجه، نیاز به ساختار مجهول داریم (رد گزینه‌های «۳ و ۴»).

(گرامر)

۲۹۳- گزینهٔ «۳» *(رحمت‌اله استیری)*

نکتهٔ مهم درسی:

نقش "few people" برای فعل "regard" به معنای «به حساب آوردن» فاعلی است، پس نیاز به ساختار معلوم داریم (رد گزینه‌های «۲ و ۴»). از سوی دیگر، کلمهٔ "few" باعث می‌شود که جمله منفی شود. در نتیجه، "tag" در انتهای جمله باید مثبت شود (رد گزینه‌های «۱ و ۲»).

(گرامر)

۲۹۴- گزینهٔ «۳» *(آرمین رحمانی)*

ترجمهٔ جمله: «بلاتکلیفی وضعیت همه را عصبی کرده بود زیرا هیچ کس دقیقاً نمی‌دانست چه اتفاقی خواهد افتاد.»

۱) احساس ۲) توافق
۳) بلاتکلیفی ۴) الهام

(واژگان)

۲۹۵- گزینهٔ «۱» *(رحمت‌اله استیری)*

ترجمهٔ جمله: «مصاحبه‌کننده از سؤالات ساده‌ای برای استخراج اطلاعات در مورد تجربیات قبلی و مهارت‌های داوطلب استفاده کرد.»

۱) استخراج کردن ۲) تأیید کردن
۳) مکث کردن ۴) پاسخ دادن

(واژگان)

۲۹۶- گزینهٔ «۲» *(رحمت‌اله استیری)*

ترجمهٔ جمله: «بسیاری از دانش‌آموزان سخت کار می‌کنند زیرا معتقدند که یک آموزش خوب می‌تواند به آن‌ها در دستیابی به اهداف آینده‌شان کمک کند.»

۱) راه‌حل ۲) آموزش
۳) ترکیب ۴) مجموعه

(واژگان)

ترجمهٔ متن درک مطلب:

احترام احساس یا رفتاری مثبت است که نسبت به شخص یا چیزی که مهم تلقی می‌شود یا ارزش و جایگاه بالایی دارد، نشان داده می‌شود. احترام بیانگر نوعی تحسین نسبت به ویژگی‌های خوب یا ارزشمند است. همچنین، احترام فرایندی است که در آن با نشان دادن مراقبت، توجه و در نظر گرفتن نیازها یا احساسات فرد، او را گرامی می‌داریم.

برخی افراد ممکن است با کمک به دیگران یا ایفای نقش‌های مهم اجتماعی، احترام دیگران را به دست آورند. در بسیاری از فرهنگ‌ها، افراد شایستهٔ احترام دانسته می‌شوند، مگر اینکه خلاف آن را ثابت کنند. رفتارهای نشان‌دهندهٔ احترام می‌توانند شامل کلمات و عبارت‌های ساده‌ای مانند «متشکرم» در کشورهای غربی یا «ناماسته» در شبه قارهٔ هند باشند. همچنین، نشانه‌های فیزیکی ساده‌ای مانند کمی خم‌شدن، لبخندزدن، تماس مستقیم چشمی یا یک دست‌دادن ساده نیز می‌توانند نشان دهندهٔ احترام باشند؛ بااین‌حال، این رفتارها ممکن است بسته به بافت فرهنگی، برداشت‌ها و معانی کاملاً متفاوتی داشته باشند.

در فرهنگ‌های اسلامی، روش‌های گوناگونی برای نشان‌دادن احترام به دیگران وجود دارد. برای مثال، بوسیدن دست پدر و مادر، پدربزرگ و مادربزرگ و معلمان توصیه شده است. همچنین در سخنان منسوب به پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) نقل شده است که اگر افراد با لبخند به چهرهٔ والدین خود نگاه کنند، خداوند قطعاً در برابر این کار به آنان موفقیت و شادی پاداش خواهد داد. البته، نشان‌دادن احترام تنها به دین اسلام محدود نمی‌شود.

۲۹۷- گزینهٔ «۳» *(عقیل محمدی‌روش)*

ترجمهٔ جمله: «از متن می‌توان فهمید که ...»

«ما به نیازها و احساسات کسانی که به آن‌ها احترام می‌گذاریم، اهمیت می‌دهیم.»

(درک مطلب)

۲۹۸- گزینهٔ «۱» *(عقیل محمدی‌روش)*

ترجمهٔ جمله: «کلمه "interpretations" که در پاراگراف ۲ زیر آن خط کشیده شده است، از لحاظ معنایی به ... نزدیک‌ترین است.»

"meanings" (معانی)»

(درک مطلب)

۲۹۹- گزینهٔ «۱» *(عقیل محمدی‌روش)*

ترجمهٔ جمله: «طبق متن، کدام یک از موارد زیر درست است؟»

«شما دیگران را شایستهٔ احترام می‌دانید تا زمانی که نشان دهند که شایستهٔ آن نیستند.»

(درک مطلب)

۳۰۰- گزینهٔ «۴» *(عقیل محمدی‌روش)*

ترجمهٔ جمله: «متن احتمالاً با بحثی در مورد ... ادامه پیدا می‌کند.»

«روش‌های نشان دادن احترام در برخی مذاهب دیگر»

(درک مطلب)

ایران توشه